

برولترهای جهان متحد شوید!



مسائل بین‌المللی

۵

آذر - دی
سال ۱۳۶۱



این است کنگره آمریکا. پلاکات اثر پاک خالن
نقاش جمهوری دموکراتیک خلق کره

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	عنوان	نویسندگان مقاله ها
۱۷ - ۲	سیاست ملی لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی و اهمیت بین المللی آن	بوریس پونوماریف
۲۵ - ۱۸	برنامهٔ جبههٔ مبارزه علیه ریگان	جیمس اوست
۳۶ - ۲۶	خلق بزانود رنیا مد ه ، مبارزه ادامه دارد	نعمیم اشهب
۵۷ - ۳۷	دربارهٔ خصلت سازمان کمونیستی هنرپیشگام بودن	-
۶۷ - ۵۸	از عقبانندگی قرون بسوی قلله‌های دانشائی	دام دین ژاوین ما پدار
۷۱ - ۶۸	تاریخ مبارزات انقلابی	علی خاوری

سیاست ملی لینی حزب کمونیست اتحاد شوروی و اهمیت بین المللی آن

پرویز پونوماریف

عضو مشاور پرووی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست اتحاد شوروی ،
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

مسئله ملی بین آسامی ترین مسائل دوران مادارای اهمیت بسیاری است . تجربه تاریخی
سوسیالیسم واقعی موجود یگانه راه ممکن حل و فصل عادلانه و کامل آنرا نشان داد .

دست آورد های عظیم در پیشرفت اقتصادی و اجتماعی - سیاسی و معنوی خلق های اتحاد
شوروی که نظیر آنها تا کنون دیده نشده ، دلیل محکم برتری سوسیالیسم ، درستی تئوری طلت
مارکسیستی - لنینیستی و صحت سیاست ملی حزب کمونیست اتحاد شوروی است . برادری خلل
ناید بر خلق های اتحاد شوروی نیروی محرکه پرتوان جامعه شوروی و منبع بی پایان انرژی سازنده
آن است .

در قطعنامه کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی درباره شصتمین سالگرد ایجاد اتحاد
جما هیر شوروی سوسیالیستی قید گردیده که در این سال روز پرافتخار اتحاد شوروی بمنزله خانواده
متفق و مهربان جما هیر برابر حقوقی که مشترکاً جامعه کمونیستی را میسازند در برابر تمام جهان نمایان
میگردد . وحدت مردم شوروی گرد حزب کمونیست خود و کمیته مرکزی آن برهبری ادامه دهنده صدیق
کارستروگ لنین رفیق ل . ای . برژنف خلل ناپذیر است .

نیروی جاذبه نمونه اتحاد جما هیر شوروی انگیزه پرتوان مبارزه خلق هاد راه آزادی ملی و
اجتماعی شده است . زیر فشار رشد بد این مبارزه و تأثیر تناسیب نیروهای تغییر یافته در عرصه جهان
سیستم استعماری امپریالیسم از هم پاشیده شد و هها خلق با استقلال کشور خود دست یافتند .
ایجاد سیستم جهانی سوسیالیسم از دست آورد های عظیم جامعه بشری است که در آن مناسبات
میان کشورها بر اساس کیفی نوی یعنی برابری حقوق واقعی ، کمک متقابل و دوستی پایگداری میشود .

تعمیق تفاهم متقابل میان خلقها و گسترش همکاری آنها بخش مهمی از مبارزه حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی علیه خطر جنگ و مسابقه تسلیحاتی و مبارزه در راه صلح استوار است .

پیشرفت اوم و ترقی کشور کثیرالمثله شوراهای بطور مستمر وظائف تازه ای را در برابر هر حزب کمونیست و تمام مردم شوروی مطرح میکند . حزب با اصلاح آموزش مارکسیستی — لنینیستی و تجربیه تاریخی که گرد آمده به انجام این وظائف میپردازد و اصول لنینی ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم را که در عمل آزمون گردیده بطور خلاق غنی میسازد . در اسناد و مدارک و قرارهای کنگره های بیست و چهارم و بیست و ششم حزب و در آثار ل . ای . برژنف سیاست لنینی در مرحله سوسیالیسم پیشرفته فرمول بندی شده و بطور همه جانبه مدلل گردیده است .

۱

سراغاز حل و فصل عادلانه مسئله ملی در کشور ما به سالهای اولیه فعالیت حزب ما یعنی به دوران پیش از انقلاب بازمیگردد . تئوری مسئله ملی در دوران امپریالیسم و گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم که لنین تهیه و تدوین کرد یکی از برجسته ترین خدمات وی در برابر جنبش انقلابی جهانی است . در آموزش کامل و یکپارچه ای درباره قانونمند پهای پیشرفت ملت ها و تبدیل شدن آنها از ملت های سرمایه داری به سوسیالیستی لنین این نکته را بطور همه جانبه مدلل ساخت که حل و فصل واقعی مسئله ملی وابسته به انقلاب سوسیالیستی و پیروزی سوسیالیسم است و در ضمن ضرورت درهم آمیختن مبارزه انقلابی طبقه کارگر و جنبش آزاد پیخش ملی در یک جریان واحد را نیز آشکار ساخت .

مسئله انترناسیونالیسم پرولتری در آثار لنین یکی از مسائل مرکزی وعده است . لنینسن و

پلشویکها این اصل را در عرصه تئوری کشف نمودند و در عمل با ثبات رساندند که تحقق آن در ساختمان حزب و جنبش کارگری چه نقش فوق العاده ای در امر آزادی اجتماعی و ملی ایفاء میکند . لنین می آموزد که حزب باید بمنزله سازمانی واحد ، متمرکز و زنده و متکی بتمام پرولتاریا بدون توجه به زبان و ملیت باشد ، سازمانی که حل و فصل مشترک و مداوم مسائل تئوریک ، عملی ، تاکتیکی و سازمانی آنرا متحد و منسجم ساخته باشد (۱) . ایجاد حزب بر پایه مرکزیت دموکراتیک و انترناسیونالیسم پرولتری شرط قاطع موفقیت در تأمین وحدت و رزمندگی کارگران تمام کشورهای است .

لنین ماهیت حل مسئله ملی را در برابری کامل حقوق خلقها و حقوق ملتها در تعیین سرنوشت اتحاد جدا شدن و در وحدت انترناسیونالیستی مبارزه طبقاتی پرولتاریا در راه سوسیالیسم میداند .

تصرف بطریق ملتها در تعیین سرنوشت که حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه پیش از احزاب دیگر طبقه کارگر رکنگره د روم در برنامه خود داخل کرد یکی از تظاهرات عمده متمرکز بود . با گذشت زمان و در پی توجاریب تاریخی بروشنی دید همیشه که این ماد مبرنامه برای پیشرفت جنبش انقلابی چه اهمیت سترگ سیاسی واید ثلویژیکی داشته است . این ماد هوسیله نیرومندی برای تربیست انترناسیونالیستی کارگران و وحدت توده های زحمتکش ملت های ستمدیده در اطراف پرولتاریا گردید و به جلب بهترین نیروهای طبل کشور مابه سوی حزب و آشنائی آنها با مارکسیسم و بلشویسم کمک کرد .

لنین در مبارزه با اپورتونیمست های راستگرا و قشویون " چپ گرا " ضمن دفاع از مواد اصولی برنامه ملی هم خطرات تلاش های ناسیونالیستی بمنظور پوشاندن یا تحریف مضمون طبقاتی مسائل ملی و هم منفی بافی و " نهمیلیسم " ملی را فاش ساخت . نظریه لنین هیچ وجه مشترکی بانفسی ویژگیهای ملی و کم ارزش دادن به اهمیت و نقش تاریخ ، فرهنگ و سنن ملت ها نداشت . او تاکید نمود که علاقه و تمایل بترقی و پیشرفت آنچه که پیشرو دموکراتیک است ، علاقه به هر آنچه خوب نیکی است و غرور و افتخار ملی بر آنها بی بریزی گردیده نه فقط با منافع سوسیالیسم و طبقه کارگر متضاد نیست ، بلکه کاملاً با آنها مطابقت میکند .

یکی از مهمترین شرایط پیروزی انقلاب اکتبر در این بود که بلشویکیها کارگران و زحمتکشان تمام ملل و اقوام روسیه را در اطراف پرولتاریای روسیه بمنزله هسته اساسی و نیروی محرکه عمده جنبش انقلابی متحد ساختند .

اکتبر تحول بزرگی در سرنوشت تمام خلقهای کشور مابود . در همان نخستین اقدامات قانونگذاری حکومت شوروی گامهای قاطعی در راه آزادی کامل مللی که در گذشته زیر ستم قرار داشتند و تأمین برابری حقوقی و در آخرین تحلیل برابری واقعی آنها برداشته شد .

تهیه و تدارک پایه های ساختن ملی - دولتی که پاسخگوی وظائف دگرگونی سوسیالیستی جامعه باشد و انجام این دگرگونی و سازندگی را بلشویکیها مجبور شدند در مبارزه ای شدید با احزاب و سازمانهای ملتگرای بیشمار که آن موقع در کشور وجود داشت بانجام برسانند .

اراده بسیار قوی و عزم طبقه کارگر چند ملیتی روسیه به اتحاد و کار سترگ سیاسی و سازمانی حزب بلشویکیها بر تمام د شوارپها غلبه کرد . توده های زحمتکشان تمام ملیت ها عزم راسخ خود را به متحد ساختن نیروها و منابع خویش بخاطر هدف مشترک یعنی ساختن جامعه نو و عادلانه ای ابراز داشتند .

و ای . لنین تاکید میکرد که مخلوط کردن اعلام حقوق ملت ها در تعیین سرنوشت تا حد جدائی با مسئله هدف فمندی جدا شدن نادرست است . وحدت ملت ها در کشوری بزرگ و نیرومند

برپایه ای داد وطلبانه، واقعات و موکراتیک و انترناسیونالیستی برای پرولتاریا، در صورت شرایط برابر دیگر، مرجح است.

نخستین کنگره شوراهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که ۳۰ دسامبر سال ۱۹۲۲ تشکیل گردید، نتیجه منطقی جنبش متحد سازنده خلقهای برادری بود. نمایندگان چهار جمهوری شوروی یعنی جمهوری فدراتیف شوروی سوسیالیستی روسیه، اوکراین، فدراسیون ماورا قفقاز (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان در آن داخل بودند) و بلوروسی، اعلامیه ویبانی را در باره ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تصویب کردند. م. ا. کالینین هنگام به پایان رسیدن کار کنگره در پایان سخن گفت: "هزارها سال از آن زمان میگذرد که بهترین متفکرین جامعه بشری سعی و کوشش خود را در راه حل یک مسئله تئوریک بکار میبرند و میگویند اشکالی را بیابند که به خلقها امکان بدهد بدون رنج و عذاب فراوان و مبارزات متقابل رنج و سختی و برادری بصرینند. ولی فقط حالا و در این روز، عملاً در این جهت نخستین سنگ بنای نهاد میشود" (۱).

این وظیفه در مرکز سیاستی قرار داشت: عدم برابری ملل در سطح پیشرفت اقتصاد و فرهنگی باید طغی گردد و زیرا فقط این کار میتواند برابری واقعی آنها را تأمین کند. حسیب نشان میداد که انجام این وظیفه فقط از طریق کمک مؤثر و باز مدت پرولتاریای روسیه امکان پذیر است. خلق روس که خود متحمل ویرانی و گرسنگی گردیده بود برای اعتلای نواحی در ورازمکس که محل سکونت ملت های دیگر بود، منابع مادی عظیمی را مصرف کرد و هزاران کادر حزبی و کارگر و متخصص را به آن مناطق گسیل داشت که با سخاوت فراوان دانش و تجربه خود را با آنها در میان نهادند. در نتیجه این کمک انترناسیونالیستی مناطق در ورازمکزی سالهای معدودی مسائل و مشکلاتی را حل و فصل کردند که در شرایط دیگر به یک قرن تمام وقت احتیاج داشت.

مسئله ملی در کشور شوراهای در جریان ساختمان سوسیالیسم حل و فصل میگردد. در حقیقت این امر و روی یک جریان واحد بود. در گروگن ساختن سوسیالیستی مناسبات اجتماعی و الفبای طبقات استثمارگر زندگی ملت ها را تغییر داد. تمرکز منابع در یکجا، کار و فعالیت مشترک و وحدت اراد و خلقهای نیروی آنها را چند برابر نمود و زیربنای مستحکم مادی و معنوی در گروگنی های بنیادی سوسیالیستی را پی ریزی کرد.

تغییرات عمیق مترقی در زندگی تمام ملت ها و خلقها پدید آمد که اقتصاد، مناسبات اجتماعی و فرهنگ آنها را نیز در بر گرفت. در همه جا صنایع مدرن و مراکز بزرگ تولیدات کشاورزی ایجاد گردید.

برخی از اقوام و ملت‌ها بدو ن‌گذاشته و سرمایه‌داری به سوسیالیسم رسیدند. آنچه بویژه مهم است، این است که در جمهوری‌های متحدۀ در صفوف طبقه‌کارگر که نیروی محرکه اصلی نزدیکی ملت‌ها و اقوام کشور است، در صد افراد متعلق به ملیت‌های بی‌بومی می‌باشند. افزایش یافته است. آشکال گوناگون و انعطاف‌پذیر سازمان‌های دولتی شوروی که پاسخگوی منافع هر یک از ملت‌ها و جامعه بطور کلی است و از لحاظ ماهیت خود یکسان می‌باشند بوجود آمده است. انقلاب فرهنگی هم‌موجب پیدایش تغییرات عظیمی در زندگی اقتصادی و اجتماعی - سیاسی خلق‌های شوروی گردید و هم با آنها همراه بود. بی‌سواد ی به گذشته‌های دور سپرده شد. بیش از پنجاه خلق که فاقد خط و کتابت بودند، واجدان گردیدند. بدین ترتیب ملت‌ها و خلق‌های نو-مطراز سوسیالیستی تشکل یافتند. خلل‌ناپذیری اتحاد ملت‌های شوروی در آرزوی بسیار سخت‌ی یعنی در آتش جنگ کبیر میهنی با ثبات رسید. اتحاد جماهیر شوروی در این جنگ نه فقط از استقلال خود بلکه از حق تمام خلق‌ها و آزادی ملی دفاع میکرد و دفاع کرد. پیروزی برفاشیسم خلق‌های بسیاری را از نابودی رهائی بخشید.

اتحاد شوروی واقعا هم به تمام جهان نمونه بی نظیری از حل و فصل موفقیت آمیز مسئله ملی را نشان داد. بطور مثال در داغستان که یکی از جمهوری‌های کوچک قفقاز است شهر وندان بیش از سی ملیت زندگی میکنند. آنجا که تا پیش از انقلاب دشمنی و نفاق ملی و منازعات خونبار قطع نمیشد اینک دوستی خلق‌ها حکم فرماست و کار دسته جمعی در اتحاد با تمام خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی جوشان است.

در پروسه پیدایش تغییرات عمیق در تمام مرصدهای زندگی در کشور ما طی ده ساله‌های ساختمان سوسیالیسم مجمع تاریخی تازه ای از انسان‌ها که خلق شوروی است بوجود آمد و استوار گردید. این مجمع تمام طبقات و گروه‌های اجتماعی، تمام ملت‌ها و اقوام را بر پایه اصول انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی متحد ساخته است.

اساس تشکیل و تحکیم هر چه بیشتر این مجمع اجتماعی و انترناسیونال تازه فعالیت رهبری کننده و سمت دهنده حزب کمونیست اتحاد شوروی میباشد. حزب دوستی خلق‌های اتحاد شوروی و اتحاد بزرگ برادرانه آنها را که در پوئه مبارزات طبقاتی و ساختمان سوسیالیسم آید دیده شده حفظ نمود و تحکیم میکند.

این روزها، در آستانه شصتمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی میتوان گفت با تاجلی دست آورد های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمام جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی که بیننده را تحت تأثیر قرار میدهد روبرو هستیم. این رژه واقعی پیروزی سیاستی لنینی حزب کمونیست اتحاد شوروی است.

مهمترین حاصل کاوشدید و خلاق تمام ملت‌ها و اقوامی که در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی متحد گردیدند اند ساختمان جامعه سوسیالیستی پیشرفته برهبری حزب لنین بود . کشور به مرحله تاریخی تازه ای گام نهاد . روشن است که این جریان در محیط و تکامل مناسبات میان ملت‌ها تأثیر کرد . این مناسبات اکنون با خصائص اساسی زیرتوصیف میشود :

اولاً ، مسئله ملی‌یوشکلی که از گذشته میراث رسیده بود کاملاً برای همیشه حل شده است . در کشورهای مناسبات برابری برادری و دوستی لنینی خلقها بطور استوار برقرار گردید و تمام جمهوریهائی متحد و بسط عالی نسبتاً برابرترقی اجتماعی - اقتصادی و ممنوی دست یافته اند .

ثانیاً ، بهم پیوستگی برتریهائی سوسیالیسم پیشرفته با دست‌آورد های انقلاب علمی و فنی پیروسی بین‌المللی شدن (انترناسیونالیزاسیون) تمام جنبه‌های زندگی ملت‌های شوروی و تصریح میکند مضامین هر یک از آنها در زمینه مجتمع اقتصاد خلقی واحد کشور هر چه کامل‌تر تأمین میگردد .

ثالثاً ، ساختارهای اجتماعی یکسان اهالی جمهوریهائی متحد و خود مختار که در جریان ساختمان سوسیالیستی بوجود آمده بتدریج بشکل ساختارهای بدون طبقه درمیآید ، در ضمن نیروی رهبری کننده این پیروسی در همه جا طبقه‌کار گرامست .

رابعاً ، دموکراسی سوسیالیستی که در چهارچوب دولت همه‌خلقى بطور مردم‌تکامل مبیابند برای تلفیق موزون منافع جمهوریها و سراسر کشور شوروی و اشتراك مستقیم و برابر حقوق هر یک از افراد صرف نظر از وضع اجتماعی و ملیت وی محیط هر چه وسیع‌تری فراهم میآورد .

خامساً ، جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی ، آرمانهای سوسیالیستی و ارزشهای اخلاقی که در جامعه بطور استوار برقرار گردید ، در شکوفائی و نزدیکی فرهنگهای ملی و محیط و تکامل هر چه بیشتر فرهنگ واحد خلق شوروی نقش قاطع ایفا میکند .

سادساً ، شیوه زندگی سوسیالیستی با خصائص جمع‌گرائی و رفاقت که ویژه آنست ، همراه با وحدت دوستی خلقها و معاشرت بین ملت‌ها در سطح عالی اخلاقی و فرهنگی اینک تعیین کننده اساسهای انترناسیونالیزاسیونی شیوه زندگی ملت‌های شوروی است .

سابعاً ، پیشرفت مناسبات ملی در شرایطی انجام میگردد که مجمع تازه ای از خلقها ، مجمع تازه اجتماعی و انترناسیونالیزاسیونی یعنی خلق شوروی حالا دیگر بوجود آمده و این پیشرفت در ارتباط نزدیک با ترقی هر چه بیشتر آن جریان دارد .

تمام این تغییرات بنیادی در زندگی ملت‌ها و اقوام سوسیالیستی کشورها در قانون اساسی جدید اتحاد شوروی ، قانون اساسی جامعه سوسیالیستی پیشرفته بازتاب یافته و تثبیت شده است .

باید این واقعیت را نیز مؤکداً خاطر نشان ساخت که روابط سوسیالیستی میان ملت‌ها اکنون دیگر از مرزهای یک کشور فراتر رفته است . حالا جامعه کشورهای سوسیالیستی وجود دارد که روز بروز مستحکم تر می‌گردد .

گرایش عمدهٔ بسط و تکامل مناسبات ملی در کشور ما در مرحلهٔ کنونی نزد یکی همه‌جانیه و آتسی ملت‌های شوروی است که به استحکام هر چه بیشتر اتحاد جماهیر شوروی منجر می‌گردد . البته ه وحدت انترناسیونال و ملی و تلفیق هم‌آهنگ آنها در مرحلهٔ سوسیالیسم پیشرفته هم بخودی خود برقرار نمی‌گردد . این وحدت فقط در جریان تحقق پیگیری سیاست ملی واقع بینانهٔ حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی که بر پایه‌های علمی استوار است بدست می‌آید . بهمین سبب است که حزب ما در عین اینکه بحق به دست آورد های خود در حل و فصل مسئلهٔ ملی افتخار میکند از توجه به مسائل پیشرفت و تکامل ملت سوسیالیستی نمیکند .

بطور مثال رشتهٔ ساختمان اقتصاد را در نظر بگیریم . اکنون وضع بد ینسان است : مجتمع واحد اقتصاد سراسر کشور که پایه و اساس مادی برادری و دوستی خلقها است با موفقیت در حال پیشرفت است و جمهوریهای شوروی که به سطح تقریباً یکسانی از پیشرفت اقتصاد ی ناقل گردیده اند ، مسئلهٔ بسیار مهم ترقیات آتی یعنی مسئلهٔ تشدید تولید را مشترکاً حل میکنند . خط مشی کنونی حزب کوشش در راه افزایش قدرتمندی و معنوی هر یک از جمهوریها و در عین حال حداکثر استفاده از آن برای پیشرفت موزون تمام کشور است .

اتحاد جماهیر شوروی با اطمینان و اعتماد بسوی شصتین سالگرد تشکیل خود به پیش می‌رود . ولی عطف کمال توجه به مسائلی که هنوز نیازمند حل و فصل میباشند همواره از سنن حزب بشمار می‌آید . بدین مناسبت حداکثر استفاده از منابع مادی و ذخایر کار هر جمهوری را کفلاً واسطه از مشی تشدید تولید که از طرف حزب اعلام شده ناشی می‌گردد باید بمنزلهٔ وظیفهٔ درجهٔ اول اهمیت بشمار آورد .

اینک شمر بخشی عملکرد مجتمع اقتصاد سراسر کشور و بنا بر این ترقی اقتصادی و اعتدالی رفاه و آسایش زحمتکشان هر یک از جمهوریها بحیزان تعیین کننده ای و بامتنه به تحقق برنامه‌های نظیر استفاده از منابع انرژی و مواد خام میبیری ، خاور و شمال ، منطقهٔ بام (راه آهن سراسری بایکال - آمور) و قابل استفاده کردن اراضی فاقد خاک سیاه و تکامل مجتمع های تولیدی محلی است .

وظیفهٔ اصلی سازمانهای حزب و زحمتکشان تمام جمهوریها در برنامه‌های پنجسالهٔ کنونی و آئینده انجام برنامهٔ خوار و ارزاق (که به تصویب پلنوم مامه سال ۱۹۸۲ کمیتهٔ مرکزی حزب

کمونیست اتحاد شوروی رسید) و تأمین واقعی اهالی کشور با محصولات غذایی است . در این تردید نیست که وحدت انترناسیونالیستی و دوستی خلقهای اتحاد شوروی نقش مهمی در تحقق هدفهای بزرگی که در برنامه قید گردیده ایفاء خواهند کرد . در همین حال خود این کار هم عامل نزدیکی و تحکیم دوستی هر چه بیشتر خلقهای شوروی خواهد شد .

در مرحله کنونی نقش سیاست اجتماعی بمنظور بسط و تکامل مناسبات ملی و در رجه اول برای انجاموظائفی مانند ایجاد بهترین ساختار ممکن برای هر جمهوری ، اعتلای رفاه و فرهنگ مردم و کنترل تغییر مراحل زندگی چه در داخل جمهوری و چه بین جمهوریهافزایش مییابد . نزدیکی چشمگیر طبقات و گروههای اجتماعی پدید آمده مشترکی در تمام جمهوریهاست .

نتیجه گیری کنگره بیست و ششم حزب کمونیست اتحاد شوروی در باره پیدایش ساختار رسد و ن طبقات در بخشهای عمده و اساسی (در همان چهارچوب تاریخی سوسیالیسم پیشرفته) در تمام استحکام آتی وحدت اجتماعی و انترناسیونال خلق شوروی را بر روشنی نشان میدهد . درست در پرتو همین نتیجه گیری هم ماسئله آینده ملت را مورد بررسی قرار میدهم . احتمالاً مرحله تازه پیشرفت تاریخی آنها برقراری ملتهای سوسیالیستی بدوین طبقه خواهد بود . این کیفیت اجتماعی تازه ، بدوین تردید زمینه گسترده تر و محکمتر وحدت و ترقی آنها در سیمای خلق شوروی بمنزله مجمع اجتماعی و انترناسیونال خواهد بود .

سراسراهی که حزب ماطی کرده ، قابلیت زیست عظیم و دموکراتیسم عمیق اصول اساسی سازمان کشور کثیرالمله شوروی را بطور قناعت بخشی تأیید کرد . تجربه نشان میدهد که هر قدر سیستم سیاسی دموکراتیک تر باشد و هر قدر زحمتکشان وسیع تر از ثمرات دموکراسی بهره مند گردند ، نیروی جاذبه متقابل تمام ملتها و اقوام هم بهمان اندازه بیشتر خواهد بود . این قانونضدی تعیین کننده خصلت انترناسیونالیستی سازمان دولتی خلقهای اتحاد جماهیر شوروی است . در هر یک از جمهوریهای شوروی حاکمیت دولتی در خدمت منافع تمام زحمتکشانی است که در سرزمین آن زندگی میکنند بدوین اینکه به این موضوع اهمیت داده شود که آنها از اهالی و مسکنه بومی اصلی آن جمهوری هستند یا خیر . تمام جمهوریهای کشور ما کثیرالمله میباشند و همانطور که ل . ای . برژنف تأکید نمود حزب در این جهت کوشش میکند که ملتها و اقوام هر یک از جمهوریها در ارگانهای حزبی و دولتی نمایندگی لازم را داشته باشد ، البته با توجه شدید به صفات ، اخلاق طرز تفکر و کارآمدی هر یک از افراد (۱) .

دگرگونی‌های بنیادی تاریخی، د زندگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور نیروی محرکهٔ بسیمار قوی بفترقی معنوی هرچه بیشتر طلتهای شوروی د شرایط موسیالیسم پیشرفته بخشید . غنای زندگی معنوی جامعه، افزایش تنوع و زیبائی آن بیانگرا توفزندانهٔ این پروسه ها گردید . فرهنگ انترناسیونالیستی واحد مردم شوروی آنچه را که د دست آورد ها وسنن ویژه و بیجانند تمام فرهنگهای ملی موسیالیستی برای همگان پرارزش و مهم است بخود جذب میکند . د رعین حال این فرهنگ انترناسیونالیستی، وسیع تر و جامع الاطراف تر از هر یک از فرهنگهای ملی بطور جداگانه است و عرصه ایست که بروی تمام آنچه د فرهنگ جهان واقعاً بشرد و ستانه و پیشرو میباشد باز است . اعتلای فرهنگ تمام خلقهای کشور ما، هم بحساب جذب دست آورد های سایر ملل به بنیاد ملی و هم از طریق پیشرفت بعدی فرهنگ و ویژهٔ خود، از زمین رفتن عناصر کهنه و قدیمی و عقب ماندۀ آن واحیای بهترین سنن کهن تأمین میگردد . فرهنگ که فقط میکوشد سنت های گذشته را حفظ کند و د ر این اندیشه نیست که آنها را با روح زمان خود دست آورد های فرهنگهای د یگرفنی سازد، و حتماً بی پایه و خالی از مضمون میگردد و خود را به عقب ماندگی و رکود محکوم میسازد . کوتاه سخن، همانطور که ل . ای . برژنف به شیوه ای الهام بخش گفت عصر طلائی پیشرفت همه جانبهٔ خلقهای کشور ما د ر گذشته، بلکه د رحال و آیندۀ آنها است .

مسائل مربوط به زبانها و زندگی زبانها برای تحکیم هرچه بیشتر وحدت اجتماعی — سیاسی و اینتلو لژیکی مردم شوروی د ار ای اهمیت فراوان است . زیرا امید انهم خلقهای کشور ما به بیش از ۱۳ زبان سخن میگویند .

د موکراتیسم و بشرد و معنی نظام ماد را استفادهٔ واقعاً آزاد و برابر حقوق طلتهای اقوام و تمام انسانهای شوروی از زبانهای مادری خود و یا زبانهای سایر خلقهای اتحاد جماهیر شوروی همانند تصویری د رأینیه بازتاب یافت . اینک اشاعۀ سریع زبان روسی بمنزلۀ زبان بین المللی و معاشرت بحقیاس جهانی بحشم میخورد . د رعین حال زبانهای تمام خلقهای کشور د جریان تأثیر و نفوذی متقابل به بسط و تکامل خود ادامه میدهند .

د ریست و ششمین کنگرۀ حزب کمونیست اتحاد شوروی خاطر نشان گردید که پیشرفت کشور کثیرالطلبهٔ چین بزرگی مانند کشور ما د عرصۀ مناسبی میان ملتهای مسائلی را بوجود میآورد که نیازمند توجه و دقت حزب است . حزب این مسائل را عمیقاً بررسی میکند و د ر پراتیک روزانهٔ خود آنها را د نظر میگیرد، کار زیاد د ر پرورش و تربیت انترناسیونال و مبین پرستانهٔ زحمتکشان انجام میدهد، میراث تفویک مارکسیستی — لنینیستی را بطور خلاق بحسط و تکامل می بخشد و با تحریف و پرور و ائسی و تجدید نظر طلبانه (روهیزونیستی) سیاست ملی لنینی مبارزه میکند .

تجربه نشان میدهد که نابودی طبقات آنتاگونیست و پیدایش وتشکل مناسبات اجتماعی - سوسیالیستی هنوز خودی خود پیدایش تغییرات متناسب و لازم در عرصه اجتماعی - روانی ویا در عرصه مناسبات میان افراد وابسته بهملیت های گوناگون را تضمین نمیکند و به از بین رفتن افکار و نظریات نادرست و مظاهر ملت گرایانه بطور اوتوماتیک کمک نمیرساند .

بقایای ملتگرایی در عرصه مناسبات میان افراد و زندگی عادی دارای قدرت زیست و ثبات ویژه ایست ، آنها اغلب با اوهام و خرافات مذهبی بشدت درهم آمیزند . حزب کمونیست اتحاد شوروی بطور مستمر در جهت کوشش خود را بکار میبرد که انترناسیونالیسم پرولتاری همانند یکی از موازین رفتار و کردار و خصلت جدائی ناپذیر موضع زندگی فعال انسان شوروی استوار گردیده و ریشه بدواند .

برکسی پوشیده نیست که تبلیغات خصمانه غرب در مبارزه علیه سوسیالیسم واقعی موجود بویژه در این راه تلاش میکند که بدوستی خلقهای کشور مالطمه بزند و احوال و روحیه ملت گرایانه را احیا نماید .

بهمین سبب حزب توجه مستمر به امراید تئولوژی و تربیت افراد میذول میدارد و بطور مداوم در اندیشه تحکیم دوستی میان زحمتکشان تمام مللتهای دنیا مشغول است .

بطوریکه میدانیم انسانها انترناسیونالیست بدنیا نمیآیند ، بلکه پرورش پیدا میکنند . حزب کمونیست تکامل مستمر تربیت پرورش انترناسیونالیستی و همین پرستانه و اشکال و شیوه های آنرا یکی از مسائل عمده استواری دوستی لنینی خلقها و محترمترین شرط تسریع پیشرفت جامعه ما در راه ساختن کمونیسم بشمار میآورد .

پراتیک زندگی بصط و تکامل مناسبات ملی در اتحاد جماهیر شوروی و حل و فصل ثمربخش و تا منتهی درجه انسانی بفرنج ترین مسائلی که بالای جان تمام انواع دموکراسیهای بورژوازی است ، آن منبع تجربه آزمون شده ایست که سخا و تمدن آن در دسترس تمام مبارزان در راه سوسیالیسم و بهر روزی انسانها بر روی زمین قرار داده شده است .

۳

مبارزه در راه آزادی از یوغ وستم بیگانه و ملی تاریخی هزارساله دارد . در دوران ما هم مسئله ملی یکی از مسائل گرهی پیشرفت جامعه بشری است .

بهمین سبب تئوری و پراتیک دگرگونسازی مناسبات ملی در اتحاد جماهیر شوروی اهمیتسی جهانی و تاریخی کسب کرده است . این پدیده تأثیر فراوانی در مبارزه خلقها در راه استقلال ملی آزادی و برابری حقوق میبخشد . بسیاری از جوانب تجربه اتحاد شوروی بطور گسترده مورد استفاده

کشورهای مترقی ، احزاب و جنبش های اجتماعی قرار میگیرد .

قاطع ترین و پیگیرترین مبارزان در راه برابری حقوق ملی کامل احزاب مارکسیست - لنینیست میباشند . اگر عمدترین عللی را که موجب آنها جنبش های کمونیستی ملی چندین دهساله توجه چنین فراوان و مستمری به مسئله ملی میزدول میدارند از سایر علل جدا کنیم میتوان علل اساسی زیر را برشمرد :

نخستین علت این است که مبارزه در راه آزادی ملی و استقلال جزئی تفکیک ناپذیر تجدید اجتماعی واقعی جهان در دوران ما و بنابراین جزئی از مبارزه کمونیستها برای آینده بهتر جامعه بشری است . علت دوم عبارت از این است که مبارزه در راه برابری حقوق ملت ها و مناسبات عادلانه بین المللی عامل مهم مقابله موفقیت آمیز با سیاست امپریالیسم در جهت و خیم کردن اوضاع بین المللی و عامل مبارزه علیه خطر جنگ و سابقه تسلیحاتی است . لنین تأکید مینمود که " تجربه ما این اعتقاد را مسلح را بوجود آورد که توجه فراوان به منافع ملل مختلف زمینه درگیری ها را از زمین میبرد ، عدم اعتماد متقابل را بر طرف میسازد و مهم و نگرانی از هرگونه تحریکاتی را مرتفع میکند ، آنچنان اعتمادی بویژه بین کارگران و دهقانانیکه بزبانهای مختلف سخن میگویند ، بوجود میآورد که بدون آن نسیه مناسبات صلح آمیز میان خلقها و نه اندک پیشرفت موفقیت آمیز تمام آنچه که در جامعه متعین کنونی ارجحند است ، مطلقاً امکان پذیر نیست " (۱) .

دامن زدن به قاتلش کینه و نفاق ملی و شووینیسم ، معمولاً سرآغاز تجا و زو جنگهای اشغالگرانه بوده است . کشورهای امپریالیستی در آستانه جنگ جهانی اول فضای اروپا را با سموم ملت گرائی و شووینیسم زهرآلود ساختند . فاشیسم هیتلری که در تدارک جنگ جهانی دوم بود ، شووینیسم و نژاد پرستی را به اعلا درجه رسانید . این جریان در سیاستی که هدف فاش نبود ی فیزیکی برخی از ملتهای و حکومت ملتهای دیگر به بردگی و نیمستی تدریجی بود منعکس میگردد . امپریالیسم زیر پرچم ملت گرائی و شووینیسم جنگهای اشغالگرانه و استعماری بیشمار را برپا ساخت . در دوران ما هم شووینیسم از سلاحهای امپریالیسم و در رجه اول ایالات متحده امریکا است که سابقه تسلیحاتی را بدون انقطاع ادامه میدهد ، تا و خامت اوضاع بین المللی را تشدید کند . بشرمانه در مورد داخلی سایر کشورها مداخله نمود و در مناطق مختلف کره زمین به تشدید اوضاع بحرانی دست میزند . ایدئولوژی شووینیستی اساس سیاست محافل حاکمه اسرائیل را که تجاوز خونینی را در لبنان آغاز کرده و در راه احاطه جمعی واقعی فلسطینی ها و نابودی بیرحمانه ساکنان لبنان گام نهادن تشکیل میدهد .

استراتژی تجاوزکارانه امپریالیسم امریکانه فقط متوجه ملامتسی است که در راه استقلال خود مبارزه میکنند، بلکه به محدود ساختن خود مختاری متحدین ایالات متحدۀ امریکا و تابع ساختن مسیاحت آنها به منافع محافل حاکمۀ امریکانیزم منجر میشود. باروشنی هرچه بیشتری دیده میشود که چنین مشی با منافع بنیادی خلقهای بزرگ و کوچک و از جمله با منافع ملی خود امریکائی هم در تضاد است.

مشیت و سیاست کشورهای سوسیالیستی و احزاب کمونیست و کارگری در نقطه مقابل این خط مشی قرار دارد. برخورد مارکسیستی - لنینیستی به مسئله ملی، دفاع مستروریگیر از حق خلقها در تعیین سرنوشت خود یکی از پایه های اصول بنیادی است که مناسبات و روابط اتحاد جماهیر شوروی با سایر کشورهای تعیین کرده و در قانون اساسی اتحاد شوروی تثبیت گردیده است.

تجربه شوروی در عرصه حل و فصل مسئله ملی و تکامل آن کاملترین بازتاب را در فعالیت احزاب کمونیست و کارگری کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، در زندگی اجتماعی این کشورها و در پیرایش مناسبات آنها با دولتها پیدا میکند.

سیاست ملی احزاب مارکسیستی - لنینیستی در هر کشور سوسیالیستی بطرق و شیوه های مشخصی طبق ویژگیهای دورنی و تاریخ آن تحقق مییابد. در ضمن، برغم تمام تفاوتی موجود در حل مسئله ملی و در ساختن سوسیالیسم بطور کلی، اصول و قانونمندیهای مشترکی هم بروز میکند. آنچه مهم است، این است که کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی تلفیق صحیح منافع ملی هر یک از آنها با منافع مشترک را مییابند و در جریان برطرف ساختن آنچه که میتواند حرکت به پیش را در شوار سازد، همکاری میکنند.

در جامعه کشورهای برادرانترناسیونالیسم سوسیالیستی که عبارت از انترناسیونالیسم پرولتری در شرایط ساختن سوسیالیسم و کمونیسم است به صورت تکامل یافت. انترناسیونالیسم پرولتری تعیین کننده اصول و موازین فعالیت مشترک آنها و اقوام در چهارچوب هر کشور سوسیالیستی است. این انترناسیونالیسم در واقع با احاطه تمام عرصه های روابط میان کشورهای احزاب مناسبات کشورهای سوسیالیستی مستقل و خود مختار را تنظیم میکند.

انترناسیونالیسم سوسیالیستی تجسم احترام به ویژگیهای ملی و تاریخی هر کشور و تصمیم راسخ به پشتیبانی متقابل و کمک متقابل بی شائبه و دفاع مشترک از دستاوردهای سوسیالیسم است. به صورت تکامل و تحکیم هرچه بیشتر اصول انترناسیونالیسم پرولتری و مرحله اجرا در آوردن هر روزۀ آنها وظایف ای هر چه بهم تر میگردد، به ویژه در شرایطی که ارتجاع جهانی اقدامات خرابکارانه علیه کشور های جامعه کشورهای سوسیالیستی را تشدید میکند.

مردم ، شخصیت های دولتی و سیاسی و احزاب کشورهای آزاد شده آسیا ، آفریقا و امریکا
 لاتین علاقه فراوانی به تجربه اتحاد شوروی در حل مسئله ملی نشان میدهند .

در این مناطق مسئله ملی امروزه به شکل حادی مطرح است . مضمون آن قبل از هرچیز
 عبارت از مبارزه خلقه علیه امپریالیسم ، در راه آزادی کامل ملی ، رهائی از استثمار توسط شرکت های
 چند ملیتی (ترانر ناسیونال) و برای اعمال حق پیشرفت مستقل است . امپریالیسم نمیخواهد
 با از دست دادن حاکمیت سیاسی بردها کشوری که یقوت مستعمره و نیمه مستعمره بوده اند
 سرمایه گاری نشان دهد . بسیاری از کشورهای آزاد شده به صحنه رویداد های فاجعه آمیزی مبدل
 شده اند که مسائل ملی ، قبیله ای ، مذهبی و زبانی که طی قرنها وجود داشته و تا کنون حل و فصل
 نشده زمینه مساعدی برای پیدایش آنهاست . حساب روی تشدید مناقشات و درگیریهای ملی جزء
 مهمی از استراتژی نو استعماری امپریالیسم است .

اینک ارتباط متقابل حل مسئله ملی در کشورهای آزاد شده و انتخاب راه پیشرفت اجتماعی -
 سیاسی از طرف آنها بویژه آشکار و روشن است . برای این کشورها مسئله بدین شکل مطرح است :
 یا " تکرار راه طی شده " یعنی راه پیشرفت و رشد سرمایه داری با خصوصیت ملی ، نابرابریها ،
 استثمار زحمتکشان ، رنج و غدا ، فقر و گرسنگی که ویژه آنست یا راه تازه ای که برای نخستین بار اکثر
 کبیر هموار ساخته یعنی راهی که سوسیالیسم منتهی میگردد که در آن دوستی و برابری ملتها قانون
 پیشرفت اجتماعی گردیده و استثمار انسان از طرف انسان وجود ندارد .

لنین میا موخت که معیار مترقی یا ارتجاعی بودن این یا آن جنبش ملی در هر حالت مشخص در
 این پرمشاست که جنبش به یکپارچگی و تثبیت نیروهای ضد امپریالیستی و انقلابی یاری میرساند
 یا به تفرقه و نفاق آنها منجر میگردد ، در خدمت به اهداف آزادی اجتماعی زحمتکشان و منافع ترقی
 اجتماعی است یا از طرف امپریالیسم و ارتجاع داخلی برای برهم زدن آن بسود طبقات استثمارگر
 مورد استفاده قرار میگیرد . بنا به تعریف لنین وظیفه کمونیست ها عبارت از این است که " با قاطعیت
 هر چه بیشتر از انقلابی ترین عناصر جنبشهای بورژوا - دموکراتیک و ملی آزاد بیکس پشتیبانی بعمل
 آورند " (۱) .

حادث شدن مناسبات ملی در کشورهای پیشرفته صنعتی سرمایه داری ، بدون تردید ، از
 نشانه های بارز پیشرفت اوضاع در دوران معاصر است . حادث شدن مسئله ملی در اینجا بمنزله عنصر
 جدائی ناپذیر تمعیق هر چه بیشتر بحران عمومی سیستم سرمایه داری نمایان گردیده است . بهمین
 سبب مبارزه در راه حفظ و تحکیم حق حاکمیت و استقلال ملی و علیه اعمال نظرا امپریالیستی مبارزه در

راه برابری حقوق اقلیت های ملی و گروه های دیگر با وظائف حل و فصل مجموعه مسائل حاد اجتماعی در کشورهای سرمایه داری و در آخرین تحلیل با وظائف تجدید ساختمان سوسیالیستی مناسبات اجتماعی ارتباط بسیار نزدیکی می یابد .

اعتراضات ملیت های فاقد حقوق برابر معمولاً یا از طرف دولتهای بورژوازی یا بی اعتنائی رومرو میگردد و یا ، هنگامیکه شکل حادی بخود میگیرد ، بیرحمانه سرکوب میشود . در یک سلسله از شهرهای جنوبی ایالات متحده آمریکا چنین بود و راسترهم ، که دولتناچرتمایلی به واگذاری ابتدائی ترین حقوق به میهن پرستان زندانی المستر نشان نداد و دهها تن از آنان را به مرگ از گرسنگی محکوم ساخت ، همین وضع جریان دارد .

خواسته های ملی بخش مهمی از برنامه های سیاسی و سراسر فعالیت احزاب برادر در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری است . هرگاه سخن از حل و فصل مسئله مبرم و عاجل ایرلند شمالی در میان باشد یا صحبت بر سر مبارزه علیه ستم نژادی و ملی نسبت به سیاه پوستان ، سرخ پوستان و سایر اقلیت های ملی در ایالات متحده آمریکا ، وضع کارگران خارجی در جمهوری فدرال آلمان ، فرانسه و یا سایر کشورها ، درباره معضل کوچک فرانسه زبان در کانادا یا حل مسائل مورد اختلاف میان والون ها و فلانماندها در بلژیک ، درباره شرایط خود مختاری ملی یک سلسله از ایالات اسپانیا یا شوتلاند و اولس در بریتانیا یا کیبرومسائلی از این قبیل باشد ، کمونیست ها موضع خود را با د نظر گرفتن اندیشه لنین درباره بهم پیوستن مبارزه در مراحل مسئله ملی با مبارزه برای درگونی های بنیادی ضد انحصاری و دموکراتیک و در راه منافع طبقاتی زحمتکشان و ترقی اجتماعی معیسن میکنند .

با وجود تمام ویژگیهای مسئله ملی در کشورهای مختلف ، در جریان جستجوی راههای حل آن ، تجربه اتحاد جماهیر شوروی و کشورهای سوسیالیسم واقعی موجود رهنمود و پشتوانه پرارزشی است . این تجربه در مقیاس بین المللی آن و بایک بیان کلی در درجه اول عبارتست از :

۱ - در نمونه بزرگترین کشور جهان با تنوع ملی فراوان ، یعنی در جائیکه طبقات حاکمه قرنهای خصومت و مستعمری را برقرار کرده بود ندامکان واقعی ایجاد مناسبات متقابل نوع تازه ای با کیفیت نویمان ملتها و اقوام که بر پایه اصل برابری حقوق ، عدالت و دوستی استوار باشد ، بطور انکار ناپذیری با ثبات رسیده است . بطور قناعت بخشی نشان داده شده است که چنین مناسبات متقابلی عامل نیرومند ترقی اجتماعی است .

۲ - بطور آشکار مبرهن گردیده و در عمل هم با ثبات رسیده است که چون هر نوع ستم ملی و نابرابری ادامه مییست استثمار انسان بوسیله انسان است ، مبارزه در راه حل مسئله ملی همپطور

ناگسستی بامبارزه در راه آزادی اجتماعی زحمتکشان ارتباط دارد . سرمایه داری قادر نیست مسئله ملی را پیگیر و قاطعانه حل و فصل کند .

۳ - دست یافتن به برابری واقعی ملتها مستلزم تحقق حقوق آنها برای تعیین سرنوشت ایجاد دولت ویژه خود ، حق تعیین نظام اجتماعی - اقتصادی خویش و برقراری مستقلاً نه مناسبات متقابل با سایر کشورها و خلقها است . پایه سیاسی مستحکم کشور کثیرالمله فقط میتواند اتحاد داوطلبانه ملتها و خلقهای تشکیل دهنده آن باشد .

۴ - آزادی سیاسی ملتها اگر با دگرگونی مناسبات اقتصادی و اجتماعی و با مبارزه در راه برابری حقوق اقتصادی توأم نباشد نمیتواند کامل و استوار باشد . در شرایط کنونی هنگامیکه ده ها کشور دست اندر کار حل مسئله بفرنج عقب ماندگی قرون و دست یافتن به برابری حقوق در مناسبات اقتصادی با کشورهای پیشرفته سرمایه داری میباشند ، تجربه جمهوریهای شوروی برای آنها نمونه ای ارزنده و الهام بخش است . در ضمن ، امکان واقعی رسیدن به سوسیالیسم بدون گذراندن مرحله رشد سرمایه داری یا کاهش قابل توجه آن ، برای خلقهایی که مرحله سرمایه داری را نگذرانده اند ، (امکانی که عملاً به اثبات رسیده) از اهمیت ویژه ای برخوردار است .

۵ - برقراری برابری حقوق ملی با اخلاص سیستم سیاسی کشور ارتباطی نزدیک دارد . هر قدر این سیستم به حاکمیت واقعی خلق نزدیکتر باشد ، هر قدر توده های انبوه تری از زحمتکشان را به اشتراک فعال در امر اجتماعی و اداره کشور جلب نماید بهمان اندازه محیط وسیع تری برای حل مسائل مربوط به رستاخیز ملی کشورهایی که در راه پیشرفت مستقل گام نهاده اند خواهد گشود .

۶ - برای حل عادلانه مسئله ملی پیشتاز سیاسی آگاه ، متشکل و ماهدفی لازم است که قادر به درک صحیح منافع ملی و بیان آنها باشد و بتواند انرژی مردم را در جهت متمرکز سازد که مصاعبی آنها با مصاعبی سایر خلقها در مجرای مشترک بین الطلی مبارزه علیه امپریالیسم ، در راه آزادی ملی و ترقی اجتماعی در هم آمیزد . عبارت در دیگر حوزی لازم است که بیانگر منافع طبقه کارگر و توده زحمتکشان باشد و سوسیالیسم علمی را رهنمود خود قرار دهد .

۷ - پراستیک چندین ساله نشان داد که کارهده فمند حزب برای پرورش و تربیت زحمتکشان تمام طلیت ها با روحیه انترناسیونالیسم و تثبیت اندیشه دوستی و برادری خلقها در آن ها ن مردم تا چه اندازه حائز اهمیت است .

معلوم است که آنچه بیان شد مجموع کامل تجربه مشخص و غنی شوروی را در برنمیگیرد . این تجربه فوق العاده همه جانبه است و مراحل مختلفی از پیشرفت تاریخی را شامل میشود .
بقیه در صفحه ۲۵

برنامهٔ جبههٔ مبارزه علیه ریگان

جیمس اوست

عضو هیئت مرکزی
حزب کمونیست ایالات متحده
امریکا

بیش از ده میلیون بیکار، میلیون‌ها کارکن میمیکارویا جویندگان کار که نام آنها در رپوس‌های کار ثبت نشده، جوانان ۲۵ ساله‌ای که هیچ‌وقت کار نکرده‌اند و بیکاری همگانی میان جوانان سیاه پوست امریکائی، ترس کارگران مشغول بکار از اخراج، گرسنگی و بی‌خانمانی، صف‌های طولانی برای یک بشقاب سوپ، نژاد پرستی و بالاخره جنش کارگری متشکل در مواضع دفاعی... این است وضع کنونی در ایالات متحده آمریکا، که با نابود کنندترین بحران اقتصادی پس از سالهای سی دست‌بگریبان است و با وجود این به مسابقه تسلیحاتی سه‌مقیاسی پی‌مانندی ادامه میدهد. کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا در این اوضاع احوال تصمیم گرفت در مین کنفرانس فوق‌العاده در تمام مدت ۶۳ سال تاریخ حزب را تشکیل دهد.

نخستین کنفرانس فوق‌العاده حزب هم در ژوئیه سال ۱۹۳۳ در شرایط عقیق تریمن بحرانی که کشور را فرا گرفته بود تشکیل گردید. کنفرانس مشسی راتدوین کرد، که به حزب امکان میداد، در جنبش‌های توده‌ای طبقه کارگر و تمام خلق برای بهبود وضع اقتصادی و علیه خطر فاشیسم که در آن هنگام تمام جهان را تهدید میکرد، نقش‌طلایه دار را بازی کند.

موفقیت‌هایی که در تحقق این مشی حاصل شد مراحل افتخار آمیزی را در تاریخ پیکار طبقاتی در ایالات متحده آمریکا پی‌ریزی کرد. حزب مادر سازماندهی زحمتکشان در رشته‌های اساسی صنایع که کنگره چند میلیونی سندیکا‌های تولیدی را تشکیل دادند سهم قاطعی داشت. شورا‌های کارگران بیکار که حزب ایجاد کرد، در تمام کشور شروع به فعالیت کرد و کنگره ایالات متحده آمریکا را وارد ارباب قبول قانون پرداخت مستمری به کارگران بیکار قانون بیمه اجتماعی نمود. کمونیست‌ها

موفق شدند به اقدامات مختلف علیه نژاد پرستی ، تبعیض ، تعصب مذ هبی و علیه ضدیت با یهودیان چنان نیرووشدتی بدهند ، که بحق ممکن بود از آغاز مرحله نوبینی در پروسه اتحاد طبقه کارگرچند طبعیتی سخن گفت .

حزب کمونیست در آنوقت نفوذ توده ای بدست آورد و خود به حزب توده ای تبدیل شد ، وتوانست در سطح وظائف تاریخی قرارگیرد ، که بیدایش تغییرات شدید در پیشرفت کشور مطرح ساخته بود . ولی در دوران پس از جنگ نتایج منفی شدید تضییق و فشار در وان ملک کارتیسیم در سالهای پنجاه ازیکسو ، و مشی رویزیونیستی براورد و گیش از سوی دیگر به تقلیل شدید تعداد اعضای حزب و نفوذ آن منجر شد ، و میان نسلها اختلاف و شکاف بوجود آمد . زمان طولانی لازم بود تا بتوان برای مشکل فائق آمد . فقط در اواخر سالهای ۶۰ تحت رهبری گس. هال و هنری وینستون ^{مت} سلامتی سیاسی حزب بطور عمده احیاء گردید .

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا بر پایه تجزیه و تحلیل جدی و دقیق وضع تازه ای که در آغاز سالهای ۸۰ پدید آمد ، تصمیم گرفت در زمین کنفرانس فوق العاده را تشکیل دهد . اگر به زبان استعاره بگوئیم ، وضع اینطور بنظر میآید که اکثریت خلق ما ، در روادی بی حاصلی گیر افتاده که با کوههای اسلحه محصور است و این کوهها آنها را از تمام آنچه با کار خود شان ایجاد گردیده جدا میکنند . بدین معنی که نهمیلیارد ها پولی که بشکل سود انحصار ها رویهم انباشته شده از آن مردم استونه اعتماد سیاسی و اقتصادی . آنچه که در جریان پیکارهای سالهای سی بدست آمده اکنون بخطر افتاده است : تهرریگان برد ستاورد های اجتماعی سایه افکنده است . ولی در شرایط کنونی میتوان چیز دیگری رانیز دید . جنبش مقاومت توده ای تمام کشور را ، از ساحل آتلانتیک تا ساحل دریای آرام ، از مرزی بمرز دیگر فرا گرفته است . نسیم سروتاژه مبارزه در اتحادیه ها میوزد و آنها را از خواب غفلت همکاری طبقاتی بیدار میسازد .

وضع داخلی در سیمای ایالات متحده امریکا در جهان خارج هم تأثیر میکند . ایالات متحده از اوج اعتلای خود گذشته و " عصر طلائی " را پشت سر گذارده است .

در پایان سالهای هفتاد سهم ایالات متحده امریکا در تولید سرمایه داری جهانی تا ۳۷٫۳ درصد در مقایسه با سال ۱۹۵۰ که ۴۸٫۷ درصد بود کاهش یافت و در صادرات بمرتیب از ۱۸٫۱ درصد تا ۱۱ درصد تنزل کرد . در آغاز دهه نوبین ایالات متحده امریکایی برد که از لحاظ میزان کل محصول سرانه ملی بین کشورهای سرمایه داری دیگر نه در مقام اول ، بلکه در مقام هفتم و از لحاظ سطح زندگی در مقام نهم قرار دارد . در طول مدت تقریباً صد سال این کشور در صدر فهرست تولید کنندگان عمده پولاد ، اتومبیل و دستگاههای مختلف صنعتی قرار داشت . ولی

اکنون به ترتیب مقام های سوم ، دوم و سوم را دارا میباشد .

در تمام اینها قانون پیشرفت ناموزون سرمایه داری خود را نشان میدهد . عطف توجه در عرصه اقتصاد و بودجه و اعتبارات از بخش غیر نظامی به بخش نظامی در اینجا نقش مهمی ایفا میکند . در ستگاه اداری ریگان که مصرانه از بد چیرفتن واقعیات امتناع میورزد بمناسبت پیروزی های سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی از آئینده طبقه خود هراس دارد ، میکوشد بوسیله سرمایه گذاری های تازه در صنایع نظامی ، موضعی را که امپریالیسم ایالات متحده امریکا از دست داده بازگرداند . سیاست در ستگاه اداری جمهوریخواهان نطفه شکست را در وطن خود دارد . این سیاست که با خوش بینی ، سالم سازی حیات اقتصادی را نوید میدهد ، در حقیقت پایه های ساختار اقتصادی را بیشتر از پیش سست میکند . تمام اینها در وضع بین المللی کشور تأثیر میکند و پدید های ناشی از بحران را تشدید مینماید .

ایالات متحده امریکا به نقطه چرخش مهم نوینی که نیازمند دگرگونیهای بنیادی است ، نزدیک میگردد . توده های انبوه دیگر حرکت درآمده اند . تشکیل کنفرانس فوق العاده کمونیستها هم از همینجا ناشی میشود .

هزارنماینده از کلوبهای کارگاهها و کلوبهای محلی از تمام مناطق کشور (۱) در آرخرماه آوریل در میلواکی واقع در ایالت ویس کنسین مجتمع گردیدند . کنفرانس را رفیق هنری وینستون صدرطیسی حزب افتتاح کرد . پس از ابراز تمهینت توسط سه جوان رهبر سازمان حزبی ویس کنسین ، گس هال دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده امریکا به ایراد گزارش پرداخت .

گس هال گفت : " اقتصاد ایالات متحده امریکا وارد مرحله کاهش و رکود شده ، که در آن دوره های رونق و اعتلا وجود ندارد . هم شاخص های کیفی ، هم شاخص های کمی مرتباً به سطح نازلتری تنزل میکنند " . او وضع اقتصادی کنونی کشور را تجزیه و تحلیل کرد و تأیید نمود که : " مسائل اقتصادی در آئینده نیز مسائل کلیدی باقی خواهند ماند و تمام پیکارها به این بیان طریق در حول و حوش این مسائل در خواهد زد " (۲) .

این وضع غیرعادی تأثیرات ژرفی در مناسبات طبقاتی و پیکار طبقاتی دارد و سبب میشود که طبقه کارگر بصرفه مقدم آن در خط مقدم مبارزه بگام نهد . این امر بنوبه خود کمونیستها را مجبور میکند که توجه خود را بیشتر از پیش به عرصه صنایع معطوف نمایند (۳) . در کنفرانس خاطر نشان شد که حزب

۱ - کلوب ها به سازمانهای اولیه حزب کمونیست ایالات متحده امریکا اطلاق میشود .

2 - Keynote Report to the Second Extraordinary Conference of the Communist Party, USA. By Gus Hall, General Secretary, Milwaukee Wisconsin. April 23-25, 1982 (Keynote Report...), PP II-3, 8.

۳ - سیاست " تمرکز توجه روی صنایع " که از سنن فعالیت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده بقیه در صفحه بعد

باید فعالیت خود را چنان مورد تجدید نظر قرار دهد و آنرا طوری ترتیب و تنظیم نماید که فعالیت در رشته صنایع به مرکزیت کار آن بدل گردد . در ضمن باید اینکار را به شکل و شیوه نوی انجام دهد و از نظر برخورد قدیم و آشکال یکخواخت خودداری کند . گس هال گفت : " سیاست تمرکز توجه روی صنایع باید بانیازمند بهای وضع اقتصادی منوط بقت کند و به طبقه کارگر برای ایفای نقش خود یعنی نقشی که حالا دیگر میزان قابل توجهی دارد بعمد همیگرد کمک کند " (۱) .

در گزارش وضع بین المللی ، کار و فعالیت دستگاه دولتی ریگان و همچنین جنبش های دموکراتیک و طبقاتی عمیقاً بطور همه جانبه و مشروح تعریف و تشریح گردید ، اهمیت مبارزه بخاطر صلح مورد تأکید قرار گرفت و مقام حزب کمونیست در این مبارزه نشان داده شد . سخنران گفت : " جنبش در راه صلح بمعنی واقعی کلمه در همه جا گسترش مییابد - ۱۲ ژوئن در ارتباط با دو مین اجلاسیه ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مخصوص مسائل خلع سلاح ، ما شاهد تظاهرات اکثریت عظیم مردم صلح دوست ایالات متحده خواهیم بود " (۲) .

جنبش عظیم خواستاران نابودی یا متوقف ساختن تسلیحات هسته ای ، اقدامات اعتراض آمیز علیه سیاست خارجی ریگان ، از آن جمله علیه مداخله در السالوادور - همه یکجا به جنبش خلقی متحد همگانی گسترده ای مبدل شده ، که در سالهای اخیر خصلت تعرضی بخود گرفته است . حتی شخص ریگان هم مجبور شده است با توجه به اکثریتی که برای صلح مبارزه میکند ، عمل کند . این جنبش توده ای در آینده هم مانع عمده ای در راه سیاست جنگ و تجاوز کاری ایالات متحده آمریکا خواهد بود .

در کنفرانس قید گردید که بدون تردید اعلامیه های دستگاه دولتی جمهور ریخواهان دایسر بر اینکه گویا واشنگتن طرفدار خلع سلاح هسته ای است (ولی پس از آنکه ایالات متحده برنامه تسلیحاتی خود را کاملاً تحقق بخشیده باشد) یک گذشت اجباری در مقابل مردم و کنگره است .

بقیه زیر نویس از صفحه پیش

آمریکا است در جهت سازماندهی کار حزبی میان کارگران رشته های کلیدی صنایع سنگین یعنی صنایع پولاد ، صنایع اتمی و سازی ، صنایع ذغال سنگ ، الکترونیک و غیره مییابد .

1 - Keynote Report... , p. II-8.

۲ - Keynote Report , p. 7-7. ، ۱۲ ژوئن سال ۱۹۸۲ ، بیش از یک میلیون نفر در صف

تظاهرات کنندگان در بزرگترین تظاهرات ضد جنگ در تاریخ ایالات متحده آمریکا شرکت کردند ، آنها در کوچه های نیویورک و از مقر سازمان ملل متحد تا پارک مرکزی نیویورک راه پیمایی کردند . علاوه بر این تقریباً دو صدمت هزار نفر در تظاهرات شهرهای لوس آنجلس ، سانفرانسیسکو ، دنور و سایر شهرها اشتراک ورزیدند .

د ولت مجبور بود . بود حد اقل د ربارمه متوقف ساختن تسلیحات هسته ای و مذاکره د رباره کاهش تسلیحات چیز ی بگوید . خواسته های مکرر مربوط به کاهش بودجه نظامی نیز در میان مردم و اعضای کنگره تشدید میگردد .

گس هال هنگام تشریح مسئله مقابلۀ روزافزون طبقه کارگران د ولت خاطر نشان ساخت :

" طبقه کارگر که فعلاً د رحالت دفاعی قرار دارد بمقاومت خود میافزاید و این نیز زمینه را برای گذار به تعرض و حمله د ر مبارزه طبقاتی آماده میسازد . ما باید همیشه د ر نظر داشته باشیم که ضربه های محکم پیچوجه با آئین نبود تدافعی تضادی ندارد " (۱) .

د ر اوضاع و احوال کنونی این امر که حمله متقابل طبقه کارگران دفاع و حفظ و نگهداری د ستاورد های حاصل شده ، آغاز میگردد د قانونندانه است . خود شرایط عینی و همچنین ضرورت مقاومت د ر آخرین تحلیل طبقه کارگران به اتخاذ حالت تعرضی و اداری میسازد . بدین مناسبت تدابیر برخی از مراکز سند یکنای د ر تجدید سازمان و د گساز ی فعالیت های خود بمنظور افزایش نفوذ خویش امید بخش است . ایجاد گروههایی از فعالین سند یکاها باید فمعدین د ر عرصه های سیاسی ، قضایی سازمانی و آموزش و پرورش پیش بینی شده است . چنین تجدید سازمانی میتواند به طبقه کارگر کمک کند تا از دفاع به مبارزه تعرضی بپردازد ، نمیتوان فقط د ر یک کارگاه ، د ر یک شهر و یا حتی د ر یکی از رشته های صنایع به تعرض پرداخت . برای احراز موفقیت باید پشتیبانی مؤثر جامعه و سند یکاها را بطور یکپارچه بدست آورد .

چند جانبه بودن این پروسه نوسازی بسیار مهم است . تعرض د ر عرصه اقتصاد ی بدو

پشتیبانی سیاسی غیر قابل تصور است . باید وضعی را که مرتباً د رحال تغییر است د ر نظر گرفت .

د رجریان کنفرانس گفته شد ، شرایط نوین الزام میکند ، که گروه های فعالین سند یکاها د ر تماس

بسیار نزد یک با طبقه کارگر مبارز عمل کنند و میان کارگران کمتر مابعد نیروی اپوزیسیون خود را نشان دهند .

به بیان دیگر ، هر جا که امکان دارد اعضای ساده بایستی د رون جریان اساسی اکثریت عمل کنند

و کمتر مابعد اقلیتی فعالیت نمایند که علیه گروه های صاحب امتیاز زور هبران سند یکاها میباشند . چنین

برخوردی به نسبت تشدید مقاومت و بایستدیش تغییراتی د ر طرز تفکر و احوال و روحیه زحمتکشان

هم ممکن میگردد و هم ضرور . این نیز مهم است که مقاومت و واکنش بلا واسطه د ر سطح کارگاه ها و شعبات

مختلف سازمان داده شود . کوتاه سخن د ر کنفرانس ، قید گردید : باید چنان کار کرد که پایه و اساسی

برای وحدت زحمتکشان ایجاد گردد ، آگاهی طبقاتی آنها ارتقا داده شود و اعتماد به نفس آنها

تقویت گردد .

گس‌ها را با توجه بمسائل وحدت طبقه‌کارگرچند ملیتی گفت: "در عصر زوال و انحطاط ، تنفر آورتربین ، بیرحمانه‌ترین و جنایتکارانه‌ترین خصوصیات سرمایه داری در مجموع باحدت هرچه بیشتری نمایان میگردد . نژاد پرستی سخت ریشه دوانده و همه جا سرایت کرده و پدید آمده ای ثابت و گسترده در سیستم سرمایه داری ایالات متحده آمریکا گردیده و در اقتصاد ، سیستم آموزش و پرورش ارگانهای دولتی ، ایدئولوژی ، سیاست و فرهنگ آنها اشاعه یافته است" (۱) .

در شرایط بحران کنونی ، هر تعرض شرکت‌ها ، هر گذشت لیدرهای سندیکاها یا خائنین به طبقه خود ، هر محدودیت حقوق دموکراتیک و مدنی ، حقوق اتحادیه‌ها ، حقوق بشری و هر نوع اقدامی که به تقلیل سطح زندگی توده‌ها انجامد نژاد پرستی را تقویت و تعمیق میکند . آمارها ماه به ماه تصویر تیره‌ای از درد و آلام تشدید یافته انسان‌ها بدست میدهند . در مارس ۱۹۸۲ درصد بیکاری میان سیاه پوستان ساکن آمریکا بحد اعلاى فاجعاً میزد . ۴۰ درصد رسید ، این رقم بین جوانان سیاه پوست بطور متوسط در سراسر کشور تا میزان غیر قابل تصور ۶۰ درصد بالا رفت .

در کنفرانس خاطر نشان شد ، که مقابله با مشی اقتصاد ی ریگان در صورتیکه با مبارزه در راه خواستهای ویژه و تدابیر مخصوص که علیه نژاد پرستی است ، توأم نباشد نمیتواند به پیروزی انجامد . آن جنبش طبقه‌کارگر که نسبت به نژاد پرستی و عملیات نژاد گرایانه و ظلم‌وستم ملی موضع اصولی و مشخصی نداشته باشد قادر نخواهد بود دست بمقابله متحد و نیرومندی بزند . بدون تشدید اقدامات علیه نژاد پرستی و در راه عدالت اجتماعی و برابری ، گذار واقعی هدفمند به مبارزات تعرضی غیر ممکن است .

به نسبت تشدید جنبش مقاومت و واحد ترشدن مبارزه طبقاتی وحدت ضروری ترو اهمیت آن برای میلیونها و میلیونها مزد م آشکارتر میگردد . در کنفرانس تأیید شد که بنابراین بیکارعلیه نژاد پرستی و ظلم‌وستم ملی در واقع در این زمینه تازه باید مورد توجه قرارگیرد .

گرم‌ها را بدرتراگرقتن تجار بمقاومت علیه تعرض دولت و انحصارها ، مردم را به ایجاد یک جنبه تمام خلقی علیه مشی اقتصاد ی ریگان و سیاست‌سیلیتاریستی ایالات متحده آمریکا دعوت کرد . او برنامه ای برای ایجاد یک جنبش مستقل طبقاتی ضد انحصاری بر مبنای تظاهرات و اقدامات ضد ریگان توده‌ها که در آستانه انتخابات سال ۱۹۸۲ کنگره انتظار میرود پیشنهاد کرد . در ارتباط با این مسئله به تشریح نقش‌کنندگان دیمونست‌ها در انتخابات توجه خاصی مبذول گردید .

بحث و مذاکره درباره گزارش اصلی در یک سلسله از کمیسیون‌های ویژه موضوع‌های مختلف صورت گرفت . از جمله کمیسیون‌های سندیکاها در بیکارعلیه تعرض ریگان و شرکت‌ها ، سازماندهی

اقدامات بیکاران ، مقاومت در نقاط و نواحی مختلف ، مشی اقتصادی ریگان و مبارزه در راه صلح ، سازماندهی مبارزات انتخاباتی علیه ریگان ، تدارک عملیات مشترک در راه برابر حقوقی سیاهپوستان آمریکا ، علیه نژاد پرستی ریگانی و علیه ظلم و ستم ملی و کمسیون ساختمان حزب و فعالیت ———
مطبوعات کمونیستی بعنوان سهم مهمی در عقب زدن تعرض ارتجاع .

گروه دیگری از کمسیون‌های مربوطه به بررسی برخی از مسائل ویژه پرداختند که مقاومت در برابر تگر اقتصادی ، شهروندان سالخورده در بیکاری برای شرایط زندگی عادی ، کمک در تشکیل جمعیت مبارزه برای آزادی کارگران جوان و جبهه جوانان ، مبارزه فررها (مزرعه داران) و جمعیت های روستائی ، مسائل ویژه زنان در چهارچوب اقدامات گسترده مقاومت اقتصادی از جمله آنهاست .

بحث و مذاکره ای که نمایندگان حوزه‌ها در آن شرکت کردند ، اشتراک گسترده کمونیست‌ها در بیکاری اقتصادی ، دموکراتیک و ضد نژاد پرستی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان و در جنبش صلح رانشاداد . گسرها گفت : " حوزه‌ها در تمام طول ۶۳ سال تاریخ حزب سهم بیمانندی در تهیه و تدوین گزارش اصلی و خود کنفرانس را کرده اند " . نمایندگان پشتیبانی قاطع خود را از رهبری حزب و مشی آن که کارمیان توده‌ها است نشان دادند . کنفرانس طرح اساسنامه ای برای حوزه‌ها پیشنهاد کرد و نقش مهم ویژه آنها را در جمعیت‌ها و محل‌های کار خاطر نشان نمود و همچنین بطور دقیق جای آنها را در ساختار درون حزبی معین کرد و این امر بدون شك به اعتلای شدید فعالیت های حزبی کمک خواهد کرد . حالا هدف های حوزه‌ها بطور دقیق معین شده است : آنها میدانند که چه کاری را باید انجام داد و حالا دیگر در می‌کنند که کار را چگونه انجام دهند . اهمیت تاریخی کنفرانس ، که نقطه عطفی در پیشرفت و تکامل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا گردیده در همین است .

نمایندگان با تفاق آراء گزارش گسرها را تایید کردند و با تفاق فعالیت پر دامنه تازه در جهت سازماندهی تشکیلات حزبی و مطبوعات کمونیستی رأی دادند . کنفرانس اصول یک منشور نویسن حقوق اقتصادی را تدوین کرد ، که بعد از یک میتینگ همگانی به تصویب رسید . این اصول شامل خواستی از کنگره ایالات متحده آمریکا است و این برای این که بر پایه قانونی برنامه جامعی برای بهبود وضع اقتصادی تنظیم نماید . از جمله صحبت بر سر این خواسته‌هاست : بیمه درقبال بیکاری برای کسانی که هنوز اولین دستمزد خود را نگرفته اند ، تهیه طرح هائی بمقیاس سراسر کشور برای ساختمان های اجتماعی تا برای ۱۰ میلیون نفر محل کار ایجاد گردد ، برنامه ای درباره اتخاذ تدابیر ویژه علیه نژاد پرستی و درباره گام‌هایی که در جهت برابری واقعی اجتماعی باید برداشته شود .

این واقعیت است که در کنفرانس هزارنماینده از سازمانهای اولیه شرکت داشتند گواه سلامت و وحدت حزب است که رهبران بسیار خوب جوان برای حوزه‌ها و کادرهای برای قسمت‌های میانۀ سازمان در اختیار دارد. آنها این آرزو را در قلب خود می‌پروراندند که یک حزب خود را ای‌جا بکنند که قادر باشد طبقه کارگر و اقلیت‌های ستمدیده را به پیکار در راه صلح، برابری و پیشرفت دموکراتیک بسوی آینده‌ای بهتر هدایت کند.

بقیه از صفحه ۱۷

حزب کمونیست اتحاد شوروی بد ورا زانند بيشه پيشتهاد كپيه كردن نمونه های شوروی به سایر خلقها و بدوین در نظر گرفتن شرایط مشخص تاریخی و شرایط زمان و مکان است. هر خلق و هر کشوری حق دارد از تجربه ما چیزی را برگیرد که آنرا برای خود لازم و مفید بشمارد آورد. راهی که کشور شوروی از اکثر کبیر این طرف طی کرده، دست آورد های تاریخی آن و جامعه سوسیالیسم پیشرفته‌ای که در کشور ما ساخته شده بی قابل اطمینانی برای تحکیم دوستی خلقها و برای استفاده از قدرت سازنده آن بصود ساختمان کمونیسم است. اتحاد جماهیر شوروی در این راه نیز افق‌های تازه‌ای در برابر تمام جامعه بشری میگشاید.

خلق بزانو در نیامده ، مبارزه ادامه دارد

نعیم اشهب

عضو بیرونی سیاسی کمیته مرکزی
حزب کمونیست فلسطین

هدف‌های اساسی تجاوز آمریکا - اسرائیل در لبنان که آشکارا جلوی چشم تمام مردم جهان تدارک می‌شد ، بخوبی معلوم است . درباره آن در مجله ماهم نوشته شد (۱) . بهمین سبب ما به بررسی شرایط و اوضاعی می‌پردازیم که با آغاز این اقدام جنایتکارانه همراه بود .

بطوریکه می‌دانیم این تجاوزیلا فاصله پس از تظاهرات اهالی سرزمین‌های اشغالی فلسطین (که از لحاظ دامنه و شدت خود بی نظیر بود) علیه تلاش‌های کبعل می‌آمد تا " دستگاه اداری غیر نظامی " کدائی را بداند تا تحمل نماید صورت گرفت . این اقدام را دولت اسرائیل بمنزله گامی بسوی ضمیمه ساختن نهائی سرزمین‌های بشمار می‌آورد که از سال ۱۹۶۷ اشغال کرده است .

ولی مبارزه ساکنان ساحل غربی رود اردن و نوار غزه به تمام جهانیان نشان داد که اقدامات اسرائیل از طرف فلسطینی‌ها با مقاومت روبرو می‌شود و آنها در سعی و کوشش خویش برای تحقق خواسته‌های ملی قانونی خود یعنی ناچار ساختن اشغالگران به خروج از سرزمین‌های اشغالی ، تشکیل دولت مستقل خود ، تحقق حقوق آوارگان فلسطین برای بازگشت به خانه و کاشانه آنها و اجدادی خویش طبق قرارهای سازمان ملل متحد ، متفق القولند . در جریان این تظاهرات ، توده‌های مردم بار دیگر اتحاد خود را گرد سازمان آزاد بیختر فلسطین بمنزله یگانه نماینده خلق فلسطین تأیید کردند . اما اشغالگران باردیگر قسما و د هشتتانی از خود نشان داد و مرتکب جنایتهای خونباری شدند . این امر خشم و انزجار مردم جهان را برانگیخت ، انزوای بین‌المللی گردانندگان اسرائیل را تشدید نمود و بهمان نسبت به درک عادلانه و قانونی بودن مبارزه بهمین پرستانه فلسطینی‌ها در جهان کمک کرد . به ارج و اعتبار سازمان آزاد بیختر فلسطین بطور بی‌سابقه ای افزوده شد .

۱ - رجوع کنید به مقاله ر. سمپون . مجله " مسائل بین‌المللی " شماره ۴ ، ۱۳۶۱ .

ولی در خاور نزدیک عوامل مهم دیگری هم وجود داشته که رویهمرفته برای آغاز تجاوز جو مساعدی فراهم میساخت و بدون تردید مورد توجه کسانی قرار میگرفت که حمله را طرح ریزی میکردند و زمان آنها معین مینمودند. عمدهترین این عوامل بشرح زیر است :

۱ - پروسه " عادی شدن " مناسبات میان مصر و اسرائیل بپایان رسید و در چهارچوب آن " نیروهای چند ملیتی " در سینا مستقر شدند و این امر بزرگترین کشور عربی را در مناسبات تناسب نیروهای نظامی از طرف مبتکرین تجاوز و بطور کلی از گردونه خارج ساخت .

۲ - جنگ ایران و عراق پس از دو سال نبرد های فرسایشی هر دو کشور رو در رجه اول نیروهای نظامی آنها را ضعیف و ناتوان ساخت و به جنبش مقاومت فلسطین و سوریه و نیروهای ملی و میهن پرست لبنان اجازه نمیداد منابع مادی و انسانی عراق و ایران را بمنزله ذخیره استراتژیک بحساب آورند . بناگفته ر . ایاتان رئیس ستاد کل ارتش اسرائیل در گزیری مسلحانه در منطقه خلیج فارس شرایط عالی برای تحقق نقشه های حمله به لبنان فراهم ساخت .

۳ - حضور نظامی ایالات متحده امریکا و ناتو در خلیج فارس و دریای مدیترانه افزایش می یافت ارتش های خارجی در چهارچوب تحقق زد و بند کمپ - د وید در اراضی مصر مستقر میشدند و نیروهای امریکائی " واکنش سریع " در منطقه ما مانورهای جنگی انجام میدادند .

۴ - مساعی فراوانی برای سرهمبندی کردن بلوک نظامی کشورهای منطقه خلیج فارس تحت حمایت عربستان سعودی بعمل آمد و این اقدام بایرنامه های واشنگتن در مورد " توافق نظر همگانی استراتژیک " کذافی که هدفش متحد ساختن رژیم های ارتجاعی منطقه و از جمله شرکت کنندگان در زد و بند کمپ - د وید بر پایه آنتی سوویتسم بود توافق داشت .

در ردیف این عوامل اساسی که به تحقق نقشه های اشغالگران تل - اویو مساعدت کرد عوامل درجه دوم هم بود که مورد توجه تجاوزکار قرار گرفت . اختلاف در مورد مسائل درجه دوم و مسائل روز بین نیروهای عربی که در موضع مبارزه با امپریالیسم - صهیونیسم زد و بند های کمپ - د وید قرار دارند و عدم تکفوی نفوذ و تأثیر جبهه پایدار و واکنش از آنجمله است . عامل اخیر در واقع هنگامی بشکل بویژه برجسته ای خود را نمایان ساخت که جبهه میابست بمنزله پیشگام یکپارچهای عمل کند تا دنیای عرب را وارد اربخه اتخاذ موضعی بنماید که حداقل مینیمم آنچه را که برای مقابله با اشغالگران ضروری است تأمین کند .

تجاوز اسرائیل اقدامی فقط بمقیاس منطقه نیست . این تجاوز در عین حال حلقه ای در پروسه تشدید و خامت اوضاع بمقیاس بین المللی است که دولت ریگان یعنی ارتجاعی ترین و تجاوزکارترین دستگاه دولتی ایالات متحده امریکا در دوران اخیر آنها آغاز کرده است . در خاور نزدیک هم

اکنون شعله‌های حریق جنگ زمانه می‌کشد و این پدید منطقی‌ما را به خطرناکترین کانون تهدید صلح جهانی میدل می‌سازد .

در جریان حمله به لبنان سطح کیفی تازه ای از هم‌آهنگی عمل میان واشنگتن و تل‌آویو و پروشنی بروز کرد و آن جامعه فعل پوشاندن به قرارداد مربوط به " همکاری استراتژیک " منعقد شده بین آنها در پائیز سال ۱۹۸۱ بود . جلادان اسرائیلی که در سرزمین لبنان دست اندر کار نابودی جسمی مرد بود ندست کمک واشنگتن را بطور مداوم پشت سر خود احساس می‌کردند ، آنکه کمره حفیظ تجاوزکاران بست ، کسریگری غیرازره ، ریگان رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا نبود . اود رواقع با این دروغ وحشت زای تل‌آویو که تهاجم ارتش اسرائیل گویا " جنبه تدافعی " داشته همبستگی نشان میداد ، بنا بگفته ارباب کاخ سفید سلاحهای امریکائی که مورد استفاده تجاوزکاران قرار گرفت یعنی بمب‌ها ، موشک‌ها و گلوله‌های توپین هم‌کهر سر مردم بید فاع بیروت ریخته میشد " دفای " بوده است .

اقدامات واشنگتن به واگذاری مدرن‌ترین انواع سلاحهای هلاکتیاب و از جمله سلاحهای که طبق قرارداد های بین‌المللی قدغن شده است ، مانند بمب‌های کاسیتی ، خوشه‌ای و فمفری ، محدود نمیشد (۱) . ایالات متحده آمریکا برای اشغالگران مصونیت دیپلماتیک نیز ایجاد میکرد و قرارهای شورای امنیت سازمان ملل متحد بظن ورمهارکردن تجاوزرا هم بی‌اثر می‌ساخت . رفتار هیئت نمایندگان امریکائیه ایستروکسیون آشکار داشت و چنان‌بمبارزه طلبیدن سازمان بین‌المللی بود که از لحاظ بی‌شخصی و وقاحت نظیرنداشت و نفوذ و اعتبار آن سازمان را متزلزل میکرد .

سناریوی چنین همکاری قبلاً تهیه شده و مورد موافقت قرار گرفته بود . بلافاصله پس از آغاز

۱ - از لحظه ایجاد کشور اسرائیل ایالات متحده آمریکا کمکی بمیزان ۱۴۹ میلیارد دلار بدان اختصاص داده است و ۸۵ درصد هواپیماهای نیروی هوایی تل‌آویو امریکائی است . ارتش اسرائیل ۱۴۶۰ تانک " M-۶۰ " و " M-۴۸ " و چهار هزار نفر برزهی در اختیار دارد که از امریکا خریداری شده است . نود درصد توپخانه و در رجسته اول توپهای ۱۷۵ میلی متری و خمپاره اندازهای ۱۵۵ و ۲۰۳ میلیمتری که گلوله‌های کاسیتی را با آنها شلیک میکنند نیز از خزانه پنتاگون است . هنگامیکه این مقاله نوشته میشد ۲۰ هواپیمای " F-۱۵ " ۸۰۰ زرهپوش ، ۱۴۰۰ ایستگاه پرتاب موشک و دیگر وسائل تکنیکی جنگی به مبلغ ۱۰۰ میلیارد دلار به اسرائیل فرستاده شد و با قرار بود فرستاده شود .

عملیات مسلحانه اسرائیل و اشنگن در اقداماتی که برای "استتار" بعمل می‌آمد شرکت جست . گفته میشود که هجوم خاک‌لبنان گویا فقط هدفهای محدودی را تعقیب میکند که در قاع نقاط مسکونی مرزی اسرائیل از آتش توپخانه و مین اندازهای مبارزان فلسطینی خلاصه میشود . هدف از این دروغ خنثی و بیطرف کردن برخی از محافل سیاسی متردد در کشورهای عربی بود .

اما وقتی نیروهای مسلح اسرائیل از مرزی که گویا بعنوان آخرین حد نفوذ آنها به محق سرزمین های لبنان تعیین شد بود گذشتند ، و اشنگن حرف خود را عوض کرد و به پشتیبانی کامل از دعاوی سیاسی اسرائیل پرداخت و برای برآورده شدن آنها بنزله پاداشی که در ازای جلوگیری از پیشرفت ارتش باید داده شود اصرار میورزید . این جریان عملاً به خواست خروج تمام نیروهای بیگانه از لبنان منجر گردید . بدین ترتیب حمله راهزنانه ارتش اسرائیل با حضور مبارزان جنبش مقاومت فلسطین و واحد های سوریه در ترکیب حمله راهزنانه ارتش اسرائیل با حضور مبارزان جنبش بدخواست دولت قانوش لبنان و طبق قرار کنفرانس عالی سران عرب وارد لبنان شده بود (که بنا یکسان قلمداد میشود .

بالاخره پس از آنکه نیروهای اسرائیل محاصرۀ بیروت غربی را با تمام رساندن کوشش برای دست یافتن به خروج واحد های فلسطینی از شهر محاصره شده در مرکز مساعی مأمور ویژه ریگان یعنی فیلیپ حبیب قرار گرفت و او همان کمی است که کردار و گفتارش در عرصه سیاسی بطور منظم با مبارزان های ویرانگر اسرائیل و آتش توپخانه تقویت میشود . ولی در این مرحله گسترش دامنه جاساوز دیگر روشن شد که " قرتی های " صهیونیست آنقدرها برای د ورساختن مبارزان فلسطینی از بیروت و لبنان کوشش نمیکنند که برای انهدام فیزیکی جنبش مقاومت فلسطین و مقدر همه نابود ساختن رهبری سازمان آزاد بیختر فلسطین . این مقاصد وحشیانه در حمام خونی که لا شخوران اسرائیلی برای ساکنان بخش غربی پایتخت لبنان بوجود آوردند و پیشنهاد عمدی شرایط غیر قابل قبول برای خروج واحد های فلسطین از بیروت بازتاب یافت .

قتل و کشتار لجام گسیخته مردم بوسیله نظامیان اسرائیل با سکوت رضایت آمیز و اشنگن روبرو شد . ولی تحت فشار خشم و انزجار مردم جهان ، در نتیجه هشداریش های قاطع دولت شوروی و در برابر مقاومت استوار افغان قهرمان بیروت کاخ سفید ناچار شد به انزور دست بزند . ره ریگان حتی از رفتار لجام گسیخته بی حد و مرز شریک اسرائیلی اظهار " نارضائی " کرد ولی م . آرنس ، سفیر تل اوید و اشنگن شتابزده اینطور توضیح داد که این نارضائی " در عین وجود نزد یکترین همکاری استراتژیک " میباشد . حتی مطبوعات امریکاهم در صداقت گله گذاری رئیس جمهوری خود اظهار شک و تردید میکرد کهنه چندان بی پایه و دلیل می برسید : " ممکن است واقعاً هم او نمیخواهد

در مسئولیت این عمل زشت شرکت داشته باشد، ولی آیا واقعاً و امایل به انجام آن نیست؟ (۱۱)
 همان روزنامه خاطر نشان میساخت که: "از جانب آمریکا که در انتظار ثمرات استراتژیک خیلی مهم
 تری از این عملیات است، ناپیگیری میبود اگر نسبت به تاکتیک اسرائیلی ها هر قدر هم که خشن باشد
 صبر و شکیبائی بخرج ندهد" (۲) .

اینک و اشنگن انتظار داشت این "ثمرات استراتژیک خیلی مهمتر" را حاصل نماید شگ و

تردید ی ایجاد نمیکند. مهمترین هدف آن سرکوب جنبش آزاد بیخشم ملی عربی و برقراری حاکمیت
 مطلق خود در منطقه و در درجه اول تحت کنترل در آوردن غنی ترین ذخایر منابع انرژی بود. وضع
 "حاکم فعال مایشاء" به ایالات متحده آمریکا امکان میداد رقبای متحد خود را از مواضعشان عقب
 بزنند و امکان وارد آوردن فشار اقتصاد و سیاسی بر آنها را افزایش دهد. چنین حمایهائی
 نمیتوانست اختلافات و اشنگن و شرکای آن در اروپای غربی و از جمله فرانسه را که بدون اینهم
 با اندازه کافی شدید است، افزایش ندهد. فرانسه با عاوی امپریالیست های آمریکا به داشتن
 هژمونی مطلق در منطقه خاور نزدیک موافق نیست، بویژه که فرانسوی ها عادات کرده اند لبنان را
 عرصه نفوذ سنتی خود بشمار آورند. پاریس نسبت به امکان یورش ارتش اسرائیل به بیروت اظهار
 نارضایتی کرد و پیشنهاد نمود که در نیروهای بین المللی بمنظور تأمین جداسازی طرفین درگیر
 شرکت کند. موج فزاینده اعتراضات محافل دموکراتیک کشورهای بیدادگری وحشیان اسرائیلی و
 جنبش گسترش یابنده به پشتیبانی از حقوق قانونی خلق عرب فلسطین نیز در موضع گیری دولت فرانسه
 مؤثر بود. کمونیست های فرانسه در این خانقار پیشگام را ایفاء کردند.

تمام ژرفای سقوط رژیم های راستگرای عربی که در برابر نیات و مقاصد امپریالیستی - صهیونیستی
 تسلیم شدند و تا درجه امتناع از هدف های ملی و میهن پرستانه تنزل کردند در زمینه "همکاری
 استراتژیک" شرکت کنندگان در آلیانس آمریکا - اسرائیل بازشتی ویژه ای نمایان شد. آنها حتی
 برای برداشتن کوچکترین گامی مانند تشریک مساعی بمنظور تشکیل فوری اجلاسیه سران کشورهای
 عربی تا موضع واحدی را آشکارا فرمول بندی کنند نیز تمایلی از خود نشان ندادند (اگرچه، باید قید
 نفاذیم که این قبیل اجلاسیه ها در گذشته اغلب فقط پردۀ استتاری بود تا مقابلۀ مؤثر با اشغالگران).
 امتناع شرم آور عربستان سعودی و سایر کشورهای خلیج فارس از استفاده از آن سلاح
 استراتژیک مؤثری که آنها در اختیار دارند یعنی نفت و ذخایر عظیم انرژی (بیش از ۲۰۰ میلیارد
 دلار) که در بانک های اروپای غربی و آمریکا به شکل سپرده موجود است در مبارزه علیه تجاوز خشم
 و انزجار مخصوصی در جهان برانگیخت. بکار بردن و یا حتی تهدید جدی استفاده از این سلاح

1 - " International Herald Tribune " August 9, 1982.

2 - " " " " " " 7-8, 1982.

واشنگتن را مجبور میکرد عمال خود در تل اوپورا افسار نماید . ولی رژیم‌های ارتجاعی عربی حتی حاضر به قطع مناسبات دیپلماتیک خود با ایالات متحده آمریکا به‌منشانه اعتراض علیه حمایت آشکار آمریکا از تجاوزکار هم نشدند . «مقایسه» خشم و غضب عالیجنابان «گردانندگان عربستان سعودی که چیزی نمانده بود تمام روابط خود را با بریتانیا ی کبیر فقط بخاطر نمایش فیلی در آنجا درباره زندگی مرگ شاهزاده خانم سعودی قطع کنند با تملق گوئی و چاپلوسی آنها در مقابل حامیان نابودی جمعی مردم لبنان و فلسطین چه مقایسه تلخ و مشمئزکننده ایست . در این میان اعتراض‌های بسی ضرر و لطمی رژیم خستی مبارک که حتی از " بحالت تعلیق " در آوردن مناسبات خود با دولت تروریست خون‌آشام بگین هم امتناع کرد چه ارزش میتواند داشته باشد ؟

با وجود اینها نه کمک‌های سخاوتمندانه نظامی ، مالی و دیپلماتیک از طرف آمریکا به متجاوز ، نه وحشیگری بیسابقه اشغالگران صهیونیست در سرزمین لبنان ، نه فقدان وحدت در صفوف کشور های عربی ، نه خیانت آشکار رژیم‌های ارتجاعی - هیچیک عزم و اراده لبنانی ها و فلسطینی ها به مقاومت را در هم نشکست . نقشه حمله برق‌آسائی که طرحان استراتژی تل اوپوتپیه کرده بودند عقیم ماند . افسانه قلبه ناپذیری ارتش اسرائیل نیست و ناپدید شد . در جریان این هجوم بهتر از هر وقت دیگری روشن شد که " نیروی " کذبی این ارتش مقدس هر چیزی در ضعف ارتش های منظمی بوده است که اسرائیلی ها در گذشتہ آنها سروکار داشته اند . تمام قدرت ماشین عظیم جنگی برلبنان فرود آمد . در نظار گرفته شده بود که بیش از صد هزار سرباز به پشتیبانی هزارها تانک و زیرپوشش مردن ترین هواپیما های ساخت آمریکا طی چند روز لبنان ، سوریه و جنبش مقاومت فلسطین را بزانود آوردند . آ . شارون ، وزیر دفاع اسرائیل بخود می‌بالید که ارتش او این وظیفه را در ظرف سه شبانه روز انجام خواهد داد .

ولی این بار تجاوزکاران با چاربان نیروهای خلقی مسلحی سروکار افتاد که میدانستند برای چه پیکار میکنند و برای نبرد بی امان آمادگی دارند . تلفات ارتش اسرائیل در لبنان از مجموعه تلفات آن در تمام عملیات جنگی گذشته بیشتر بود . مبارزان جنبش مقاومت فلسطین و نیروهای ملی میهن پرست لبنان در بیروت طی چند هفته در برابر هجوم لشکرهای زرهی و تانکهای اسرائیل که به تیراندازی و بمباران بدون وقفه ادامه میدادند مقاومت کردند . در این دوره بیروت از لحاظ معینی به پاریس بهنگام کمون سال ۱۸۷۱ شباهت داشت : بیروت هم در آن واحد در چند جبهه علیه نیروهای برتر اشغالگران اسرائیلی ، واحدهای فاشیست فالانژیست ها ، دستگاه دولتی حکومت رسمی لبنان که خاکسارانه تابع خواستهای اشغالگران گردیده بودند ، می‌جنگید . تصور نمیرود که فرماندهان نظامی اسرائیل بتوانند زمانی به " موفقیت هایی " که در لبنان بدست

آوردند افتخار کنند. بدون تردید درس تلخی که اشغالگران گرفتند در پیشرفت رویداد های منطقه در آیند مؤثر خواهد بود.

شرکت کنندگان در آلیانس امریکایی - اسرائیلی موفق نشدند به هدف های اساسی سیاسی هم که در نظر داشتند برسند. برغم تلفات سنگینی که خلق فلسطین و واحد های رزمند ه آن متحمل گردیدند، تجا و نتایجی بیار آورد که بنیات و مقاصد مبتکران آن در تضاد است. اعتراضات مردم جهان، اظهارات بسیاری از سران دولتها، فعالیت کمسیون بین المللی بررسی و تحقیق جنایات اسرائیل علیه خلق های لبنان و فلسطین و بالاخره بحث و مذاکره مسئله تجا و اسرائیل در شورای امنیت سازمان ملل متحد، اقدامات اجلاس فوق العاده و ویژه مجمع عمومی این سازمان در مورد مسئله فلسطین اهمیت فراوان داشت. آنها بطور قاطع نشان دادند که امر عادلانه فلسطینی ها هیچوقت با این چنین همدردی و تفاهمی در عرصه بین المللی روبرو نگردیده بود و ماهیت توسعه طلبانه سیاست اسرائیل و نقش آن بمنزله آلت و ابزار امپریالیسم در منطقه هیچگاه بدین شدت برملا نشده بود و خود اسرائیل و کسانی که درواشنگتن از آن حمایت میکردند هم هیچوقت تا این اندازه مغرور نشده بودند.

مقاومت قبرمانانه، پایداری میهن پرستان لبنان و فلسطین، تلفات و خسارات جانی و مالی که اشغالگران متحمل شدند همواره پیغمرفته نمیتوانست در احوال و روحیه مردم در خود اسرائیل هم تأثیر نکند. در آنجا هم مقیاس بسیار بقیه ای جنبش توده ای ضد جنگ بوجود آمد. از دیدگاه قشر فوقانی ارتجاعی صهیونیست در جامعه اسرائیل شکاف و جدائی خطرناکی پدید گردید. در کشور بهوجه و اعتبار نیروهای دموکراتیک و پیویژه حزب کمونیست اسرائیل افزود میشود. این حزب با خواستار شدن پایان بخشیدن به تجاوز، سیاست توسعه طلبی و زد و بند های یکجانبه و مطالبه شروع حل جامع و عادلانه معضل خاور نزدیک، یاد رنند، گرفتن منافع تمام خلق های منطقه و از جمله خلق فلسطین که سازمان آزاد بیخش فلسطین نماینده آن است، بار دیگر انترناسیونالیسم عمیق و میهن پرستی واقعی خود را نشان داد.

آلیانس امریکایی - اسرائیلی برای تحقق هدف های خویش در درجه اول به قدرت ماشین جنگی صهیونیستی متکی بود. در عین حال در تمام مراحل این اتحاد بد رجات مختلف به وسائل دیگری نیز مانند مانور های سیاسی، دروغ و تحریک متوسل میگردد. بطور مثال، اشغالگران اسرائیلی میکوشیدند در مناطقی که به اشغال خود در آورده بودند نسبت به فلسطینی ها ولبنانی ها بطور مختلف رفتار کنند، اولی ها را بیرحمانه تحت تضييق و فشار قرار میدادند ولی نسبت به دومی ها نسبتاً رفتاری کم و بیش ملایم و متواضعانه داشتند (البته، با استثنای کمونیست ها و سایر

نمایندگان نیروهای ملی و میهن پرست) . ارتجاع عربی بنویه خود میکوشید سوریه و اباتهام رو گردانند از زبرد باد شمن بی اعتبار سازد . حساب آنها اینطور بود که رژیم سوریه را تضعیف نموده و بمقیاس ملی و کلی عربی آثار مفرد کنند و مسئولیت امتناع از کمک کردن به قربانیان تجاوز را از عهد سران مرتجع عرب ساقط نمایند . تئز مربوط به " میهن دوم ممکن " برای فلسطینی ها که گویا باید اُردن باشد از نو عَلم شد . هدف از این مانور گمراه ساختن مردم جهان و در عین حال بکمک شانتاژ واداشتن گردانندگان اُردن به گام نهادن در راه کمپ - د وید و در آخرین تحلیل شریک شدن در نابودی حقوق خلق فلسطین بود . در ضمن راه برای انجام خیانت تازه ای علیه اهالی سرزمین های عربی که وسیله صهیونیست ها اشغال شده بود یعنی بیرون راندن بخش اعظم ساکنان آنها هموار میشد .

اسرائیل بشیوه های مختلف سعی میکرد نسبت به مؤثربودن کمک اتحاد شوروی به قربانیان تجاوز همشک و تردد بوجود آورد . از جمله بشدت این نظر را اشاعه میداد که گویا سلاحهایی که اتحاد شوروی در اختیار کسانیکو قرار داد که در مقابل اشغالگران ایستادگی میکنند از لحاظ تکنیکی ناقص و بی تأثیر است . بیکار بر سر بیروت که واحد های متحد جنبش مقاومت فلسطین و جنبش خلقی مترقی لبنان (که با این سلاحها مسلح بودند) در شرایط نابرابری عظیم نیروها انجام میدادند یکبار دیگر عکس این نظریه را ثابت کرد . در ضمن تجربه برای نگواهی میداد که علاوه بر اسلحه دانستن بکار بردن آن و مهمتر از همه عزم و علاقه به بیکار هم لازم است .

در ارتباط با جنبه سیاسی مسئله نمیتوان تأکید نکرد که اتحاد جماهیر شوروی بلاد رنگ و قاطعانه مخالفت خود را با تجاوز اسرائیل ابراز داشت و به قربانیان آن از لحاظ مادی و معنوی کمک کرد و پشتیبانی لازم را بعمل آورد . در لحظات بحرانی برای میهن پرستان فلسطینی و لبنانی ل . ای . برژنف رهبر کشور شوروی با پیام های صریح به پرزیدنت ریگان مراجعه کرد و ضرورت اتحاد و تدابیر خیلی فوری برای لگازدن به تجاوز کارویایان دادن به خونریزی را تأکید نمود . کشورشوراها بار دیگر صداقت و دوستی خود و عمق همبستگی با خلقهای فلسطین و لبنان و تمام خلقهای عرب را نشان داد . تلگراف ل . ای . برژنف به صدر کمیته اجرایی سازمان آزاد بخش فلسطین یا سرعرقا که طی آن خواهش کرد مراتب تحسین و شگفتی وی را از مردانگی و یاری مدافعان بیروت بدانها برساند بیانگر روشن این نکته بود . در تلگراف گفته شده است : " ما در اتحاد شوروی این را عمیقاً ارجح می نهمیم و در کمینیم که شما با چه درک عمیق مسئولیت و ایمان متزلزل ناپذیری به عادلان نمودن کار خود برای آن مبارزه میکنید که بیش از این در کوجه های بیروت خون ریخته نشود و حق خلق عرب فلسطین به زندگی و آزادی و پیشرفت مستقل تأمین گردد " (۱) .

دغلکارهای کثیف گوناگونی که تل او و وواشتگتن بدان متوسل شدند نتایج مورد انتظار را به بار نیاورد . ولی ساده لوحی میبود اگر فکر میکردیم که آن دغلکارها اثری بجا نگذاشته است .

کمونست ها و تمامیهن پرستان باید مساعی فراوانی بکاربرند تا که در عرضی راکه انباشته شده از میان بردارند و در ن هین میلیونها انسان غل و واقعی و هدهد فهای حمله اسرائیل بملینان را روشن سازند و نشان بدهند که چگونه به اشغالگران کمک کرد و کی از منافع قربانیان تجاوز دفاع نمود .

مقصد صهیونیست ها دایر بر اینکه بکمک وحشیگری در مناطق اشغالی و نابودی جمعیتی اهالی در لبنان به مبارزه خلق فلسطین پایان بخشند ، بد و ن تردید محکوم به شکست است . خلق ما طی تمام دوران تاریخ خود ، بویژه پس از سال ۱۹۴۸ بارها قربانی جنایات خونین امپریالیسم ، صهیونیسم و ارتجاع عربی گردیده است . ولی این خلق هر بار پس از التیام جراحات شکست نیرومندتر و آماده رزم بپا خاسته است . دشوارها و قربانی های پشت آنرا خم نکرده و نخواهد کرد .

ولی این بدان معنی نیست که میتوان نسبت به دسائس خونین خصم هشامی را از دست داد . هنوز شعله پیکار در سرزمین لبنان خاموش نشده است که لیدرهای اسرائیل شروع به بروز دادن این نیت خود کرده اند که در نظر دارند تلاش خویش را بمنظور تحمیل " دستگاه اداری کشوری " به اهالی سرزمین های اشغالی فلسطین از سرگیرند و این تلاشی است که یکبار در نتیجه اعتدالی پرتوان مقاومت خلق عظیم گذارده شد . در جریان جنگهای لبنان از تل او و و فراخوان به تجدید دیالوگ یا " عناصر معتدل " در ساحل غربی و در نوار غزه بگوش میرسید . سردمداران نیروهای اشغالگر در همکاری آنها ضامنی برای موفقیت خیمه شب بازی " دستگاه اداری کشوری " را می بینند .

در عین حال تضییق و فشار علیه نیروهای میهن پرست در سرزمین های اشغالی تشدید میگردد . اشغالگران اسرائیلی نُه نفر از شهرداران عرب راکه بعقیده آنها شدیدترین فعالیت ها را در چهار چوب مقاومت ملی علیه اشغالگران از خود نشان داده بودند اخراج کردند . تضییق و پیگرد علیه سازمانهای توده ای و در درجه اول علیه سندیکاها تشدید گردید و رهبران آنها را به پشت میله های زندان افکندند . حمله و هجوم سیمانه به روستاهای عرب نشین آغاز گردید و تمام ساکنان آنها بدون استثنا مورد ضرب و شتم قرار گرفتند . مبارزان مشهوری مانند داود الحطوفه از شخصیت های سندیکائی و کمونیست قربانی توطئه های دشمنان گردیده و بقتل رسیدند . دار و دسته های باصطلاح مجامع روستاها که بوسیله اسرائیل مسلح گردیده و از بین خائنین و اویش و رجاله ها گردآوری شده بودند با وقاحت هر چه بیشتر عمل میکردند . البته ، تمام اینها با تخیل و تکبر مناسبت " پیروزی های " اسلحه اسرائیل و اظهاراتی در باره مقدم توانائی نیروهای مقاومت برای ایستادگی در مقابل آنها همراه بود .

در باره این موضوع هم بسیار سخن میگویند که اشغالگران اسرائیلی خیال ندارند در آینه های نزدیک گور خود را از لیبان گم کنند . بشیر جمیل زیر لوله توپهای اشغالگران در پناه تانکها بعنوان رئیس جمهوری جدید کشور انتخاب شد . او از لیدرهایی بود که با صهیونیست های حزب راستگرای مسیحی کتائب آشکارا همکاری میکرد . خود م . بگین بدین مناسبت تلگراف تبریکی برای او فرستاد . محافل رسمی واشنگتن هم از انتخاب ب . جمیل اظهار رضایت کردند .

امکان تجاوز تازه ای علیه سوریه هم وجود دارد . ا . شارون وزیر اسرائیل هم که اظهار میداشت " در اوضاع کنونی دمشق کاملا در تیررس آتش توپخانه اسرائیل قرار دارد " (۱) لحنی تهدید آمیز داشت . بعقیده قشر بالائی صهیونیستی غوغا و هیاهوی نبرد هازمینه خوبی برای اعلام الحاق صوری ساحل غربی و نوار غزه است . در اینصورت ساکنان این سرزمین ها ، بمنظور واداشتن اکثریتشان (اگر نگوئیم همفانها) به ترك زاد و بوم خود در معرض بیرحمانه ترین ترورها قرار خواهند گرفت . بدست آوردن " اراضی فاقد سکنه " همواره آرمان صهیونیسم بوده است .

در چنین شرایطی حفظ سازمان آزاد بیخش فلسطین وارگانهای آن که در نظر مردم جهان تجسم موجودیت ملی مستقل خلق فلسطین است بی اندازه مهم است . تجاوزکاران اسرائیلی و حامیان امریکائی آنها اینطور حساس میکنند که پیرا خروج واحد های فلسطینی از لیبان درون سازمان آزاد بیخش فلسطین و جنبش مقاومت فلسطین انشعاب روی خواهد داد . بدین نیز دل بسته اند که استقرار فلسطینی ها در یک سلسله از کشورهای عربی ناگزیر به تشدید نفوذ این کشورها که اغلب در مسئله فلسطین دارای مواضع مختلفی هستند ، در سازمانهای گوناگون جنبش مقاومت منجر خواهد شد ؛ و این نیز نبویه خود به تعمیق تضاد میان آنها کمک خواهد کرد .

هم اکنون بعضی ها و از جمله حسنی مبارک این نقشه را در رسمیه پروراند که ابتکار سادات را در مورد ایجاد دولت فلسطین در تبعید که رسالت آن باید گرفتن جای سازمان آزاد بیخش فلسطین باشد ، بدست خود گیرند . به مبارزه ای شدید طی سالهای متعدد نیاز بود تا بتوان به شناسائی این سازمان در دنیای عرب و در عرضه بین المللی بعنوان یگانه نماینده قانونی خلق عرب فلسطین دست یافت . ولی حالا ایجاد " دولت در تبعید " همانند برخی دولت های " مشابه " عربی که اکثرشان خصلتی ارتجاعی دارند پیشنهاد میشود . اما اگر این " دولت " موضع دیگری اتخاذ نکند یا مورد شناسائی و قبول محافل رسمی عربی واقع نخواهد شد و با همکاری از طرف آنها مواجه نمیکرد و یا از همان روز تولد ناچار خواهد بود بیمار زده سختی با آنها بپردازد . در هر حال ایجاد آن در شرایط کنونی بوحد تملی فلسطینی ها و پشتیبانی عمل آنها از طرف اعراب زیان وارد خواهد ساخت .

خطر دیگری هم وجود دارد که حزب ماقبلا هم آنرا خاطر نشان کرده است . پس از بیکارهای خونین در سرزمین لبنان انتظار آن می رود که در جریان زبانی بخش درون جنبش فلسطین تشدید گردد . یکی از آنها عبارت از علاقه به یافتن حل و فصل غیر اصولی مسئله ، با میانجیگری گردانندگان مصر و عربستان سعودی ، طبق شرایط امریکا است . در مرحله ای که در پیش است ، این جریان خطر عمده خواهد بود . جریان دوم می تواند با تمایل به اقدامات تنسجید و ماجراجویانه و در نظر نگرفتن تمام بخرنجی و سردرگمی اوضاعی که بوجود آمده همراه گردد . این دو جریان که در نظر اول با هم مغایرت کامل دارند ، در واقع امر با زتاب احوال و روحیه ای مایوسانه و نداشتن راه چاره است که می تواند تحت تأثیر شواریهای مبارزات دراز مدت بی امان تشدید گردد . برای جلوگیری از بسط رفتن دست آورد های عظیمی که در امر تشریح عادلانه بودن مبارزات فلسطینی ها ، در راه حقوق مدنی قانونی خودشان ، برای مردم جهان حاصل شده بود هشجاری مداوم و مستمتر ضروری است . موضع سیاسی پیگیر و روشن در مورد مسئله فلسطین ، یعنی موضعی که مبتنی بر قرارهای سازمان ملل متحد است از این نقطه نظر دارای اهمیت فوق العاده است .

ما یلم از مجموع مسائل سیاسی و سازمانی تا خیر ناپذیر و مهمرم و نکته استراتژیک گرهی راهم از سایر مسائل جدا سازم . ما و نکته را بویژه مهم میدانیم :

— حفظ اتحاد رزمی انقلاب فلسطین ، سوریه و نیروهای ملی مترقی لبنان با غلبه بر تضادها و اختلافات ممکن میان آنها

— تحکیم دوستی و همکاری با اتحاد شوروی بمنزله عمدترین شرط ادامه موفقیت آمیز مبارزه در راه تحقق هدفهای ملی خلق ما .

در سهای سالهای اخیر بطور قناعت بخش نشان میدهد که نه ماجراجویی های جنگی ، نه زد و بند های جدا جدا برای منطقه مصلح به همراه نمی آرد . تلاشهایی کبیرای احیای " پروسه کسب و دید " (که به بن بست فاقد دورنمائی در افتاده) با سوء استفاده از بی آمده های تجاوز در لبنان بعمل می آید ، فقط می تواند کار را به تشدید و خامت اوضاع یکشاند . اختلافات و مناقشات خاور نزدیک فقط می تواند با مساعی جمعی تمام جوانب پذیرف و از جمله سازمان آزاد بیخش فلسطین بمنزله یگانه نماینده قانونی خلق عرب فلسطین حل و فصل گردد . این یکی از مهمترین در سهای حماسه قهرمانانه لبنان است . این حماسه قهرمانانه بد و ن تردید تأثیر عمیق در مبارزه جنبش آزاد بیخش ملی عربی بطور کلی خواهد داشت و به فرا هم آمدن شرایط برای دگرگونی های بنیادی انقلابی در منطقه کمک خواهد کرد .

در بارهٔ خصلت سازمان کمونیستی

هنر پیشگام بودن

در يك نشست کميسيون " مجلهٔ مسائل صلح و سوسيالیسم " ویژهٔ تبادل تجارب در کار حزبی در چهارچوب بحث‌های مربوط به خصلت سازمان کمونیستی که در صفحات مجله منعکس گردید (۱) مسائل مبرم تحکیم پیشگام انقلابی و تقویت نفوذ آن در توده‌ها مورد بحث قرار گرفت . در این نشست نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری ویتنام ، گویان ، یونان ، هند وستان ، کانادا ، کوستاریکا ، ایالات متحدهٔ امریکا و افریقای جنوبی ، یعنی احزابی که در شرایط بسیار مختلف فعالیت میکنند ، به بحث و تبادل نظر پرداختند . ما شرح مختصر این بحث و گفتگورا منتشر میکنیم .

کمیت یا کیفیت ؟

نیروی يك حزب ، وزن سیاسی آن ، امکانات آن برای تأثیر و سیرحوادث جامعه و جهت تکامل آن را چه چیزی تعیین میکند ؟ آموزش‌لینین در بارهٔ حزب طراز نوین به این پرسش با مقدم شعرین خاصی چون مجهز بودن تئوریک و تشکل آن ارتباط با توده‌ها و انترناسیونالیسم پیگیرها می‌دهد .

امازندگی پرسش‌های خود را بشکل فوق العادهٔ مشخصی برای احزاب مطرح میکند ، از جمله این پرسش که چه چیزی در شرایط معین و لحظهٔ معین مهتر است : مبارزه برای گسترش صفوف کمونیست‌ها و ایجاد يك حزب توده ای یا تمرکز توجه خود نه روی شاخص‌های کمی ، بلکه روی شاخص‌های کیفی آن . این مسئله در مرکز توجه شرکت‌کنندگان در بحث قرار داشت . آنان بر پایهٔ تجارب احزاب خود کوشیدند راه اصولی مشترکی برای حل این مسئله بدست دهند .

هوشی یان (حزب کمونیست ویتنام) ضمن سخنان خود گفت حزب ما ازید و تأسیس خود در کار سازماندهی حزبی بدون هیچ انحرافی اصول مارکسیسم - لنینیسم را رهنمود خویش قرار

داده و آنها را بطور خلاق با توجه به شرایط مشخص ویتنام بکار بسته است . تجربه حزب کمونیست ویتنام نشان میدهد که قدرت يك حزب واحد و زيادى به تعداد اعضاى آن بستگى دارد ولى اين قدرت در درجه اول بهر حال با كيفيت آن ، توانائى حزب در رهبرى توده ها ، با قدرت رزمى و پختگى سياسى اعضاى آن تعيين ميشود . پيش از انقلاب اوت سال ۱۹۴۵ حزب فقط پنج هزار عضو داشت . ولى انقلاب تحت رهبرى کمونیستها پیروز شد . پس از آن در شرایط تازه صفوف حزب بصورت روبه رشد نهاد : طى سالهای اندکی تعداد اعضا حزب به چند صد هزار نفر رسید . عملاً در همهجاسازمانهای اولیه حزبی بوجود آورده شد . ما با تکیه به کارهای قدیمی حزب فعالانه از میان کارگران ، دهقانان ، جوانان دانشجو و خرده بورژوازی که در جنبش راه آزادی میهن شرکت جست بودند ، کمونیست های جوان را برای مقاصد رهبری آماده ساخته و به این مقامها گماردیم .

مطمئناً اشتباه میبود اگر ما این نکته توجه کافی نمیکردیم که فقط سازمانی که از قدرت مبارزه کافس برخوردار است میتواند پیوند های نزدیکی با توده ها برقرار سازد و نقش رهبری خود را در تمام عرصه های زندگی اجتماعی تحقق بخشد . در این رابطه کمیت و کیفیت پیوند نزدیکی با هم دارند . ولى کمیت فقط وقتى به نیرو مبدل ميشود کما خواستهای كيفيت مطابقت کند .

اما ما از کیفیت چه می فهمیم ؟

در درجه اول اینکه حزب کمونیست مارکسیسم - لنینیسم را کاملاً فراگیرد و ضمن انطباق خلاق آن با شرایط مشخص ملی ، از این آموزش پیروی نماید . حزب کمونیست ویتنام توانست اصول اساسی تئوری مارکس - لنین را در فعالیت سیاسی ایدئولوژیک و سازمانی خود بکار بندد . از جمله علت این نیز که حزب ما با وجود اینکه در کشوری رشد کرده است که در گذشته مستعمره ، نیمه فئودالیستی و عقب مانده کشاورزی و با تعداد کمی پرولتاریا بود و با وجود این همواره خصلت طبقه کارگر را حفظ کرده در همین است .

حزب کمونیست ویتنام در هدف را قویاً بهم پیوند میدهد : استقلال ملی و سوسیالیسم . در پرتو این تمام نیروی طبقه کارگر و تمام خلق ویتنام را بسیج کرد و از آن استفاد میکند و قدرت و توان نیروی ملی را با مبارزه جریا نهی عمده انقلابی دوران ما بهم می پیوندد . حالا هم همچون قبل از رسیدن به حاکمیت ، حزب کمونیست ویتنام ، با روشنی و در وقت و وظائف بین الطلی خود را معین میکند و بدینوسیله تعلق خود را به جنبش انقلابی جهانی تأیید مینماید . ما هر نوع شوینیسم عظمت طلبانه ، خود محوری ملی ، آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم را رد میکنیم .

علاوه بر این مسئله کیفیت حزب مسئله وحدت سیاسی ، ایدئولوژیک و سازمانی صفوف آن ،

وحدت اراده ، عمل و اهداف تمام اعضای آن است . هوشی بان گفت من عمیقاً معتقدم که پیشگامی کما تضاد های داخلی دست بگیریم استود نتیجه مبارزات فراکمیونی وجاه طلبی های فردی تضعیف گردیده ، دیر یا زود متحمل شکست نابود کننده ای میگرد .

مسئله پیوند ناگسستنی باتود هانیز به کیفیت تعلق دارد . مشی و اصول بنیادی یک حزب باید منافع و آرزوهای خلق و تمام ملیت های ساکن در کشور را درست منعکس کند . فقط در چنین حالتی است که خلق صادقانه به حزب اعتماد کرده و از آن پیروی خواهد کرد . هوشی بان خاطر نشان ساخت که تجارب ما در سازماندهی حزبی نشان میدهد که صفوف کمونیست ها را باید پیوسته منتها با آگاهترین کارگران ، بلکه همچنین با دهقانان ، روشنفکران و نمایندگان مترقی دیگر اقشار زحمتکش گسترش داد . بدون این عمل حزب توده ای نیرومندی کوه بتواند به رسالت اجتماعی خود جامه عمل پوشاند نمیتوانیم بوجود آوریم . ولی بنظر ما این امر باید همیشه با انتظارات جدی از کمونیست ها همراه باشد .

زمانی در حزب ما ، در رابطه با پذیرش اعضای جدید و تربیت کمونیست ها راه خطائی در پیش گرفته شده بود . درهای حزب بیش از حد محکم بسته بود و در عین حال صفوف آن از عناصر اتفاقی و ناشایست باند از کافئ پاکسازی نمیشد و تازه پذیرفته شدگان بر اساس هدف معین تربیت نمیشدند ما این اشتباه را بر طرف ساختیم بدون آنکه به طرف مخالف و متضاد کشانده شویم . اکنون حزب کمونیست ویتنام همواره میکوشد ، ترکیب کیفی صفوف خود را بهتر کند و علیه روش نادرست دیدن به دنبال کمیت مبارزه میکند . حزب پاپیروی از وصایای لنین که میگفت : " این شکل کاهش تعداد اعضای حزب بمنزله افزایش نیرو و وزن آن است " (۱) . با قاطعیت از شاخصی که وجهه و اعتبار خود را از دست داده اند و سواد سیاسی کافی ندارند جدائی اختیار میکنند .

م . دلگادو (از حزب آوانگارد خلق کوستاریکا) گفت معمولاً حزب انقلابی ، بویژه اگر در شرایط غیرعقلنی فعالیت میکند ، بمنزله سازمان نسبتاً کوچکی بوجود میآید . اما بسیاری از این قبیل سازمانها توانستند در پیروسی انقلابی به نیروی رهبری کنند هم بدل شوند و در عمل نشان دادند که مستعد مبارزه هستند و در قشرهای انبوه طبقه کارگر و تمام زحمتکشان تأثیر عظیمی می بخشند .

پس وزن سیاسی حزب در رجه اول بمتأثیر توده ها ، نفوذ آن در جوانب گوناگون زندگی اجتماعی و استعداد آن برای هدایت و رهبری مبارزه زحمتکشان بستگی دارد .

اغلب وضع دیگری نیز بوجود میآید ، زمانی که حزب به این یا آن علت قادر نیست جنبش توده ای را رهبری کند ، زیرا برای این کار کادر کافی ندارد ، ساختار سازمانی با وظائف لحظه تطبیق نمیکند ،

اقتشار انبوه خلق تحت‌الشیراندیشه‌های رفرمیستی قرار دارند و مانند اینها . چنین وضعی از جمله میتواند درد و ران های بحرانی بوجود آید ، یعنی هنگامیکه آگاهی و عزم برای مبارزه در توده‌ها سریمافزایش مییابد ولی حزب برای اعتلای شدید فعالیت اجتماعی باندازه کافی آمادگی ندارد . در چنین حالتی ما بین در جمرشد پیشگام ، تمداد آن ترکیب ارگانهای رهبری از یکسو و نیازمند یهپای عینی توده‌ها و جنبش انقلابی از سوی دیگر عدم تطابق و ناموزونی بوجود میآید .

اغلب زحمتکشان بورژوازی را مجبور به عقب نشینی از این یا آن موضع میکنند ، حقوق و آزادی های اجتماعی خود را گسترش میدهند و حزب موفق با استفاده از این برای افزایش تعداد طرفداران خود نمیکرد . چرا چنین میشود ؟ جریان بدینقرار است که يك سازمان کوچک اغلب باندازه کافی نیرو و وسایل برای این ندارد که در آن واحد در جهات گوناگون مبارزه تأثیر اساسی داشته باشد . گاهی حزب با این مشکل مواجه میشود که به چه چیزی بیشتر توجه کند به اعتصابات و یا مثلاً به آماده ساختن کارها .

دلگاد و خاطر نشان ساخت که بهمین جهت برای کمونیست های کوستاریکا وظیفه تبدیل حزب خود به حزبی توده ای هم به رشد کمی و هم به رشد کیفی و هم به بالا بردن آگاهی کمونیست ها مربوط است ، تا حزب بتواند جنبش گسترده توده ای را رهبری کند که در شرایط بحران اجتماعی - اقتصادی و بحران سیاسی که کشور را در بر گرفته بصط و تکامل مییابد . صحبت بر سر ایجاد حزب بزرگی از لحاظ کمی است که در ارتباط بسیار نزدیک با توده ها ، سندیکاها ، سازمانهای اجتماعی و دهقانی و دانشجویی و جوانان زحمتکش باشد .

حل این مسئله اینقدرها آسان نیست . دشمن ما برای تأثیر ایدئولوژیک در اهالی امکانات عظیمی در اختیار دارد و ما از دسترس به وسائل ارتباط جمعی محروم میباشیم . یا چیزی بگری را بگوئیم : از آغاز سالهای ۶۰ در کوستاریکا پروسه پیشرفت سرمایه داری با آهنگی سریع جریان دارد ، این پروسه ساختار طبقاتی بسیار کهن جامعه را در هم شکسته و موجب پیدایش واحدهای تازه ای از طبقه کارگر شده که اکثر آنها دهقانی دارند . مؤسسات صنعتی که در جریان این رشد سریع انفجاری پدید آمده با اعمال ستم بر زحمتکشان و استفاده ماهرانه از کمی رشد آگاهی طبقاتی کارگران عادی جوان و بی تجربه شیوه های استثمار سرمایه داری ظریف و محیلا نه تری را بکار میبرند . حزب آوانگارد خلق طی مدتی طولانی نمیتوانست مسئله جلب اقتشار تازه ای از طبقه کارگر به سمت خود را حل کند و در نتیجه از این قشر بسیار انبوه زحمتکشان بدور ماند ، اگر چه بر نفود خود میان پرولتاریای روستاها (که بزرگترین واحد طبقه کارگر کوستاریکا است) و همچنین میان دهقانان و قشرهای متوسط شهرها افزود . حل چنین مسئله مهمی در مرکز توجه کمونیست های کوستاریکا

قرارداد و یکی از موضوع های مورد بررسی در کنگره های اخیر بود .

هنگام بررسی مسئله مرتبط با رشد پیشگام پرولتری باید این را در نظر داشت که نتایج انتخاباً همواره گواهنفون واقعی حزب در میان توده ها و نقض اجتماعی آن در زندگی جامعه نیست . کمونیست ها خود را موظف میدانند آنچه را ممکن است انجام دهند تا مردم درک کنند که حزب آوانگارد خلق نیروی سیاسی است که واجد قدرتمند است . حزب در جریان تحقق برنامه خویش باید اصل تاکتیک پرولتری را رهنمود خود قرار دهد که بدان امکان دهد به لا قیدی ها و افکار رواند پشه های باطل و ناد رستی که در جامعه وجود دارد و مانع افزایش نفوذ ما است پایان دهد . معلوم است که انجام چنین وظیفه ای فقط از عهد سازمان یکپارچه و متشکلی بر میآید که دارای طرفداران ثابت قدم بسیاری باشد .

بدین سبب ما میکوشیم صفوف خود را گسترش دهیم . در کنگره سیزدهم (سال ١٩٨٠) ما تصمیم گرفتیم دوره آزمایشی برای عضویت در حزب مقرر کنیم . این امکان میدهد هزاران تن از محتملانی را که هنوز آمادگی کافی ندارند با سازمان خود جلب کنیم . ولی در حزب با این اعضای آزمایشی کار میشود و برای بالا بردن اطلاعات سیاسی واید غولوزیک آنها سعی و کوشش بعمل میآید . بدیهی است که اگر حزب آوانگارد خلق ، چنانکه دشمن طبقاتی میخواهد ، از یک سلسله از مواضع بنیادی خویش دست میکشید میتواند بطور محسوسی بزرگ شود . بطور مثال با تأکید بر اینکه ما از اتحاد شوروی دوری میجوئیم ، البته میتواندستیم این یا آن را بخود جلب کنیم . ولی ، تجربه میآموزد که نرزش تاکتیکی نباید به گذشت های اصولی و صرف نظر کردن از اصول بنیادی انجامد که بدون آنها فعالیت سیاسی خصوصیت انقلابی خود را از دست میدهد . کمونیست های کومستاریکا معتقدند که راه بسوی حزب توده ای از صرف نظر کردن از کیفیت صفوف حزب بسمود کمیت آغاز نمیکرد . برای ما نمحرزی همینطوری بزرگ ، بلکه حزبی انقلابی و مبارز فوشر لا زم است . وفاداری به اصول مارکسیسم لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری شرط استحکام حزب ، افزایش نفوذ آن و بالا رفتن شریخشگی مبارزه انقلابی است .

دیاکتیک عوامل عینی و ذهنی

ك . روحی (حزب مترقی خلق گویان) گفت کمونیست های گویان معتقدند که تعداد اعضا حزب یگانه عامل و مهمترین عامل تعیین کننده دامنه نفوذ حزب و استعداد آن برای جلب توده های انبوه مردم مبارزه نمیشاید . رفقا قبلاً گفتند سازمانهای کمونیستی هم که از لحاظ ترکیب خود کوچک هستند گاهی تأثیر جدی در جریان رویداد های کشور خود می بخشند . در عین حال یک حزب بزرگ

ولی بی شکل و از لحاظ سازمانی نامنسجم میتواند قادر به عمل نباشد . پس چه چیزی به — حزب کوچکی کمک میکند تا نقش مهمی ایفا نماید ؟ بدیهی است که این هم تجاریگرده آمده ، هم دفاع فعالانه از منافع حیاتی و مستکشان در مبارزات روزمره و هم درستی مشی سیاسی اصلی و بسیاری چیزهای دیگر است . هرگاه حزبی چنین عمل کند مایقین داریم که کمیت در پریا زود بطور قطع کیفیت هم " بیار خواهد آورد " .

ولی این سؤال پیش میآید که در اینجا آیا همه چیز وابسته به ما و معاصر ما است ؟

حزب مترقی خلق گویان در پیروست تبدیل یافتن از حزبی توده ای ولی از لحاظ سازمانی غیر منسجم به یک حزب لنینی طراز نوین است . به تعداد کمونیست ها افزوده میشود ولی ما با دشواریهای بسیار مختلفی روبرو میشویم که عوامل عینی آنها را بوجود میآورند . درجه رشد مناسبات سرمایه داری ، سنسن و عاداتی که بطور دامنه داری میان مردم رواج دارد معتقدات مذهبی حاکم در جامعه از جمله آنهاست . باید مرحله پیروست انقلابی را هم با سطح آگاهی توده ها و شرایط اجتماعی — اقتصادی و سیاسی در نظر گرفت . عامل دیگری هم در گویان تأثیرش بخشد که عبارتست از تضاد های اتنیک که از دوران استعمار باقی مانده است . باور کنید که اینگونه مسائل میتوانند در جریان کار روزانه ما با توده ها مانع جدی بوجود آورند .

ولی حتی اگر تمام این عوامل را هم در نظر بگیریم و برنامه واقع بینانه ای هم تهیه کنیم ، هنوز بدین معنی نیست که همه مسائل میتوانند حل بشود و ترکیب عددی و نفوذ حزب بطور اتوماتیک افزایش یابد . آنچه در اینجا امکان پذیر است صبر و شکیبایی پیشه کردن و انجام کار منظم امید تونوزیک میان توده ها است . البته این وظیفه ساده ای نیست . با تمام آگاهی و متشکل بودن اعضای حزب ، ما ناگزیریم با عدم تکافوی کارهای خوب و آماده امکانات ناچیز مالی و وسائل ارتباطی حزب مترقی خلق گویان بسازیم .

ولی ، هنگامیکه ما از این دشواریها صحبت میکنیم از اهمیت عامل ذهنی چیزی کم نمیکشیم . تاکنون هم برخی اشتباهات حزب در روانی که در رأس حاکمیت قرار داشت (۱۹۵۷-۱۹۶۴) در مبارزه با تأثیر منفی می بخشد . در کارهای تشکیلاتی کنونی حزب مترقی خلق گویان هم نقاط ضعفی وجود دارد . مقدم بر هر چیز باید کار بیشتری برای جلب کارگران سیاه پوست به حزب انجام داد . توقعات بیش از حد دشواری که از اعضای تازه حزب داریم و همچنین گذاشتن بار زیاد انواع وظائف بر دوش آنان ، اغلب مانع حفظ افراد و در صفوف ما میگرد که قادرند کمونیست های واقعی بشوند . در یکی از آخرین جلسات کمیته مرکزی حزب مترقی خلق در ضمن خاطر نشان گردید که بسیاری از افراد بدین سبب حزب را ترک گفتند که شرکت منظم آنها در فعالیت روزانه سازمانهای اولیه حزبی

تأمین نشد . کمیته مرکزی خواستاران شد که بهند هوش هر کمونیست با نرزش بیشتری برخورد کرد و به آن اعضای حزب که به آینه شان میتوان امید و اربود توجه بیشتری میدول کرد .

س . میترا (حزب کمونیست هند وستان) یاد آورد که بمقیده کمونیست های هند وستان مهمترین معیار قدرت عمل احزاب عبارت از رحمتا شیرانها ریشرفت پروسه های سیاسی داخلی د کشور است . معلوم است که چنین تأثیری به عوامل بسیار واجمله به تعداد اعضای حزب ، شرکت آن در دولت ، کوچک و بزرگی فراکسیون پارلمانی آن و مانند اینها وابسته است . ولی میان تعداد اعضا ، حزب و نفوذ و تأثیر آن بهیچوجه تناسب مستقیم برقرار نیست . هرگاه به تاریخ حزب کمونیست هند وستان مراجعه کنیم خواهیم دید که در کشوری که سرمایه داری هنوز ریشه های عمیقی ندوانده و تثبیت نشده است حزب نسبتاً کوچکی ، در صورتیکه سیاست فعالانه و تشدید یابنده ای داشته باشد کاملاً قادر است تأثیر نمایی در جریان رویداد ها بنماید . خیلی چیزها هم وابسته به این سیاست ، یعنی وابسته به عامل ذهنی است .

ما از آنجا شروع کردیم که چهره سیاسی معینی برای حزب کمونیست هند وستان طرح ریزی نمودیم که با سایر سازمانها و اجمله با حزب بورژوازی ملی فرق داشت . برای تحقق آن در آن هنگام شرایط عینی هنوز بهیچوجه فراهم نیامده بود . ولی کمونیستها از همان اول توانستند به خلق نشان دهند که سازمانی ، اگرچه کوچک ، با هدف معلوم و معین وجود دارد که آماده مبارزه با پانگراشه در راه استقلال ملی است . حزب به همین سبب تحت پیگرد شدید رژیم استعماری بریتانیا قرار گرفت ، اکثر رهبران آن ده تا پانزده سال در زندان بسر بردند . ولی قربانها بیپوده نبود و به وجهه و اعتبار حزب افزوده شد .

نکته مهم دیگری را تذکر میدهم . در کشور کثیرالطه ای مانند هند وستان ، که در آن معتقدات دینی بسیاری وجود دارد ، این امر حائز اهمیت فراوان بود که در صمیمی حزب کمونیست هند وستان سازمانی (۱) بوجود آمد که افوق کوفه نظری ملی و محدودیت مذهبی قرار گرفت . این حزب عرفی و دنیوی بود . گمانیکه دارای معتقدات دینی مختلف بودند ، فهمیدند که میتوانند به چنین حزبی بپیوندند و در آن مقام و موقعیت شایسته ای پیدا کنند .

نهایتاً موفق شدیم در لحظه تاریخی مناسب شعار درستی را پیش آوریم که سمت و مضمون مبارزه آزاد بیخش ملی را تعیین کرد . در آغاز سالهای بیست کنگره ملی هند وستان این مسئله را مورد بحث و مذاکره قرار داده بود که آیا هند وستان با حالت تحت الحما یگی موافقت خواهد کرد و یا باید به مبارزه در راه کسب استقلال از انگلستان بپردازد . کمونیست ها در آن هنگام به کنگره ملی هند وستان برنامه آزادی ملی را پیشنهاد کردند . آنها خواستار استقلال کامل هند وستان یعنی تحقق شعار ۱ - حزب کمونیست هند وستان از لحاظ سازمانی در دسامبر ۱۹۲۵ شکل گرفت . هیئت تحریریه .

حد اکثر بودند . این شعارها دلانه که پاسخگوی امید و آرزوی اکثریت قریب با توافق اهالی بود با پشتیبانی گسترده نیروهای چپ در کنگره ملی هند و ستان روبرو شد . بزودی رهبری کنگره ملی هند و ستان ناچار شد با این خواسته موافقت کند .

این نکته را بی‌وجه باید قید کرد که انقلاب کمیسر سوسیالیستی اکثرتائیر فزوانی در جنبش آزاد ^{ببخش} ملی هند و ستان بخشید و این امرها کمک کرد مردم راه امکان پذیر بودن تحقق خواست استقلال کامل هند و ستان متقاعد سازیم . انقلاب در روسیه همچنین آشکارا نشان داد که توده های متشکل کارگری و دهقانی در آزادان کشورشان چه نقشی میتوانند ایفاء نمایند .

کمونیست ها بمنظور تأمین پشتیبانی گسترده از جنبش آزاد ببخش ملی تصمیم گرفتند تمام نیروی خود را برای متشکل ساختن طبقه کارگر و دهقانان بکار برند . در آندوران سهم مرکز صنعتی اساسی یعنی کلکته و مدرس وجود داشت . صنایع بطور عمده در دست انگلیسی ها بود . کمونیست ها اتحادیه های کارگری و صنعتی بوجود آوردند و خواستهائی را مطرح کردند که در جریان اعتصابات به پیش کشید همیشه هدف و وراثتها لغای سلطه امپریالیست های بریتانیا در کشور بود . فعالیت پرولتاریا منجر بدان گردید که کنگره ملی هند و ستان به مسئله سازماندهی طبقه کارگر و اتحادیه های آن بطور جدی برخورد کند .

مادریک سلسله از ایالاتی که حزب کمونیست در آنجا وجود داشت و از جمله در بنگال غربی به متحد ساختن دهقانان پرداختیم و جنبش گسترده ای علیه استثمار فئودالی بوجود آوردیم که اغلب اشکال قهرآمیز خود میگرفت . جنبش دهقانی با پیش کشیدن خواستهائی مانند انجام اصلاحات ارضی ، نابودی امیرنشین ها و لغای حاکمیت فئودالی تأثیر محسوسی در جریان مبارزه آزاد ببخش ملی نمود .

مقصود من از ذکر این مثال ها و نمونه ها چیست ؟ کمونیست ها ، اگر چه تعدادشان چندان هم زیاد نبود توانستند تا اندازه معینی مقیاس تازه ای به جنبش آزاد ببخش ملی بدهند . همه ناچار بودند روی ما حساب بکنند . بسیاری از لیدران کنگره ملی هند و ستان بارها از آمادگی کمونیست ها به از خود گذشتگی در راه اعتقادات خویش برای اعضای خود نمونه می آوردند . ولی آنچه مهم است این بود که جنبش کمونیستی در آغاز موجودیت خود در کشور توانست سیمای ویژه خویش را بسازد و بطوریکه مابعد های یقین حاصل کردیم این سیمای بطور استوار و فکرونه من توده ها نقش بستماست .

ص . میترا در ادامه سخنان خود گفت ، البته در افزایش نفوذ و تعداد پیشگام هم موفقیت ها و هم اشتباهات آن تأثیر میکند . تجربتهاریخی حزب کمونیست هند و ستان نشان میدهد اشتباه به چه بهای گزافی میتواند تمام شود . یکی از بزرگترین خطاهای حزب کمونیست هند و ستان این بود

که در آستانه گرفتن استقلال کمونیست ها بنقش ونیروی بالقوه احزاب ملی بورژوازی کم بهامید اند. هنگامیکه هند وستان استقلال خود را بدست آورد ما این شمار را پیش کشیدیم: "نهرههم بهمان راهی خواهد رفت که چان کان شمی رفت". علاوه براین حزب کمونیست هند وستان براین عقیده بود که زمان انجام انقلاب سوسیالیستی فرارسیده است. در مارس سال ۱۹۴۹ روزی را برگزیدیم که به تصور خیلی ها باید در تاریخ با حروف سرخ نوشته میشد. من نصیخواهم وارد جزئیات شوم، ولی این اشتباهی سکتاریستی بود که ضربه بزرگی به حزب کمونیست هند وستان ووجهه اعتبار آن وارد ساخت. با وجود این مردم فراموش نکردند که این کمونیست ها بودند که در مبارزه در آزادی هند وستان و برای بهروزی زحمتکشان از جان خود گذشتند.

حزب کمونیست هند وستان طی دوران موجودیت خود موفقیت های مهمی بدست آورده است. اینک اندکی کمتر از نیم میلیون نفر را در صفوف خود متشکل ساخته و سازمان های حزبی در بیست ایالت فعالیت میکنند. کمونیست ها سازمان های توده ای زحمتکشان را که نزدیک به شش میلیون نفر را متحد ساخته اند رهبری میکنند. ولی مادرین اینکه از کاری که انجام شده طبعاً احساس رضایت میکنیم نواقص موجود در کار راهمی بینیم واز مسائل ومشکلاتی که در برابر حزب کمونیست هند وستان قرار دارد آگاهیم.

در کشور عظیمی مانند کشور ما، حزب کمونیست با شرایط عینی بسیاری برخورد میکند که مانع گسترش صفوف آن میگردد. از آن جمله است، بطور مثال، عدم توازن پیشرفت اقتصادی ایالات، درصد بسیار زیاد افراد بیسواد، بقایای اندیشه ها و نظریات ملت گرایانه و مربوط به کاست ها (مسئله های راجان ها)، اختلاف سطح آگاهی طبقاتی و غیره. نتیجه، عدم امکان بکار بردن اشکال یکسان مبارزه در سراسر کشور است.

حتی تصورش را هم نمیتوان کرد که مثلاً، بیسواد ی چه معضل جدی برای ما است. تعداد قابل توجهی از اعضای حزب کمونیست هند وستان (بویژه در میان کارگران کشاورزی) افسردگی هستند که قادر به خواندن و نوشتن نیستند. با وجود تمام کوششهایی که برای رفع بیسوادی در میان کمونیست ها بعمل آمده هنوز نتوانسته ایم موفقیت کامل بدست آوریم. گاهی افرادی که در روستا های دور دست زندگی میکنند از قرار های کنگره های حزبی بعد از ماه ها با خبر میشوند. رهبران حزب باید شخصاً به این روستا ها سفر کنند و سیاست حزب را تشریح نمایند. ما میکوشیم با استفاده از اشکال و شیوه های گوناگون مبارزه در نقاط مختلف کشور تمام اینها را در نظر بگیریم. بطور مثال ماهشت روزنامه ویست ود و نشریه هفتگی برپا نه های مختلف چاپ میکنیم، مدارس برای رفع بیسوادی بزرگسالان در روستا ها و نقاط کارگرنشین بوجود میآوریم و مانند اینها.

یامسئله دیگری راکه از ویژگیهای پیشرفت سرمایه داری هند وستان ناشی میشود برداریم . اگر منشاء طبقاتی اعضا حزب کمونیست هند وستان را تجزیه و تحلیل کنیم ، میتوان دید که کارگران صنعتی کمتر از ۱ درصد کل اعضای حزب را تشکیل میدهند . بخش بزرگی از کمونیست ها را با هفتاد و بی چیزو کارگران کشاورزی تشکیل میدهند (رویهمرفته تقریباً ٤٦ درصد) . بجه سبب واقعاً چنین ترکیب طبقاتی در حزب ما موجود آمده است ؟ میدانیم هند وستان طبق آمار رسمی ١٦ میلیون کارگر صنعتی دارد . یکی از علل عبارت از این است که کمونیست هایی که در سندیکاها کار میکنند ، بیشتر از اندازه به فعالیت های صرفاً اتحادیه ای اشتغال دارند و به جلب اعضا تازه به حزب توجه کافی نمیکند . ولی علت دیگری هم که بعقید من علت مهمتری است وجود دارد . اینک در جامعه هند وستان چه میگردد ؟ پیشرفت سرمایه داری در جریان است . زحمتکشان ، بویژه آنهایی که در مؤسسات سرمایه داری مشغول بکار هستند و همچنین شاغلین بخش های خصوصی و دولتی اکثر از اقشار خرده بورژوازی آمده اند . آنها کارموسکن دارند و در بخش دولتی حتی حقوق پانزدهمستگیشان هم تضمین گردیده است . عبارات دیگر آنها از تضمین های اجتماعی معینی برخوردارند و مفهوم معینی وضع ممتاز خود را احساس میکنند . بخش دیگر زحمتکشان و بخصوص آنهایی که در بخشهای سنتی کار میکنند (مانند بخش کشاورزی) از چنین حقوقی محرومند . تکرار میکنم ، این فقط جزئی از پاسخ به سؤال مربوط به علل سطح نسبتاً نازل تعداد کارگران صنعتی در حزب کمونیست هند وستان است .

ولی همانطور که و . ای . لنین گفته است : " اینک حزبی واقعاً حزب سیاسی کارگری است یا نه ، فقط وابسته به این نیست که از کارگران ترکیب یافته یا خیر ، بلکه وابسته بدین نیز میباشد که کی آنها رهبری میکند و مضمون اقدامات و تاکتیک سیاسی آن چیست " (١) . پس باید یادآور شویم که حزب ما بمنزله پیشتاز مبارز طبقه کارگر عمل میکند و برنامه های ویژه خود برای پیشرفت اقتصاد ملی ، فرهنگ و مناسبات اجتماعی را از موضع منافع و هدف های دراز مدت پرولتاریاستهیه وتدوین میکند . ضامن اصلی اینک حزب ما با افتخار و شرافت مندانانه رسالت تاریخی خود را انجام خواهد داد نیز همین است .

سازمان را باید تحت هر شرایطی حفظ کرد

بی

پ . و ایچی (حزب کمونیست یونان) خاطر نشان ساخت که این اندیشه که پیشگام انقلاب باید سیمای سیاسی داشته باشد که فقط مخصوص بدان باشد به طرز تفکر کمونیست های یونانی

خیلی نزد یک برای آنها قابل درک است . سیر و دیدارها ، بیوژنه طی چهاردهه اخیر این را تأیید کرد .

در تاریخ حزب کمونیست یونان دوره‌هایی بوده است که حزب در عین اینکه در شرایط علنی یا نیمه‌علنی فعالیت میکرد و سازمانهای خود را تقویت نمود و وجهه خود را بین زحمتکشان افزایش میداده است . ولی عکس اینهم اتفاق افتاده ، بدین معنی که تأثیر متقابل عوامل عینی و ذهنی نامساعد به ازدست دادن چیزی منجر میگردد که قبلاً بدست آمده بود ، و دشواریهای زیادی در کارها ایجاد میکرد و حتی موجودیت حزب را زیر علامت سؤال قرار میداد . در چنین دورانهائی ماهزاران مبارز یونانی را از دست میدادیم و عقب نشینی جنبش کمونیستی و خلقی فرامیرسید .

چنانکه میدانیم بهنگام اشغال کشور ما بوسیله دارودسته فاشیست های آلمان — حزب کمونیست متکروسا زمان در هند و مقاومت ملی مردم یونان گردید و از اج و اعتبار عظیمی برخوردار بود . صد ها هزار نفر به عضویت در حزب کمونیست افتخار میکردند . در سال ۱۹۴۴ ، چهارصد هزار نفر در آن عضویت داشتند . پس از آن دوران مداخله نظامی امپریالیستی فرانسید و جنبش خلق در جنگ داخلی مغلوب شد . تروریسم سابقه وی سرسومانی و پیگرد ، نابود ساختن کمونیست ها و بزندان یار و نگاههای کار اجاری فرستادن دهها هزارتن از مبارزین ، غیر قانونی اعلام کردن حزب ایجاد سازمانهای غیر علنی را بی اندازه دشوار میساخت و علاوه بر این برقراری ارتباط و تماس با اهالی راهم با دشواریهای فراوان روبرو میکرد .

رهبری حزب در مقابل این دشواریها عقب نشینی کرد و در سال ۱۹۵۸ سازمانهای غیر علنی اندکی راهم که وجود داشت منحل ساخت . برای تأمین اشتراک کمونیست ها در زندگی سیاسی کشور به تمام اعضا حزب توصیه شد به عضویت حزب واحد دموکراتیک چپ (راد) که علنی بود در آیند . لغو سازمانهای حزبی غیر علنی اشتباه بزرگی بود . این اقدام حزب را از امکان جلب اعضای جدید بصوف خود وانجام کارهای تربیتی وایدتولوژیک میان کمونیست ها محروم میساخت و به اشاعه تخلیات علنی گرائی و نظریات رویزونیستی و اپورتونیستی منجر گردید . حزب در دام حوشده بود و در جنبه گسترده نیروهای دموکراتیک حل شد و سیمای خود را از دست داد . در نتیجه بخشی از کارها حتی از حزب کناره گرفتند و سازمان رویزونیستی ، اپورتونیستی و ضد شوروی بوجود آوردند .

کمونیست های یونان با درک بی آمده های منفی این اشتباه ، این نیرو را در خود یافتند که حزب را احیا نمایند و سازمانهای غیر علنی در شرایط رژیم دیکتاتوری خونناک نظامیان ایجاد کردند . پس از سقوط دیکتاتوری در ژوئیه سال ۱۹۷۴ ، حزب کمونیست یونان از خفا بیرون آمد و به تجدید

سازمان گسترده‌ای دست زده نوسازی و تقویت صفوف خود پرداخت و بی شکلی سازمانهای اولیه حزب را برطرف ساخت . تمام این اقدامات بلافاصله در نفوذ آن در اجتماع تأثیر گذاشت .

طی مدت کوتاه تاریخی پس از سقوط دیکتاتوری " سرهنگ های سپاه " حزب کمونیست یونان به یکی از نیروهای سیاسی عمده یونان بدل گردید و از لحاظ تعداد نمایندگان خود در پارلمان در ردیف سوم قرار گرفت . این راهپایید در نظر گرفت که تأثیری که کمونیست ها در زندگی کشور و بزرگترین اولی در توده‌ها می‌بخشند با حساب ساده عددی مبتنی بر نتایج رأی‌گیری در انتخابات پارلمانی قابل سنجش نیست .

ولی تعهدات حزب کمونیست در برابر مردم افزایش تعداد اعضای آن و تبدیل شدن به سازمان بزرگ توده‌ای را الزام می‌کند . اسناد برنامه‌ها مانند وقرارهای کنگره و هم‌حزب کمونیست یونان که در مه سال ۱۹۷۸ تشکیل گردید ما را به این سمت رهنمون گردید . آنها ما را در جهت ایجاد حزب توده‌ای که ریشه‌های عمیقی میان طبقه کارگرو توده‌ها در حرکتشان داشته و با سندیکاها و سایر سازمانهای اجتماعی ارتباط نزدیک برقرار ساخته و قادر به انجام رسالت خود در هر شرایطی باشد هدایت می‌کنند .

از مفهوم " حزب توده‌ای " ما چه مضمونی را اراد می‌کنیم ؟ بعقیده ما حزب توده‌ای نه فقط حزبی با اعضای زیاد بلکه در عین حال سازمان یکپارچه و منسجمی است که به تئوری انقلابی مارکسیسم لنینیسم وفادار بوده ، با روح انترناسیونالیسم پرولتری پرورش یافته و از منافع توده‌های زحمتکش با از خود گذشتگی دفاع می‌کند . بطور خلاصه نیروی واقعی پیشگام خلق رزمنده است .

انتظارات و توقعات جدی ما از کمانیکه می‌خواهند عضو حزب کمونیست یونان بشوند نیز از اینجا ناشی میشود . در اساسنامه آن از سازمانهای اولیه حزبی خواسته شده است رفتار و نظریات افرادی را که ما می‌بند به صفوف کمونیست‌ها می‌پیوندند بدقیق ترین وجهی مورد آزمایش و بررسی قرار دهند . هر عضو آزمایشی موظف است برای پذیرش معرفی نامه ای از اعضای حزب ارائه دهد و دوره آزمایشی معینی را بگذراند . البته ، این جریان پروسه ایجاد حزب توده‌ای را تسریع نمی‌کند ، ولی در عوض سد مطمئنی در راه نفوذ ماجراجویان و افراد تصادفی بصوف آن است .

ما برای کار تربیتی اهمیت خاصی قائلیم . اعضای حزب و اعضای آزمایشی آن اصول اساسی تئوری انقلابی مارکسیستی - لنینیستی را فرا می‌گیرند ، با روح انترناسیونالیسم پرولتری تربیت میشوند و فن‌های بسیاری را می‌آموزند . چنین آمادگی بمنظور حفظ پاکیزگی حزب و تحکیم وحدت اراد ه‌و اندیشه اعضای آن مطلقاً ضروری است .

پیروزی بزرگ نیروهای چپ در انتخابات پارلمانی در اکتبر سال ۱۹۸۱ رنگهای تازه‌ای به

طیف سیاسی زندگی ملی افزود و زمینه مساعد تری برای پیشرفت حزب ما و گسترش صفوف آن فراهم ساخت . ولی میخواستیم بار دیگر به درسهای تلخ گذشته که بمعقید من هنوز تا زنگی و اهمیت خود را حفظ کرده است ، بازگردم . بنظر من نتیجه ای که حزب کمونیست یونان از آن درسها گرفت دارای اهمیت بین المللی است : کمونیست ها ، در هر شرایطی ، حتی در شرایط ترور و سخت ترین پیگرد ها و تنگنا ها موظفند سازمان خود را حفظ کنند ، دارای حزب انقلابی اعم از کوچک یا بزرگ ، علنی یا غیر علنی باشند که قادر باشد نقش پیشگام انقلابی را با موفقیت ایفاء نماید .

ایجاد حزب توده ای ضرورتی عینی است

ج . اوست (حزب کمونیست ایالات متحدہ امریکا) یاد آورد که مسئله تشکیل حزب توده ای مورد توجه کمونیست های امریکا هم هست . طبق گفته او در امریکای دوره های تاریخی مختلف موانع زیادی وجود داشته که از پیشرفت آگاهی طبقاتی توده ها جلوگیری میکرد . وجود " زمین های آزادی " که از سرخ پوستان و اهالی بومی در نتیجه سیاست امحاء جمعی و بردگی گرفته شده ، امواج بی دریبی مهاجرت از اروپا به امریکا که باعث کم بهاشدن نیروی کار در بازار کار گردید و منقاد و تفرقه افکنی میان زحمتکشان مورد استفاده بورژوازی قرار گرفت و شرایط مساعد پیشرفت سرمایه داری در ایالات متحدہ امریکا و غیره از جمله این موانع بوده است . تمام این عوامل مانع از آن میشد که طبقه کارگر به " طبقه برای خود " مبدل گردد . تئوریهای گوناگون " استثنائی بودن " سرمایه داری امریکا که در چنین زمینه خاصی بوجود آمد نیز به رشد سیاسی مردم امریکا کمک نکرد .

ج . اوست متذکر گردید که سالهای اخیر نشان میدهند که در ردیف تغییرات مثبتی که در تناسب نیروها در عرصه بین المللی پدید آمده ، تغییرات تاریخی هم در داخل ایالات متحدہ امریکا بوقوع می پیوندد . این جریان به نقش روز افزون عوامل عینی مربوط است . بطور مثال ، تأثیر انقلابی سازندہ سوسیالیسم واقعی موجود در اندیشه و تفکر میلیون ها تن از انسانها ، به پایان رسیدن فصلی از تاریخ ملی ، یعنی دوران که امپریالیسم امریکا بدون مجازات در جنگهای تجاوزکارانه شروتمند میشد ، درک این نکته که در صورت آغاز دگرگیری هسته ای ، ایالات متحدہ امریکا موفق نخواهد شد از این آمد های فاجعه آمیز آن در امان بماند ، تشدید مبارزه طبقه کارگر و توده های زحمتکش که هر چه بیشتر با تمام سیستم سرمایه داری و ولتی — انحصاری در دیر پی می کنند از جمله این عوامل عینی است .

تمام این عوامل عینی شرایط مساعدی برای بر طرف ساختن دشمنی و تفریق نژادی که از طرف طبقه حاکم بدان دامن زد همیشه و تقویت جنبش ملی ضد انحصاری فراهم میآورد . حزب کمونیست ایالات متحدہ امریکا بر این عقیده است که اکنون امکانات زیادی برای آغاز مرحله تازه مبارزه توده ها

در راه صلح و همکاری میان خلقها و علیه نژادگراشی و انحصارها وجود دارد .

در این شرایط به نقش عامل ذهنی افزود می شود . اگر ما بدین مسئله کم به امید ایم و با تصور میگردیم که جنبش خود بخودی مستقلاً و بدون تأثیر حزب میتواند به نیروی مبدل گردد که کشور را از بحران نجات بخشد اشتباهی حتمی میبود . اکنون خیلی چیزها وابسته بدین است که حزب تا چه اندازه واقعیت عینی تازه ای را که در ایالات متحده آمریکا بوجود آمده عمیقاً درک میکند و کمونیست ها تا چه حدی بطور خلاق و با نرمش عمل میکنند . حزب کاملاً متوجه این هست که باید و میتواند نقش خاصی ایفاء کند و به تقویت و تسط و تکامل گرایشهایاری رساند . نسبت به گذشته امکانات آن برای ادراک کردن سهم بی نظیری در مبارزه افزایش یافته است . همانطور که چندین پیش رفیق گسرها گفت : " در هابرو میبیشتر با زنده و گذشتن ما از آنها ضروری است " .

ج . اوست در ادامه سخنان خود گفت ، ولی اگر من بگویم که در کشور فقط حالا شرایط برای ایجاد حزب توده ای پدید آمده خلاف حقیقت است . در سالهای ۳۰ (میلادی) حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا ، سازمان بزرگی بود که از نفوذ زیادی میان توده ها برخوردار بود . ولی در مراحل معینی در آن گرایش های منفی مسلط بود . در وی جستن از اصول مارکسیستی - لنینیستی و توجه به رویزینوینسم ابتدا از طرف لوستون (در پایان سالهای ۳۰) ، و سپس از طرف براودر (۱) ، حزب را در وضع بحرانی قرار داد . پس از جنگ جهانی دوم جناح راستگرای رویزینوینست بر رهبری گیتس سرد بهر روزنامه " دیلی وورکر " (" دیلی وورلد " قبلاً چنین نامید میشد) حزب را در جریان مبارزه فراکسیونی بمعنسی واقعی کلمه تنگ نگکرد . بی آمده های این دورانهای نسبتاً کوتاه در تاریخ مابعد حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا زبانه های عظیمی وارد آورد و رشد و پیشرفت آنرا برای سالهای زیادی کند کرد .

نیاز به ایجاد حزب کمونیست توده ای در ایالات متحده آمریکا در حال حاضر واقعاً زیاد
و ضرورت روز است . هیچ نیروی دیگری در داخل کشور غیر از کمونیست ها خطر مدومی را که از جانب محافل میلیتاریستی امپریالیسم امریکای تمدن بشری را تهدید میکند فاش نمی سازد . بطوریکه میدانیم این محافل از سیاست دست یافتن به سلطه بر جهان پیروی میکنند . حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا یگانه زمانی است که برنامه واقع بینانه خروج از بحران اقتصادی و مبارزه با نژادگراشی را ارائه داده است . کمونیست ها مسئولیت خود را در برابر مردم کشور و تمام سیاره ما برای لگام زدن به آتش افروزان جنگ و همچنین تأمین رفاه و امنیت اقتصادی و اجتماعی تمام و کمال درک میکنند . بهمین سبب مسئله گسترش قابل ملاحظه صوف ما از اهمیت روزافزونی برخوردار است .

بعقیده ما حزب هنگامی توده ایست که (البته صحبت بر سر شرایط امریکا است) میان

۱ - جی لوستون و ارل براودر دیرکل های سابق حزب کمونیست امریکا . هیئت تحریریه .

طبقه کارگروفتش‌های ستم‌یده، فرمرها و نمایندگان روشنفکران دارای مواضع کافی و مستحکم باشد، قادر باشد نامزد هائی در انتخابات معرفی کند و بتواند نمایندگان خود را در ارگانهای محلی حاکمه بگمارد و در همین حال در مبارزه تمام خلق علیه انحصارها، اشتراک‌ورزیده و سهم‌جذی و صمبی در آن وارد سازد. البته شرط دیگر هم این است که حزب دارای نظریات استوار باقی و انقلابی بوده و میخاطر افزایش تعداد طرفدارانش بد آنها خیانت نرورد (چنانکه رویزونیست‌ها برهبری گیتس کردند).

برای ایجاد حزب توده ای کارهای باسواد و ورزیده و کمونیست‌هائی لازم است که قادر باشند در هر شرایطی درست سمگیری کنند و بی‌غرنج ترین مسائل را حل و فصل نمایند. از این رو است که حزب اهمیت چنین فراوانی برای کارهای تربیتی قائل است و هر کمونیستی را از لحاظ پذیرش به صفوف خود مورد توجه و مراقبت قرار میدهد. ما با ابراز توجه به رفیق هم‌زیم تازه چه از لحاظ شخصی و چه از لحاظ سیاسی و برقراری مناسبات خوب و موثرت‌آمیز، در واقع تمام حزب را محکم میکنیم.

باید توانست با نیروهای کم هم عمل کرد

د. فیلیپس (حزب کمونیست کانادا) گفت حزبمان نیروی مؤثری است، ولی باد شواری‌های عینی زیادی رویرو میشود. اکثریت قاطع زحمتکشان کشور دارای تخیلات رفورمیستی هستند و در انتخابات یا از احزاب بورژوائی سنتی حمایت میکنند یا از حزب سوسیال-رفورمیست. با وجود اینکه کمونیست‌ها را در ارگانهای رهبری سندیکاها و دیگر سازمانهای دموکراتیک که حزب در آنها بسیار فعال است انتخاب میکنند ولی توده‌ها در مجموع حاضر نیستند در انتخابات ارگانهای حاکمیت فدرال یا محلی به کمونیست‌ها رأی بدهند. گاهی ما در انتخابات فقط ۲۰۰-۳۰۰ رأی می‌آوریم اگر چه تعداد انتخاب‌کنندگان به چندین ده‌هزار نفر میرسد. بنظر من این امر گواهی بر مشکلات موجود است.

حزب کمونیست کانادا در یک سلسله از ویلایات نفوذ زیادی در سندیکاها دارد، کمونیست‌ها نقش عمده‌ای در جنبش مبارزان در راه صلح و حقوق مدنی و در بسیاری دیگر سازمانهای دموکراتیک دارند. اینطور تصوری حاصل میشود که چنین نفوذی باید به افزایش سریعتر صفوف حزب کمونیست نسبت بمانچه هست کمک کند. ولی متأسفانه واقعیت با ایدآل اغلب تفاوت دارد.

مانسبت به کمونیست‌هائی که در جنبش سندیکائی و سایر سازمانهای توده‌ای بسیار خوب فعالیت میکنند، ولی به سازماندهی حزبی توجه کافی ندارند برخوردی انتقادی داریم. ما نمایندگان در جنبش سندیکائی داریم که از وجهه و اعتبار زیاد و شایسته، همانند رهبران آن

برخورد ارهستند ، ولی با وجود این طی سالهای متعدد فعالیت خود ، نتوانسته اند در بخش خود سازمانهای حزبی بوجود آورند و مشترکین تازه ای برای مطبوعات کمونیستی پیدا نکرده اند . ولی ، اشتباهات نوع دیگری همروی میدهد . بطور مثال ، چند سال پیش ما با پیشکشیدن شعار ایجاد حزب توده ای بمنزله وظیفه درجه اول خود ، مرتکب اشتباه شدیم . این در دیدن به جلو بود ، زیرا آن موقع شرایط لازم هنوز فراهم نشده بود . بسیاری از اعضای حزب کمونیست کانادا برای رسیدن به هدف فحاشی شروع بفعالیت کردند که هنوز قابل دسترسی نبود . در نتیجه آنها مأیوس شدند و بعضی ها هم اعتماد خود را به سیاست حزب و نقش پیشگامی آن از دست دادند .

ما این اشتباه را تصحیح کردیم و در همین حال اعلام داشتیم که باید حزب را از انزوا بیرون آورد و به تمام تخیلات سکتاریستی و گرایش های " عزلت جویانه " پایان داد . بدین منظور لازم بود فعالانه تر در هر جنبه اجتماعی اشتراک ورزید و بطور شریکانه تر در توده ها تأثیر کرد . بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست کانادا که در فوریه سال ۱۹۸۲ تشکیل گردید نشان داد که سازمان دادن حزب توده ای نیازمند افزایش ابتکارات کمونیست ها در مبارزه علیه پی آمد های بحران اقتصادی مبارزه در راه صلح ، در راه حقوق جوانان و زنان و در مبارزه علیه تبعیضات نسبت به مهاجرین ، علیه نژاد گرایی و در مبارزه برای پشتیبانی از خلقهای سالوادور ، نیکاراگوئه ، آفریقای جنوبی و سایر کشورهاست که در راه آزادی ملی مبارزه میکنند .

ما تهیه و تدوین برنامه خروج از بحران اقتصادی را الزاماً باید بطور مداوم در مرکز توجه خود قرار دهیم تا بتوانیم پشتیبانی توده ها را جلب کنیم . به عبارت دیگر حزب کمونیست کانادا باید حزب واقعی اقدامات توده ای گردد . فقط این راه به ایجاد حزب توده ای منتهی میگردد .

گاهی شنیده میشود که یک سازمان کوچک انقلابی قادر نیست نسبت به آنچه روی میدهد بطور عینی واکنش نشان دهد ، در " دنیا کوچک و تنگ " زندگی درون حزبی خود را محصور میکند و نسبت به متحدینش برخوردی سکتاریستی نشان میدهد . باید قبول کرد که این با آن حزب ، اگر در راه منافع و هدفهای توده های انبوه مردم و مقدم بر همه طبقه کارگر قاطعانه مبارزه نمیکند واقعاً هم با تمام این سنگهای زیر آب میتواند برخورد نماید . در این تردید نیست که حزب کمونیست کانادا در حال حاضر حزب کوچکی است . ولی مایقین داریم که چنین حزبی هم شرطی که فعالیت خود ادامه دهد و به حل و فصل مسائلی که مایه نگرانی زحمتکشان است بپردازد ، میتواند به عامل اساسی زندگی ملی تبدیل گردد . بدین ضامبت بجا است این سخنان لنین را بخاطر آوریم که

" حزب کوچک هم ، ، ، که جریان پیشرفت سیاسی را خوب مورد بررسی قرار داده و با زندگی و عادات توده های غیر حزبی آشنا باشد در لحظه مساعد جنبش انقلابی برهی انگیزد " (۱) .

تجربه بسیاری از احزاب و از جمله تجربه خود ما این حکم را تأیید میکند .

د . فیلپس در ادامه سخنان خود گفت در بیست و پنجمین کنگره حزب ما به این نتیجه رسیدیم که برای جلب افراد مترقی به حزب که بتوانند از منافع طبقه کارگر دفاع کنند باید مساعی منظم و پیگیرتری بعمل آید . رهبری حزب و سایر کمونیست ها باید توجه زیادی به ایجاد سازمانهای حزبی در مؤسسات صنعتی بعمل آورند و به فعالیت های خود میان کارگران ایتالیائی ، یونانی و برتقالی که در کانادا زندگی میکنند و همچنین میان آنهایی که از کشورهای حوضه کارائیب آمده اند بیفزایند . حالا وضع آنطور نیست که هزاران کارگر با تقاضای ورود به حزب کمونیست کانادا با ما مراجعه کنند . بهمین سبب باید بطور مداوم و با دقت برای پذیرفتن هر فردی که تقاضای عضویت میکند فعالیت کرد . به مسائل سازماندهی حزب باید برخوردی منظم و سیستماتیک داشت .

در ضمن در کنگره مسئله ضرورت بهبود کار با کسانی که به صفوف حزب کمونیست کانادا پذیرفته شده اند مطرح گردید . در حال حاضر سازمانهای اولیه حزبی وقت و نیروی زیادی صرف مسائل درون حزبی میکنند و مسائل سیاسی توجه کافی ندارند ، در حالیکه در همان بخش های " پائین " است که باید کسانی را که عضو حزب نیستند بهتر شناسند و با آنها در تماس نزدیک باشند . بعقیده ما سازماندهی حزبی با تربیت و پرورش و پیش کشیدن کمونیست ها و کارهای جوان و از جمله اعضای رهبری ارتباط نزدیک دارد . ما با شاخصی نیاز داریم که بتوانند بد رستی و بر اساس اصولی و نه سکتاریستی میان توده ها کار کنند . این وسیله مهمی برای بهبود کیفی فعالیت حزب کمونیست کانادا ، تقویت ارتباطهای آن با جنبش تمام خلق و تبدیل آن به نیروی عظیم ملی و سیاسی است .

اعتلای چندی پیش جنبش گسترده طرفداران صلح در کانادا که کمونیست ها در آن نقش مهمی ایفاء میکردند و تشدید فعالیت سدها که در آن هم کمونیست ها نمایندگی دارند بیانگر عملی بودن گسترش صفوف حزب کمونیست کانادا است .

احمد آزاد (حزب کمونیست افریقای جنوبی) هم یاد آور شد که در شرایط خاص جمهوری افریقای جنوبی ، طبعاً از ایجاد حزب کمونیست توده ای نمیتواند سخنی در میان باشد . طرح چنین وظیفه ای نه فقط از لحاظ سیاسی هدفمند نبود ، بلکه زبان عظیمی به تمام جنبش آزاد بخش ملی وارد میساخت . و . ای . لنین میگفت در شرایط تضییق و فشار شدید " هر قدر ما ترکیب اعضای چنین سازمانی را محدودتر کنیم . . . " بدام انداختن " آن دشوارتر خواهد بود . . . " (۱) .

این اندیشه لنین بطور کامل و دقیق وضعی را که ما در آن مبارزه میکنیم منعکس میکند . حزب کمونیست افریقای جنوبی از اوایل سالهای پنجاه (میلادی) ناچار به فعالیت کاملاً مخفی گردیده

و این امر در تمام جنبه‌های زندگی حزب تأثیر میکند. بدیهی است که در شرایط ترور و تبعید و بیگردد بی امان میهن پرستان از طرف دولت نژاد گراما نمیتوانیم درهای حزب را بروی تمام تقاضاکنندگان بازکنیم. زیرا چنین اقدامی ناگزیر به نقض قوانین کارمخفی منجر میگردد و خطر نفوذ افراد وابسته به پلیس به صفوف ما را افزایش میدهد و بطور خلاصه میتواندست حزب را تضعیف کند.

کمی اعضای حزب کمونیست افریقای جنوبی مانع از این نیست که حزب تأثیر جدی در جنبش آزاد بیخش ملی و در رنکرواندیشه توده‌های انبوه زحمتکشان داشته باشد. چگونه میتوان این نکته را روشن ساخت؟ مسئله بدین قرار است که حزب شدیدا ترا تمام نیروهای اپوزیسیون در برابر همه پدیده‌های نودر زندگی اجتماعی - سیاسی واکنش نشان میدهد، عمیق تر بمسائل ستم ملی و تبعیضات نژادی توجه دارد و امید و آرزوها و نیازهای مردم را بهتر درک میکند. همه اینها روشنگر آنست که چرا نفوذ حزب بر تعداد آن بعراست برتری دارد. در اوضاع کنونی افریقای جنوبی عامل کیفی برای ما از همه چیز مهمتر است.

در عین حال علاقه به تئوری انقلابی و اطلاعات علمی بسرعت افزایش مییابد و چندین هزار نفر اعلام میکنند که ما بلند بصوف کمونیست‌ها پیوندند. حزب باید با توجه جدی به وظائف خود و شرایط مبارزه نسبت به این پروسه‌ها واکنش مثبت نشان دهد. ما تداوم بر زیادیه مضطرب و افزایش تعداد طرفداران حزب کمونیست افریقای جنوبی اتخاذ میکنیم، مثلاً فعالیت رزمجویانه سازمانهای مخفی را گسترش داده و تکمیل میکنیم، در داخل و خارج کشور کار تبلیغاتی شدیدی انجام میدهم و انضباط رزمندگان را که با اشتراک در جنبش آزاد بیخش ملی و بیکار در صفوف "اومکتو و سیزوه" یعنی جناح نظامی کنگره ملی افریقا از خود شجاعت و صداقت نشان میدهند تقویت میکنیم. میتوانم بگویم که حزب بدین ترتیب در توده‌ها تأثیری "برای آینده" می بخشد و شرآنهم در آینده نصایان میگردد.

اهمیت عامل بین المللی

این مسئله که عوامل بین المللی تا چه اندازه در افزایش تعداد اعضای حزب کمونیست و نفوذ آنها مؤثر است مورد توجه فراوان اشتراک کنندگان در بحث و مذاکره قرار گرفت. سخنرانان در این نظر مترسقف القول بودند که تأثیر انقلابی سازنده سوسیالیسم جهانی در پروسه‌های تشکیل و وسط و تکامل احزاب کمونیست فوق العاده زیاد است. در صحت بهمین سبب وسائل تبلیغاتی بورژوازی سلی از تهمت و افترا و اطلاعات نادرست درباره کشورهای سوسیالیستی را بسوی مردم روانه میکنند، دست آوردهای تاریخی سوسیالیسم در عرصه‌های مناسبات اجتماعی، اقتصاد، علم و فرهنگ را مسکوت میگذازند و دشواریها و مسائل مختلفی را که در جریان پروسه بفرنج ساختن زندگی نو

پدید میآید بزرگ جلوه میدهند. بطور خلاصه، برای کاستن از تأثیر و جان به سوسیالیسم واقعی موجود در توده ها از هیچ اقدامی مضایقه نمیکند. علاقه دشمن طبقاتی به تضعیف وحدت جنبش بین المللی کمونیستی، رویاوری هم قرارداد ان احزاب کمونیست و واداشتن کمونیست هائی که در بخش غیر سوسیالیستی جهان زندگی و مبارزه میکنند به اینکه رشتگیاتی را کائنهارا با انقلاب کیپیر سوسیالیستی اکثر و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی پیوند میدهد قطع کنند بمبارز یاد است.

پ. و ایس خاطر نشان ساخت که دشمن طبقاتی برای سرکوب نیروهای انقلابی به مداخله آشکار در امور کشورهای مستقل و در ضد انقلاب (همانطور که بهنگام خود در یونان اتفاق افتاد) متوسل میگردد. بهمین سبب وحدت و یکپارچگی جنبش بین المللی کمونیست و درک صحیح نقش جامعه کشورهای سوسیالیستی و اتحاد شوروی عامل ضروری در مبارزه با نیات امپریالیسم است. طبق گفته ج. اوست، خیلی چیزها وابسته بدین است که رهبری حزب کمونیست بمسئله با اصطلاح نقطه های ضعف در سیستم سوسیالیسم واقعی موجود چگونه برخورد میکند. در تاریخ حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا و رانتهائی بود که اقدامات پر دامنه ای در " افشای سوسیالیسم انجام میگرفت. چنین " پرده استتاری " را تجدید نظر طلبان برای این لازم داشتند که شاید بتوانند حزب را بمسیر ضد سوسیالیستی، ضد شوروی، ضد مارکسیستی و ضد لنینی اندازند. ماهیت ریزینویسم گیتس هم، بطور مثال، همین بود. چنین موضعگیری به امر طبقه کارگر ریزان میزند. اوست گفت اطمینان دارم که آنچه برای کمونیست ها مهم است، نه این است که توجه خود را هر چه بیشتر به معضلاتی که در کشورهای سوسیالیسم وجود دارد معطوف دارند. مقدم بر هر چیز آنها باید علل زهنی و عینی معلوم و یا نامعلوم این مسائل و مشکلات را بدست می و از لحاظ تاریخی مقرون به حقیقت تشریح نمایند و نشان بدهند که راه پیشگامانی که جامعه نوی رامی سازند چقدر ریخرنج، دشوار و ناشناخته است.

ما یل توجه شمارا به چنین فاکتی جلب میکنم: هنگامیکه حادثه افتضاح آمیز و مشهور و اترگیت رویداد و عمق خیانت، بی اعتباری و دروغ پردازی بورژوازی ایالات متحده آمریکا را بر ملا ساخت، مسائل ارتباط جمعی آمریکا، گوئی بایک فرمان شروع به تبلیغات پر دامنه ای در دفاع از سیستم سرمایه داری کردند. باید گفت که خیلی هم ماهرانه دفاع کردند. میکوشیدند کشوری را که از شیادی و کلاهبرداری و اترگیت بلرزه درآمده بود قانع سازند که ایالات متحده آمریکا دموکراتیک ترین کشور جهان است، زیرا فقط در چنین کشوری این قبیل اشتباهات افشاء میگردد و اعضای دولت را به مسئولیت جلب میکنند. مارا با این قبیل فریب تودها و این چنین تردستی هائی سروکاری نیست.

ولی کمونیست‌ها بر پایه‌ی اساس کاملی می‌توانند و باید فعالانه از سوسیالیسم دفاع کنند و هر وضع بفرنج و دشواری را فعالانه و آشکارا تشریح نمایند .

سه. می‌توان یاد آورد که در ارتباط با " مسئله چین " برای حزب ماد شواریهای زیادی پدید می‌آید ، زیرا پس از آنکه در چین انقلاب شد ، کشور چین تأثیر انقلابی سازنده فراوانی در کشورهای آسیا بخشید . ولی حالا برای ما بسیار دشوار است روشن کنیم که در آنجا چه اتفاقی افتاد ، بویژه این را که چه سبب پکن در سیاست بین المللی اغلب به امپریالیسم کمک میکند . " آزمایشات " مائوئیستی منجرید آن گردید که در کشور ماد ر حزب انشعاب شد و در جنبش کمونیستی اندونزی آن فاجعه رویداد و مانند اینها . من دیگر از ائتلاف و دگرگیری میان چین و هند یا از تجاوز پکن علیه ویتنام حرفی نمی‌زنم . تمام اینها حداقل برای منطقه ما مسائل بسیار جدی است .

احمد آزاد گفت در اینجا ، بد رستی از نمونه انقلابی سازنده اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی صحبت شد . این واقعیتی است که از طرف اکثریت قاطع احزاب کمونیست و کارگری مورد قبول واقع شده است . جامعه کشورهای سوسیالیستی تأثیر مثبت عظیمی فوق العاده ای در پیشرفت جامعه بشری بویژه در مسائل صلح و جنگ دارد . ولی من تصور می‌کنم که ما زمان بسیار درازی خود را اینطور فکر می‌کردیم و دیگران را هم متقاعد می‌ساختیم که سوسیالیسم بدون برخورد با مشکلات و دشواری‌ها پیشرفت نمی‌کند . ما ضمن تبلیغ اندیشه‌های سوسیالیسم این را که بنظر ما بسیار مهم است نمی‌گفتیم که خلق‌ها در جریان ساختمان جامعه سوسیالیستی با دشواریهای بزرگی روبرو میشوند ، زیرا جامعه بشری حل و فصل مسائلی چنین بفرنج و با چنین مقیاسی را در تمام طول تاریخ موجودیت خود هیچگاه به عهد نگرفته است . سوسیالیسم مسائلی را حل میکند که سرمایه داری آنها را حتی طرح نکرده است . ایجاد مناسبات اجتماعی اصولاً تازه ، تربیت و پرورش انسانی نوعی را از آن جمله است . همچنین باید قادر به انجام تجزیه و تحلیلی قیاسی بود . میدانیم در دنیا سرمایه داری کشوری نیست که بتواند بر پدیده‌های فاجعه آمیزی که با بحران ارتباط دارد غلبه کند . ژاپن یا آلمان غربی را گاهی بمنزله نمونه پیشرفت سرمایه داری قلمداد میکنند . ولی هیچیک از این کشورها موفق به برطرف ساختن بحران و حل مسائل بنیادی خود نشده است . در عین حال ما میتوانیم نشان دهیم که چگونه در جهان سوسیالیستی که البته محضلات مربوط بخود را دارد و اغلب بفرنج و دشوار هم هستند ، راههای مؤثر حل و فصل آنها را جستجو کرده و می‌یابند .

ک. روحی گفت گاهی می‌گویند از دشواریهای کشورهای سوسیالیستی در این یا آن مرحله با آنها روبرو هستند بسود تبلیغ اندیشه‌های رفورمیستی در باره یک راه سومی استفاده کنند . تلاش میکنند این حرف را بکسی بنشانند که سوسیالیسم هم مانند سرمایه داری " دیگر کار نمی‌کند " و

بهمین سبب گویا " راه سوم " لازم است . نیازی به طول و تفصیل در باره این نیست که رد چنین نظریاتی که بوجود آورنده روحیه فائالیسم ، رخوت و سستی و بد بینی در طبقه کارگرتوده های زحمتکش است ، تاجه اندازه حائز اهمیت میباشد .

مایلم نکته دیگری را هم یاد آور شوم . در شرایط تشدید مبارزه طبقاتی واید ثلویژیک در جهان نمیتوان در آن واحد و موضوعگیری داشت . صریحاً باید از خود سؤال کنیم : اگرگذشت‌های به آنتی سوویتیسیم بکنیم چیزی عاید مان خواهد شد ؟ شاید این اقدام به وجهه و اعتبار ما خواهد افزود یا استقلالمان را مستحکم خواهد ساخت ؟ اگر ما در گویان از چنین " استقلاللی " حرقی بمیان آوریم خدمت بزرگی به امپریالیسم امریکا و ارتجاع داخلی کرده ایم که در تلاش خود برای سمت کردن روابط ما با احزاب کمونیست و کارگری که در حاکمیت هستند سرازیا نمیشناسند . محتمل است کسانی هم باشند که قادرند با جلب توجه برخی از اقشار اهالی به خود از آنتی سوویتیسیم موقتاً بهره برداری نمایند ، ولی حزب مارکسیستی از این کار در آخرین تحلیل سودی نخواهد برد .

براین عقیده هستم که مبارزه اید ثلویژیک را تا حد اکثر ممکن باید تشدید کرد زیرا فقط بدین ترتیب میتوان مسائل مربوط به پیشرفت احزاب ما را حل کرد .

گ . کویاتفسکی (حزب کمونیست آلمان) ، صدر کمیسیون مجله ویژه تبادل تجارب فعالیت های حزبی ، با جمع بندی در پایان بحث و مذاکره تأکید کرد که اینک احزاب کمونیست بنا بر چشمگیری نه فقط با آنچه در آغاز تشکیل و پیدایش خود بودند ، بلکه حتی با ده پانزده سال پیش هم تفاوت دارند . این پروسه ای طبیعی است و بر این گواهی میدهد که حزب انقلابی ارگانیسم سیاسی زنده ایست که بطور مداوم طبق شرایط عینی و ذهنی متغیرونیا زمند بهای مبارزه طبقاتی پیشرفت میکند . سخنان شرکت کنندگان در این بحث و مذاکره با صراحت و فصاحت بار د یگر گواه بر این است که شرایط فعالیت کمونیست ها جقد رگوناگون ، مخصوص بخود و در بسیاری از موارد هم متضاد است . ولی ، با وجود اینها ، سخنرانان در این مورد متفق القول بودند که هنر پیشگام بودن صرفنظر از ویژگیهای اوضاع و احوال و خصلت وظائفی که باید انجام یابد دانشی بفرنج و هنری ظریف است . برای تسلط یافتن کامل بر آنها سازگار نمودن فعالیت خود با شرایطی که بصرهتتشیبیر مییابد کافی نیست . همچنین باید از تمام تجارب انقلابی گرد آمده و نتیجه گیریهای تئوریک مبتنی بر سوسیالیسم علمی که آنرا غنی میسازد حداکثر استفاده را بعمل آورد ، نه اینکه آنها را رد کرد .

گ . کویاتفسکی در خاتمه گفت ، تصور میکنم بیانگر عقیده مشترک همه حاضرین باشم اگر بگویم طبعاً سخنرانان تمام جنبه های موضوع را بررسی نکردند . ولی تبادل نظری که انجام گرفت میتواند برای بررسی و مذاکره سائلی که در جریان بحث مطرح شد انگیزه و محرکی باشد .

از شماره ۱ مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " سال ۱۹۸۲

زمان - رویدادها - ارزیابی‌ها

از عقب ماندگی قرون بسوی قله های دانائی

دام دین زاوین مایدار

عضو پرووی سیاسی کمیته مرکزی حزب
خلق انقلابی مغولستان
معاون اول شورای وزیران جمهوری
خلق مغولستان

اکثر افراد نسل سالمند مغولستان در دوران جوانی خود با کلمات "تکنیک" و "ترقیسی" آشنائی نداشتند، در واقع برای این کلمات در زندگی روزمره آرات‌ها جایی نبود. اکنون در باره ترقی علمی - تکنیکی و انقلاب علمی و تکنیکی خیلی میگویند و مینویسند و مهم این است که این کلمات از پروسه‌های واقعی تعیین کننده پیشرفت اقتصاد و جامعه جمهوری خلق مغولستان گردیده است. مردم خود را شرکت کنند مستقیم در کارهایی میدانند که در نتیجه آنها صنایع کشور رشد میکند، شربخشی کشاورزی افزایش مییابد، کانون های تازه علم و فرهنگ بوجود میآید و شرایط مادی زندگی بهبود پیدا میکند. تمام اینها حالا دیگر بمنزله چیزی عادی و بی‌مثابه خصیصه دوران ماکه بطور رگاتیک ویژه جهان سوسیالیسم است تلقی میگردد. در ضمن خصلت ترقی علمی و تکنیکی در جمهوری دارای ویژگیهای زیادی است که از ویژگیهای تاریخ آن و اینکه چگونه حزب کمونیست های مغولستان با رهنمود قرارداد ان قانونمند پهای عام ساختمان سوسیالیسم و درك شرایط خاص کشور خود از آنها در استراتژی و تاکتیک سیاسی خویش بهره برداری کرده ناشی میگردد. این تجربه ممکن است مورد علاقه معین برخی از کشورهای ازبند رسته ای که آینده خود را با سوسیالیسم پیوند داده اند باشد.

شصت سال پیش و. ا. ی. لنین هنگام پذیرفتن هیئت نمایندگی دولت خلقی مغولستان توجه آنها به ضرورت بالا بردن سطح آموزش و پرورش و فرهنگ مردم مغولستان جلب نمود. در ضمن او تاکید کرد که با پیدا اقتصاد کشور را بمنظور ارضای تمام نیاز مند پهای اهالی بطور همه جانبه بسط و تکامل بخشید. لنین گفت، هنگامیکه شما این وظائف را انجام دهید تا سطح کشورهای پیشرفته

اروپائی ترقی خواهید کرد (۱) .

این توصیه‌ها مانند سخنان لنین خلطاب به سازمانهای کمونیستی خلقهای خاورزمین ، آنجا که میگوید (با اتکا به تئوری ویراتیک عام کمونیستی . . . باید توانست این تئوری ویراتیک را بسا شرایطی انطباق داد که توده اصلی راد هقانان تشکیل میدهند و هنگامی است که باید علیه بقایای قرون وسطائی مبارزه کرد و نه سرمایه " (۲) ، برای حزب خلق انقلابی مغولستان رهنمودی برای عمل بود . حزب در آغاز انجام دگرگونی های بنیادی انقلابی از مشی ایجاد و بسط و تکامل صنایع ملی ، یعنی زیربنای اقتصادی موجودیت مستقل کشور و ساختمان جامعه سوسیالیستی پیروی کرد . مفهوم است که انجام این وظیفه نیازمند کوششهای زیادی بود . زیرا ایجاد ذخایر مالی اولیه و تربیت کادرهای متخصص نیز در برابر قرار داشت چون " بدون رهبری متخصصین رشته های مختلف دانش ها و فنون تکنیک و تجربه گذر سوسیالیسم غیر ممکن است ، زیرا سوسیالیسم نیازمند جنبش آگاهانه و همگانی بجلود رجعت حد اعلا ی بازدهی کار است " (۳) . علاوه بر اینها بی ریزی پایه های علم و دانش میهنی هم که محرک و تسریع کننده ترقی تولیدات مادی است لازم بود . تمام این کارها هم باید در کشوری انجام شود که " صنعت " آن عبارت از چند کارگاه دستی بود ، طبقه کارگر رانجا وجود نداشت و با سواد هایک در صد اهالی را تشکیل میدادند .

مطرح ساختن این قبیل هدفهای بفرنجی که فقط در آینده ای باندازه کفایت در مقابل دسترسی است ، خیال پرداز ی نبود . رهنمود مابین تزننین بود که " اگر برای ساختن سوسیالیسم سطح معینی از فرهنگ ضروری است ، . . . چرا ما نباید ابتدا از بدست آوردن شرایط مقدساتی برای ایجاد این سطح معین بطریق انقلابی آغاز کنیم و سپس بر پایه وجود حاکمیت کارگری - دهقانی و نظام شوروی برای رسیدن به سایر خلق ها به پیش رویم " (۴) .

در شرایط مغولستان این بمعنی ضرورت بر طرف ساختن عقب ماندگی قرون در کوتاه ترین مدت تاریخی بود که برای انجام آن هم نیروهای خود ما بطور آشکار کفایت نمیکرد . ولی حزب سیدانست که جمهوری خلقی نو بنیاد در برابر معضلات فوق العاده بفرنج تنهان خواهد ماند . سومین کنگره حزب خلق انقلابی مغولستان مشی و راه رشد غیر سرمایه داری را برگزید در عین اینکه روی کسک پرتلاریای کشورهای پیشرو ، و مقدم بر همه اتحاد جماهیر شوروی هم با قاطعیت حساب میکرد .

۱ - خاطراتی در باره و . ای . لنین . جلد ۵ ، مسکو ، ۱۹۶۹ ، صفحه ۴۴۰ .

۲ - و . ای . لنین ، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) ، جلد ۳۹ ، صفحه ۳۲۹ .

۳ - همانجا ، جلد ۳۶ ، صفحه ۱۷۸ .

۴ - همانجا ، جلد ۴۵ ، صفحه ۳۸۱ .

در همان مرحله دموکراتیک انقلاب (سالهای ۱۹۲۱-۱۹۴۰) مجتمع صنعتی اولان باتور مخصوص تبدیل و تبدیل مواد خام رشته دامداری و تنبیه و سائل مصرفی و پس از آن چند مؤسسه دیگر که با شرکت اتحاد شوروی ایجاد گردید شروع بکار کرد . این نخستین سنگ بنای صنایع مغولستان بود که بتدریج پاککاکا هشرناپندیرا اتحاد جماهیر شوروی و سپس سایر کشورهای سوسیالیستی ساخته میشد . در عین حال هسته طبقه کارگر مغولستان هم که اینک در جامعه صا نقش رهبری کننده ایفا میکند ، بوجود آمد .

نخستین گامهای انقلاب فرهنگی واقعی هم بهمان دوره مربوط است . بلافاصله پس از برقراری حاکمیت خلق در سراسر مغولستان مدارسی گشایش یافت و کلاسهای مبارزه با بیسوادی برای بزرگسالان تشکیل گردید . در جریان آماده ساختن کادر معلمین و استادان هم ماکمکهای گرانبهای از مردم شوروی دریافت کردیم . در کشور بتدریج واقعاً شرایطی پدید آمد که امکان داد در برنامه دوم حزب خلق انقلابی مغولستان که در سال ۱۹۲۵ بتصویب چهارمین کنگره آن رسید اصول زیرین را که در کشورهای کم رشد بیسابقه است ، برای سازماندهی آموزش و پرورش خلقی مطرح سازیم ؛ مدرسه یکسان عرفی و ویژه تحصیلات عمومی برای تمام کودکان صرف نظر از جنس و ملیت و تحصیل رایگان اجباری تاهجده سالگی

بدین ترتیب در حقیقت بموازات هم صنایع مغولستان و محیط فرهنگی بوجود آمد که توانست پرورش و آماده ساختن کادرهای ملی را که قادر باشند در رپروسه مکانیزه تولید اشتراک ورزیده ، پاست آورد های علم و تکنیک آشنا گردیده و وظیفه بسط و تکامل آنها را بعهده گیرند ، تأمین کند . زمان صحت مشی را که حزب با توجه به قانونمندیهای عام ساختمان سوسیالیسم و ویژگیهای خاص کشور تعیین کرده بود تأیید نمود . اینک جمهوری خلق مغولستان یک کشور کشاورزی- صنعتی است . آلا توا بزار رپروسه های تکنولوژی که پاسخگوی وضع معاصر ترقی علمی و تکنیکی است در صنایع آن تعمیم داده شده و بشیوه گسترده ای تکامل مییابد . وظیفه تبدیل مغولستان به کشور صنعتی- کشاورزی که پانزدهمین کنگره حزب (سال ۱۹۶۶) مطرح ساخته ، اینک در دستور روز قرار دارد . در حال این مسئله پتانسیل علمی- تکنیکی و فرهنگی کشور مقام برجسته ای دارد . هم اکنون در مغولستان بحساب برسانه بمهرده هزار نفر از اهالی . ۲۳۴ دانش آموز مدارس ویژه تحصیلات عمومی ، ۱۴۱ دانشجو ، ۲۲ پزشک و ۷۳۷ متخصص با تحصیلات عالی و متوسطه اختصاص میرسد و این بدان معناست که مغولستان حالا به سطح برخی از کشورهای صنعتی رسیده و در یک سلسله از مواضع حتی از آنها جلو افتاده است .

زندگی علمی در کشور ما بلافاصله پس از انقلاب در سال ۱۹۲۱ و با بنیانگذاری کمیته علمی (۱)

آغاز گردد . بیست سال بعد در اولان باتورد انشگاه گشایش یافت . پس از مدتی کمتر از بیست سال هم نیروهای علمی تا اندازه ای استحکام یافتند که تأسیس فرهنگستان علوم جمهوری خلق مغولستان که دارای سه شعبه علوم کشاورزی ، طبیعی و اجتماعی است امکان پذیر گردید .

اینک چندین دانشکده در ترکیب دانشگاه داخل است که عبارتند از دانشکده جغرافیا و انجماد شناسی ، فیزیک و تکنیک ، شیمی ، زیست شناسی عمومی و تجریی ، گیاه شناسی ، زمین شناسی اقتصاد ، تاریخ ، خاورشناسی ، زبان و ادبیات و غیره . علاوه بر اینها در مغولستان ٣٤ دانشکده رشته های فرعی علوم ، ٩ ایستگاه تجریی پژوهشی و مراکز پژوهشی ویژه کشاورزی مشغول بکار است .

ممکن است چنین سئوالی پیش آید : آیا دانش آکادمیک و شالوده ای پاسخگوی نیازهای مبرم کشوری میباشد که کمی بیش از ١٧ میلیون نفر جمعیت دارد و دانشهای تئوریک در آنجا فاقد سنت دیرینه است و اکثریت مطلق دانشمندان فرزندان آرات ها و روشنفکران نسل نخستین هستند؟ پاسخ این سئوال مثبت است و باید گفت : آری هست . زیرا این یگانه زمینه شکوفایی کشور بر پایه علمی علوم تجریی و تفکر دقیق است که بلاواسطه در خدمت نیازمندیهای اقتصاد کشور و سایر عرصه های زندگی اجتماعی است . ولی درد روان انقلاب علمی و تکنیکی ، هنگامیکه علم به نیروی مولد و بلاواسطه مبدل میگردد ، بدون چنین دانشی نمیتوان به سرعت به پیشرفت و فاصله ای راکه هنوز مغولستان را از سایر کشورهای سوسیالیستی پیشرفته از لحاظ اقتصاد جدا میکند از میان برداشت . بدون دانش مخصوص بخود نمیتوان سیستم کشاورزی ملی متعادل و موزونی باتوجه به شرایط محلی بوجود آورد . نمیتوان اداره شربخش آنها را تأمین کرد ، ساختار اجتماعی جامعه را تکمیل نمود و انسانهای نوی پرورش داد که نیازهای مادی و معنوی آنها بطور مستمر گسترش یافته و نو میگردد .

بعبارت دیگر ، بدون پژوهشهای بنیادی استفاده از امکانات ترقی علمی و تکنیکی فقط تا حد و جزئی معینی میسر است .

در کشورهای در حال رشدی که راه رشد سرمایه داری را برگزیده اند مادرست با چنین منظره ای روبرو میشویم . اما حالا ، در آنچه آهنگ رشد اقتصاد ای افزایش یافته و بازدهی کار اجتماعی بالا رفته و این امر بازدهی حجم محصول خالص و نهائی منجر گردیده است . ولی از این جریان سرمایه مخصوصی و دولتی و شرکتی چند طبقی سود میبرند و نه زحمتکشان . فاصله اقتصادی علمی و تکنیکی میان این کشورها و کشورهای صنعتی زیاد تر و عمیق تر میگردد و بیکاری و فقر و بیسوادی نصیب قسمت اکثریت اهالی محلی است . در شرایط عدم تکافوی کارهای متخصص و از جمله کارهای علمی ، تربیت و پرورش آنها بدون برنامه معین و مقتضی ، مانع از تخصصین در پیمانه شغل مناسبی پیدا نمیکند و به کشورهای دیگر میروند ، در نتیجه " فرار مغزها " پدید میشود

و فقر منابع روشنفکری و مهندسان و تکنیسین بوجود میآید .

ضعف " تولید دانش " وزیرنای علمی و پژوهشی وابستگی کشورهای نواستقلال ملی به کشورهای امپریالیستی را تشدید مینماید و توسعه طلبی اقتصاد را برای آنها سهل و آسان میسازد . آنها تحت عنوان " کمکهای فنی " به کشورهای آزاد شده تکنیک و تکنولوژی کهنه و قدیمی را بنام جدید و مدرن به سود خود میفروشند و این " کمک " را با صد و سرمایه خصوصی تکمیل میکنند . در نتیجه پیشرفت در اینجایک بعدی است و ورشتههای تولیدی که مورد تشویق و ترفیض قرار میگیرد جنبه کمالات صادراتی پیدا میکند ، در ضمن بخش قابل توجهی از محصول اضافی را سهمبهای شرکت های ترانس ناسیونال که صنایع استخراج معادن و بازار داخلی را در اختیار خود دارند به یغما میبرند .

مغولستان پس از انقلاب با این قبیل مسائل روبرو نشد ؛ مقدم بر هر چیز بدین سبب گذرد مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی توسعه طلبی اقتصاد و اسارت برخی از شرکاء بوسیله دیگران وجود ندارد . نظام تازه اجتماعی ، اقتصاد با برنامه و کمک و ستان در کشور ما شرایط مقدماتی لازم را برای بسط و تکامل پایه های علم و تکنیک متناسب با اقتصاد سوسیالیستی فراهم آوردند . اقتصاد کشور هم برای پایه با آهنگ سریع و طبق امکانات موجود و نیازهای اساسی جمهوری پیشرفت میکند .

بطور مثال ، از سال ۱۹۴۰ (آخرین سال مرحله دموکراتیک دوران گذار) حجم محصول^ت صنعتی ۳۶۶ بار افزایش یافت و وزن مخصوص صنایع در درآمد ملی از ۸٫۵٪ تا تقریباً ۳۰٪ درصد بالا رفت . در این اواخر رشته سوخت و انرژی با آهنگهای سریعی رشد میکند ، صنایع استخراج معادن در ردیف رشته های عمده در میآید و رشته جدید کارروی فلزات بوجود میآید . یادآوری این نکته حائز اهمیت است که مؤسسات جدید مجهزه ابزار و دستگاههای مدرن مهیا شدند و در آنها پروسه های تکنولوژی پیشرفته بکاربرد میشود . بطور مثال مجتمع صنایع استخراج معادن " اردنست " که بزرگترین مجتمع موجود در آسیا است با ما در این ها و مکانیسمی مجهز است که حاصل آخرین کلام فکرواندیشه مهندسان مینماید . این واقعیت نیز نشانه بارز دیگری است : در کشور ما در امور ساختن تقریباً تمام کارها در سطح زمین و نزدیک به ۸۰٪ در صد با رنگبری و تخلیه بار مکانیزه شده است .

مجموع ساختن کشاورزی مغولستان با مسائل تکنیکی بطور مداوم افزایش مییابد . طی دو دهه ساله اخیر تعداد تراکتورها ۶ برابر شده و تعداد کومپاینها بیش از دو برابر و قدرت مولد های انرژی الکتریکی روی هم رفته ۷٫۳ برابر گردیده است . کارهای اساسی در کشاورزی کاملاً مکانیزه گردیده است .

از دست آورد های " صنایع رشته فرهنگی " نیز باید چند چیز را خاطر نشان ساخت . اینک در کشور ۳۰ دایره انتشاراتی و ۲۵ چاپخانه مشغول بکار است ، ایستگاه های رادیویی بسیاری پخش برنامه های داخلی و خارجی و شبکه های رادیو و تلویزیون و ایستگاه های ویژه ارتباطات کیهان نوردی سیستم " اگران " (پرده - صفحه) ایجاد گردیده است . شبکه واحد و سراسری رادیو تلویزیون جمهوری خلق مغولستان تکمیل شده است .

تمام این شاخص ها که بیانگر ترقی اقتصاد کشور میباشد در پرتوسهم قابل توجه دانش و تکنیک خود مغولستان بدست آمده است . از طرف دیگر در اینچنانیز ارتباط متقابل دیالکتیکی که بطرز بویژه روشن و دقیقی در شرایط سوسیالیسم خود را نشان میدهد ، بچشم میخورد ، بدین معنی که در واقع پیشرفت اقتصاد شرایط را برای ترقی علم ، تکنیک و فرهنگ ملی بوجود آورد . به نسبت تحکیم اقتصاد کشور تخصیص بودجه و اعتبار برای تحقق هدف های فوق نیز بیشتر شد . در کشوری که اینک عملاً بيمواد وجود ندارد ، بهیچاز ۵۰ هزار نفر دارای تحصیلات عالی میباشند . از لحظه پایان یافتن دوران گذار سوسیالیسم (سال ۱۹۶۰) تعداد کارکنانی که بلا واسطه در رشته های علمی فعالیت میکنند ۹ برابر شده است . تعداد متخصصینی که دارای درجات علمی هستند از این هم بیشتر افزایش نشان میدهد . فقط طی پنجساله ششم (سالهای ۱۹۷۶-۱۹۸۰) بیش از سیصد نفر دانش آنها افزوده شده است .

جمهوری با داشتن چنین ذخیره محسوس کادر علمی (اگرچه بنظر ما هنوز کافی نیست) سعی میکند از بهد رفتن این نیروی تکنیکی و علمی جلوگیری کند و آنرا در جهت انجام وظایفی که منافع ساختمان سوسیالیسم و پیشرفت اقتصاد خلق در مجموع (با توجه به ویژگیهای شرایط محلی) اقتضا میکند بکاربرد . بطور مثال در کشاورزی امور مربوط به اصلاح نژاد دامها و بالا بردن میزان محصولات کشاورزی از مسائل حاد و مبرم روز است . اتوماتیواسیون تولید در صنایع برای ما هم بمنزله شرط لازم ترقی تکنیکی و هم بمثابة امکان حل مسائل مربوط به عدم تکافوی نیروی کار راهمیست خاصه دارد . راههای بدست آوردن مواد خام معدنی و شیوه های استفاده توأم با صرفه جویی کامل از ذخایر سوخت و انرژی هم توجه دانشمندان را بخود جلب میکند . ثمرات اقتصادی تعمیم نتایج کار و وسایط علمی به دهها میلیون تواریک بالغ میگردد .

چنین است بطور کلی مقام علم و تکنیک در زندگی جامعه ما .

کمک های انترناسیونالیستی کشورهای برادر و جلب مغولستان به پروسه همپیوندی اقتصاد سوسیالیستی مهمترین عامل خارجی مؤثر در ترقی علمی - تکنیکی در جمهوری است . کمک و یاری کشورهای عضو شورای تعاون اقتصاد به پیشرفت دانش مغولستان را ما در تمام عرصه ها بمعنی

واقعی کلمه ، از آماده ساختن کارها تا ایجاد زیربنای مادی احساس میکنیم .
 طبیعی است که کهن‌ترین روابط سنتی را مابا اتحاد شوروی داریم . اینک در مجموعه این
 روابط هماهنگی متقابل فعالیت‌های علمی - پژوهشی ، انتخاب سمت‌های اساسی و موضوع برای
 بررسی مشترک و همکاری‌های واسطه میان مؤسسات علمی مشابه نیز پیش‌بینی گردیده است .
 طرح کلی و اصلی پیشرفت و استقرار نیروهای تولیدی مغولستان تا سال ۱۹۹۰ ، طرح‌های
 کلی استقرار مؤسسات صنعتی ، مواد ساختمانی ، پیشرفت صنایع ذغال سنگ ، تهیه نقشه ژئوپولیتیک
 جمهوری خلق مغولستان ، اطمینان منابع آبی و آب و هوای آن را از جمله پرارزش‌ترین ثمرات چنین
 همکاری‌میتوان بشمار آورد . البته پرواز مشترک شوروی - مغولستان با سفینه فضایی " سایوز ۳۰ " که
 در آن ژ. کورواچا شهروند مغولستان شرکت جست در تاریخ علم ماجای ویژه‌ای دارد . مغولستان
 یازدهمین کشوری درجهان گردید که نمایندگی خود را به فضای کیهانی فرستاد . این پرواز نه فقط
 دارای اهمیت فراوان سیاسی بود ، بلکه معلوماً تعلیمی گرانبهایی به جمهوری ما ارزانی داشت که
 در نتیجه انجام آزمایشاتی در مدار زمین در رشته‌های فیزیک کیهانی ، تکنولوژی ، زمین شناسی
 و شیمی بدست آمد . آنها و دههٔ چهارم آوردن ثمرات زیادی برای اقتصاد کشور را بیا میدهند .
 از آغاز پنجساله جاری یعنی پنجساله هفتم مؤسسات علمی رشته‌های فنی علوم در کشور ما با
 همکاری مؤسسات نظیر اتحاد شوروی بررسی‌هایی دربارهٔ ۱۰۷ مسئله و موضوع انجام میدهند .
 از نتایج این بررسی‌ها در مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد مغولستان ، مانند " تعیین سمت استفاده
 همه‌جانبه از ذغال سنگ در اقتصاد کشور و تکنولوژی استفاده از آن " ، " اصلاح جنس نباتات و تخم
 غلات و سمبزیجات " ، " مکانیزاسیون همه‌جانبه دامداری در چراگاه‌ها و برق‌رسانی بانها و بهبود
 شرایط زندگی و فرهنگ دامداران " بهره‌برداری خواهد شد .
 روابط دوستانه بین فرهنگستان‌های علوم جمهوری خلق مغولستان و اتحاد شوروی مرتباً
 تحکیم مییابد : پژوهش‌ها هم‌آهنگ میشود و تبادل نتیجه‌گیری از پژوهش‌ها بعمل میآید . مبادله
 کارهای علمی گسترش پیدا میکند ، از دعوت متقابل برای شرکت در کنفرانس‌ها ، سمپوزیوم‌ها
 و سمینارها استفاده میشود و آثار علمی که نتیجه کار مشترک است چاپ و منتشر میگردد . مأموریت‌های
 علمی مشترک در رشته‌های زمین شناسی ، زیست‌شناسی ، فسیل‌شناسی و تاریخ فرهنگ مغولستان
 هم که از اشکال کار جمعی دانشمندان مغولستان و اتحاد شوروی است نتایج نیکویی ببار آورد هاست .
 باید یاد آور شد که این قبیل مأموریت‌های علمی بطور نمایانی علم را غنی میسازند . البته ، سود فراوانی
 هم برای کشور ما دارند ، کشوری که دارای سرزمینی پهناور با شرایط طبیعی گوناگون است و هنوز
 کاملاً مورد پژوهش و مطالعه قرار نگرفته است .

سایر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی هم در پیشرفت رشته های گوناگون دانشها و تسریع در ترقی تکنیک با برادرانه کمک میکنند . همکاری با آنها بطور مداوم بر پایه برنامه همه جانبه هم پیوندی اقتصادی سوسیالیستی و قرارداد های دراز مدت و وجانبه و چند جانبه گسترش و تعمیق مییابد . متخصصین مغولستان و چکسلواکی در عرصه تکامل بهداشت ، حفظ طبیعت و تکامل صنایع چرم ، کفش و تهیه سیمان تشریح مساعی میکنند . بکمک دانشمندان جمهوری دموکراتیک آلمان یک سلسله از مسائل کشاورزی ، ویژه چاپ و انتشار کتاب و صنایع سبک حل و فصل میشود . در استان رامرتحکیم پیشرفت صنایع بیولوژیک ، تولید چرخ خیاطی و ساختمان کانال ها و قنوات برای آبیاری چراگاهها با کمک میکند . بابلخارستان مادر برخی از رشته های کشاورزی و تولید پوستین ، بالهستان در صنایع ساختمان ، بارومانی در تهیه چوب والوار و پاکوادر آمداری همکاری میکنیم . در تمام این رشته ها پژوهش های جمعی بعمل میآید و مبادله اسناد تکنیکی و نمونه های فرآورد ها و مواد مختلف برقرار شده است . ماه نوآریهای تکنیکی و تکنولوژیک کشورهای برادر کاملاً دسترسی داریم . اشتراک دانشمندان مغولستان در کار دانشکده متحد پژوهشهای هسته ای دانشکده زمین — الملی مسائل اقتصادی سیستم سوسیالیستی جهانی ، دانشکده بین الملی علمی — پژوهشی مسائل اداره و مدیریت دارای اهمیتی اصولی است .

ولی صحبت فقط بر سر پشتیبانی یا با اصطلاح سرمایه روشنفکری نیست . ما از کشورهای برادر و مسائل و ابزار پژوهشی میگیریم و کمک آنها مؤسسات علمی — تکنیکی میسازیم . طی پنجمه گذشته ۱۲ واحد از این مؤسسات ساخته شد . مرکز اطلاعات علمی — تکنیکی ، آزمایشگاههای ژنتیک ، رادیوالکترونیک ، تکنیک حرارت ساختمانی ، کنترل و تشخیص نواقص وضع تکنیکی اتومبیل ها ، پژوهش مواد سوخت و روغن کاری و مجتمع آزمایشگاههای شیمی — تکنولوژی از جمله آنها است . بدون چنین زیربنای مادی مستحکم ترقی علمی — تکنیکی در جمهوری آهنگ امروزی راه دست نمیآورد . اکنون ما با افتخار میتوانیم بگوئیم که در بر تو کمک اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای برادر جمهوری خلق مغولستان از لحاظ پتانسیل علمی — تکنیکی خود از کشورهایی پیشی گرفته است که با آنها در یک سطح پیشرفت اقتصادی قرارداد داشت . این یکی از بزرگترین دست آورد های مغولستان در راه سوسیالیسم است .

تمام پروسه پیشرفت علم در کشور ، تعمیق ارتباط آن با پراتیک ، افزایش نقش سازمانهای علمی — پژوهشی در مبسط و تکامل زیربنای مادی — تکنیکی سوسیالیسم بطور مداوم تحت تأثیر سمیت دهنده و رهبری کننده خلق انقلابی مغولستان است .

ماهیت رهبری علم بوسیله حزب را مادر چه می بینیم ؟ معلوم است که جز بوظیفه هدایت

بلا واسطه کارهای پژوهشی در رشته‌های مختلف دانش‌ها را به‌همه‌منیگردد . در این کار موسسات دلیتی فرهنگستان علوم اشتراك می‌ورزند .

تهیه و تنظیم سیاست علمی و تکنیکی ، تجزیه و تحلیل وضع ترقی علمی و تکنیکی و تأمین شرایط برای تسریع آن ، تعیین اهداف درجه اول اقتصادی و اجتماعی که توجه دانشمندان را بدست یافتن بر آنها باید جلب کرد ، استقرار کارهای متخصصی و بدلسوز در محمل مناسب ، آماده ساختن سازماندهندگان مجامع علمی کمشیه کار حزبی را بداند همه در عرصه رهبری حزب قرار دارند ، در ضمن چنین رهبری نیز باید با برخوردی علمی انجام گیرد .

حزب خلق انقلابی مغولستان در دست در آن لحظه از پیشرفت تاریخی مابستکرایجاد دانشگاه فرهنگستان علوم و سایر مراکز علمی گردید که شرایط لازم برای این کار فراهم آمده بود و بتانسیم روشنفکری لازم ایجاد میشد . وضع ونحوه بسط و تکامل علم و تکنیک در کشورها را در مجامع عالی حزبی مورد بحث و بررسی قرار گرفت . حزب در شرایط کنونی ، یعنی هنگامیکه وظیفه بهم پیوستن دست آورد های ترقی علمی و فنی با برتریهای سوسیالیسم بوظیفه ای حاد و مبرم مبدل گردیده نیز توجه فراوانی بدان مسائل مبدول میدارد . رفیق ی . سد نبال در بیرکل کمیته مرکزی حزب خلق مغولستان در گزارش خود به هیجدهمین کنگره حزب (سال ۱۹۸۱) خاطر نشان ساخت که :

" در مرحله کنونی ساختمان سوسیالیسم حزب برای پیشرفت علوم و تعمیق گسترده دست آورد های علم و تکنیک و تجربه پیشرو در تولید اهمیت زیادی قائل است " (۱) .

مسائل عمده زندگی علمی در اسناد ویژه حزبی هم را محل پیدا میکنند . بطور مثال ، در سال ۱۹۸۰ کمیته مرکزی حزب خلق انقلابی مغولستان قرار مشروخی در باره " وضع امور علمی و پژوهشی در کشور و تدابیر لازم بمنظور بهبود آن " بتصویب رسانید . در آن نتیجه گیریهای مربوط به وضع ترقی علمی و تکنیکی در جمهوری ، نواقص موجود و تدابیر لازم برای برطرف ساختن آنها منعکس گردیده و سمت های اصلی پیشرفت علوم کشور ، راههای بهبود رهبری امور علمی — پژوهشی و افزایش شریکشی آن تعیین شده است . در این سند برنامه ها نند تأکید میشد که باید تناسب درستی در حجم پژوهش های بنیادی و تجربی مراعات گردد و از نتایج علمی بدست آمده در کشورهای شورای تعاون اقتصادی کالتر استفاده شود . همچنین قید میگردد که فعالیت های علمی — پژوهشی باید طبق برنامه واحدی انجام گیرد کما ز بهترین برنامه های هدفمند برای کشور ترکیب یافته و در جهت افزایش هر چه بیشتر شریکشی تولید اجتماعی باشد . پیشنهادهای میشد هم آهنگی کار موسسات علمی تشدید گردد ،

۱ — ی . سد نبال . گزارش کمیته مرکزی حزب به هیجدهمین کنگره حزب خلق انقلابی مغولستان

ساختار سازمانی آنها بهبود یابد ، ارتباط علم و تولید استوارتر شود و شالوده تجربی - آزمایشی پژوهش‌های علمی پی‌ریزی گردد .

نخستین نتایج کارهای انجام شده برای اجرای قرارهای کمیته مرکزی تأیید میکنند که حزب بموقع و بد رستی حلقه‌هایی رامعین کرده است که تحکیم آنها به تسریع ترقی علمی - تکنیکی کمک میکند . در جریان انجام وظائف تعیین شده نواقصی که حرکت بجلورا دشوار میساخت نمایان تر گردید . از جمله در شیوه وسبک رهبری علمی در مؤسسات فرهنگستان علوم جمهوری خلق مغولستان نواقص جدی پدیدار شد . این فاکت‌ها بطور اصولی در مصوبات کمیته مرکزی مورد ارزیابی قرار گرفت و موجب برطرف ساختن نواقص و ایجاد محیط خلّاق و افزایش نتایج کارهای پژوهشی دانشمندان گردید . تحقق پیگیری مصوبات کمیته مرکزی حزب خلق انقلابی مغولستان در سال ۱۹۸۰ مضمون اساسی تمام کارها در رشته علم و تکنیک در پنجساله هفتم را تشکیل میدهد . بدین ترتیب همه‌جانبه بودن و هدفمندی پژوهش‌های علمی و افزایش سهم واقعی آنها در تسریع آهنگ پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تأمین میگردد . انجام یکی از مهمترین وظائفی که کننگرّه هیچ‌دم تعیین کرده ، یعنی تشدید همه‌جانبه تولید اجتماعی تا حدود زیادی واپسته به نتایج این کار است .

طبیعی است که برای دست یافتن به این هدف‌ها تحکیم هر چه بیشتر قدرت علمی - تکنیکی کشور لازم می‌آید . بطور مثال طی پنجساله جاری اختصاص بودجه برای مؤسسات علمی دو برابر میشود . ماعتیده داریم که تعداد دانشمندان ۱۸ درصد و تعداد کارمندان که دارای درجه علمی هستند تقریباً یک سوم افزایش خواهد یافت . این نیروکادر شعب مختلف فرهنگستان علوم ، وزارتخانه‌های مربوطه و ادارات و مؤسسات علمی و دانشکده‌ها را تکمیل خواهد کرد . خود جیبه امور پژوهشی هم بطور چشمگیری گسترش خواهد یافت .

ما از تکمیل سیستم اطلاعات علمی - تکنیکی انتظارات زیادی داریم . این سیستم از ده سال پیش در کشور تعمیم داده شده و بازدهی آن هزینه مصرفی را کاملاً جبران کرده است . علاوه بر این مغولستان بطور فعال در کار مرکز بین‌المللی اطلاعات علمی و تکنیکی که در چهارچوب شورای تعاون اقتصادی عمل میکند اشتراک میورزد و این امر امکان مساعدی برای آشنائی هر چه سریعتر با آخرین دستاوردهای علوم جهانی و تجربی ایجاد میکند . استفادّه خلّاق از اطلاعات و همچنین اعتلای کشفیات و اختراعات و تعمیم آنها در کارخانه‌ها ، ترویج برداشته تجربه پیشرو همه تسریع کنند ه‌های پیشرفت اقتصادی است .

مغولستان در راه ساختن سوسیالیسم با اطمینان به پیش میرود . در این حرکت وقوس صعودی ترقی علمی - تکنیکی نقش هر چه بیشتری ایفا میکند . تاثیر دگرگون سازنده این ترقی در شرایط جامعه نوین نیروی ویژه ای بروز میکند .

تاریخ مبارزات انقلابی

تاریخ ایران طی دهساله های اخیر با مبارزات طبقه کارگر و پیشتازان حزب توده ایران ادامه دهنده صدیق راه حزب کمونیست ایران پیوندی ناگسستنی دارد. بمناسبت چهلمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران که در سال ۱۹۸۱ برگزار شد در تهران کتاب ویژه ای بقلم افرادی از کادر رهبری حزب از جمله رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران چاپ و منتشر گردید.

کتابد رواقع نوعی گزارش حزب در برابر زحمتکشان است که طی آن بخشهای نمایانسی از فعالیت حزب طی چهل سال از لحظه تأسیس تا چهلمین سالگرد آن بیان شده است. مبارزه مشحون از فداکاری، ایثار و قهرمانی حزب توده ایران در راه استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی بر پایه واقعیات انکارناپذیر تاریخی و اسناد و مدارک روشن نشان داده شده است. این مجموعه مقالات از فوایدی خدشهناپذیر و پیگیر حزب به طبقه کارگر و دهقانان زحمتکش و وحدت جدائی ناپذیر میهن پرستی و انترناسیونالیسم پرولتری، پیگیری حزب در دفاع از حقوق سیاسی و اقتصادی مردم زحمتکش، زنان، جوانان و اقلیت های ملی سخن میگوید.

حزب توده ایران در سال ۱۹۴۱ در بحبوحه جنگ جهانی دوم، در روزهای دشوار یک فاشیست های آلمان و همدستانان در ایران میکوشیدند کشور ما را به پایگاه حمله به اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای مبدل کنند تأسیس گردید. حزب بنویسند علیه نقشه های فاشیسم و فعالیت داخلی آن یعنی طبقه حاکمه فئودال - کمراد و رقا طمانه قد علم کرد. حزب توده ایران مبارزه با سیاستهای استعماری، برقراری مناسبات دوستانه با اتحاد شوروی، انجام اصلاحات دموکراتیک تأمین حقوق اقلیت های ملی و پیشرفت اقتصاد ملی را در برنامه خود گنجانید.

نویسندگان کتاب یادآور میشوند که تحت تأثیر سرکوب نیروهای هیتلری در استالینگراد تجرخش تاریخی در میدان سیاست جهان بسود نیروهای ضد فاشیست، دموکراتیک و خلقی بوجود آمد" (صفحه ۱۶). در ایران جنبش توده ای در راه اتخاذ سیاستی کاملاً مستقل و ایجاد

دگرگونی های بنیادی مترقی بسط و گسترش یافت . حزب توده ایران در رهبری این جنبش نقش فعالی داشت . اتحادیه های صنفی متعدد کارگران ، دهقانان ، روشنفکران و سازمانهای زنان و جوانان ایجاد گردید . شورای متحد مرکزی سندیکاها که تحت رهبری حزب در سال ۱۹۴۴ تشکیل یافت بیش از ۹۰ درصد تمام کارگران را در برمیگرفت . حزب توده ایران کوشش فراوانی برای تحکیم سازمانی صفوف خود و بالا بردن آگاهی ایدئولوژیک و سیاسی پرولتاریا بکار برد . در کتاب از این کوشش عظیم چنین یاد شده است : " در دوران نسبتاً کوتاه اعتلای جنبش ملی و دموکراتیک ایران زحمتکشان ایران و در پیشاپیششان طبقه کارگر زیر رهبری سیاسی حزب توده ایران به دست آورد های چشمگیری نائل آمدند : دشمن را شناختند ، به حقوق حقه خود آشنا شدند ، راه مبارزه برای گرفتن این حقوق را آموختند و در نبرد نابرابر با دشمن یعنی با هیئت حاکمه فئودال - کمپرادور وابسته به امپریالیسم گامهای باارزشی به جلو برداشتند (صفحه ۱۹) .

فعالیت حزب در دوران پیرا زنجنگ ، یعنی دورانی که ایران عرصه توسعه طلبی سیاسی - اقتصادی ایالات متحده آمریکا شده بود ، در این اشرارخی بخوبی منعکس شده است . ایالات متحده آمریکا با استفاده از ضعف رقیب خود یعنی انگلستان که در آن هنگام در اقتصاد ایران (بویژه در صنایع نفت) موضع اصلی و عمده را اشغال کرده بود ، بکار تدارک و تهیه زمینه برای برقراری «ناطه» خود در ایران پرداخت . موضعگیری بورژوازی ملی که بکمک امریکائی ها در پیرون راندن امپریالیست های انگلیسی از ایران چشم انتظار دوخته بود ، به این جریان کمک میکرد . حزب توده ایران بطور پیگیر سیاست ایالات متحده آمریکا را بمنزله بزرگترین مانع در راه بدست آوردن حق حاکمیت و استقلال کشور ، آزادی و ترقی اجتماعی فاش و بر ملا ساخت . در دست بهمین غلست و اشنگتن و عمال داخلی آن حزب پیرو سوسیالیسم علمی را بمنزله دشمن اصلی خود بشمار میآوردند و با طویل و جعلیاتی در باره اینکه گویا " خطر کمونیسم " ایران را تهدید میکند شایع میکردند . تصادفی نیست که هنگامیکه ارتجاع به حملات پر دامنه تازه ای علیه دموکراسی دستنیزد ضربات آن مقدم بر همه مستقیماً متوجه حزب توده ایران میشد .

دراواخر سالهای ۴۰ و اوایل سالهای ۵۰ (میلادی) جنبش آزاد بینش ملی در ایران نیروی تازه ای یافت . نویسندگان کتاب یادآور میشوند که این جنبش در آغاز متوجه برجیدن بساط شرکت نفت انگلیس و ایران ، این آلت اساسی سلطه امپریالیسم بریتانیا بود ، که بتدریج خصلت گسترده تری یافت و به مخالفت با مداخله ایالات متحده آمریکا و بریتانیا ی کهیرد را مورد اخلی ایران پرداخت و خواستار پیروی از مشی مستقلی در سیاست خارجی گردید که پاسخگوی منافع ملی باشد . در کتاب گفته شده است سازمانهای مترقی و در درجه اول حزب توده ایران خواستار انجام دگرگونی

های بنیادی سیاسی و اقتصادی بودند . با وجود اینکه حزب توده ایران از سال ۱۹۴۹ رسماً غیرقانونی اعلام شده بود و بناچار در شرایط غیرعادی فعالیت میکرد تأثیر و نفوذ آن میان توده ها بطور مداوم افزایش مییافت . طی این دوره کارهای تبلیغاتی و سازمانی حزب در مناطق نفت خیز جنوبی به میزان چشمگیری گسترش یافت . فقط در نتیجه تلاش مشترک ارتجاع داخلی و امپریالیست های آمریکا و انگلیس (که در این مورد بخصوص متحد عمل میکردند) فروکاستن موج انقلابی امکان پذیر گردید . پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ کشور رنج دیده ایران بار دیگر به "شکارگاه" امپریالیسم مبدل گردید .

در سال ۱۳۳۶ با کمک مستقیم ایالات متحده آمریکا سازمان امنیت و اطلاعات کشوری یعنی سازمان جبهه ساواک بوجود آمد که از مهمترین آلات و ابزار رژیم برای سرکوبی سازمان های اپوزیسیون و در درجه اول حزب طبقه کارگر ایران بود . طی بیست و پنج سال دیکتاتوری محمد رضا پهلوی هزارهاتن از اعضای حزب توده ایران زندانی شدند ، تحت شکنجه قرار گرفتند و یا همانند خسرو روزبه عضو کمیته مرکزی حزب و قهرمان ملی ایران تیرباران شدند . شرح این دشوارترین دوران زندگی حزب در فصلی آمده است که ۲۴ صفحه اسناد و مدارک و فهرست اعضای تیرباران شده حزب توده ایران در آن جلگنجانده شده است . طبق نوشته مؤلفین کتاب این فهرست طولانی بدون تردید هنوز هم کامل نیست (صفحه ۳۱۸) .

تروریسمی وحشیانه رژیم بمنظور " ریشه کن ساختن کمونیسم " نتوانست در عزم و اراده پیشتاز زحمتکشان ایران تزلزلی ایجاد نماید . در شرایط دشوار کارمخفی حزب نه فقط بکار در میان توده ها ادامه میدهد ، بلکه علیه اپورتونیست های راست و " چپ " ، تروتسکیست ها و مائوئیست ها هم مبارزه میکند ، صفوف خود را از مرتدین و افراد ضعیف النفس پاک میساخت و با قاطعیت از اصول انترناسیونالیسم پرولتری دفاع مینمود . از اینرو مؤلفین کتاب نتیجه میگیرند که : " درست بهمین جهات است که حزب توده ایران مورد بغض و کینه امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و داخلی ، بسرکردگی امپریالیسم خونخوار آمریکا است . درست بهمین جهات است که حزب توده ایران مورد احترام و اعتماد همه احزاب و سازمانهای انقلابی واقعی در سراسر جهان است " (صفحه ۱-۱۱) .

به فعالیت حزب برای ایجاد جبهه متحد ضد امپریالیستی و خلقی که تمام نیروهای دموکراتیک و مترقی کشور را دربرگیرد جای برجسته ای در کتاب اختصاص داده شده است . " این نیروها علیرغم تمام توطئه های تفرقه افکنانه عمال امپریالیسم و ارتجاع ، طی چهل سال چندین بار به اشکال مختلف متحد شده اند " (صفحه ۸۸) . نمونه بارز وحدت در تیر ۱۳۳۱ بخوبی چشم میخورد ، هنگامیکه کابینه مصدق در نتیجه دسائیس دارودسته شاه مجبور به استعفا شد و

اعتصاب همگانی به پشتیبانی از نخست‌وزیر که آن موقع تمام کشور را فراگرفته بود، در تهران بقیام
 مبدل شد. سازمانهای دیگر هم همراه با حزب توده ایران که رویدادهای اصلی پایتخت در روز
 سی تیر را رهبری میکرد در جنبه‌ها و احدی عمل میکردند. ارتجاع مجبور به عقب نشینی شد.
 در بخشهای دیگری از کتاب شرکت فعال حزب توده ایران در انقلاب ضد امپریالیستی
 و ضد سلطنتی سال ۱۹۷۹ نشان داده شده است. حزب با تمام وسایل و امکاناتی که در اختیار
 دارد همچنان به دفاع از انقلاب و تحکیم و تعمیق آن یاری میرساند.
 نویسندگان کتاب تأکید میکنند که سرنوشت فردای انقلابی که دشواریهای عظیمی را باید
 از سر بگذرانند وابسته به اتحاد نیروهای مترقی است. ارزیابی‌های هشیارانه، تجزیه و تحلیل
 دقیق و علمی اوضاع متغیر کشور، افشای توطئه‌های داخلی و خارجی که بارها انقلاب را از خطر اتری
 که متوجه آن بود رها نیده به ارج و اعتبار حزب میان مردم افزوده است. مارکسیست - لنینیست‌ها
 ایران مینویسند: " ما میدانیم که راه آسانی در پیش نداریم و چه بسا در این راه با زهم با توفان‌ها
 و بوران‌ها روبرو شویم، ولی در یک چیز تردید نداریم و آن پیشرفت ایست‌ناپذیر جنبش انقلابی جامعه
 بشری است، جنبشی که امپریالیسم و ارتجاع جهانی را بگور خواهد برد " (صفحه ۵۴) .

با توجه به علاقه‌ای که مردم جهان به اوضاع ایران نشان میدهند، با اطمینان کامل میتوان
 گفت این کتاب وسیله‌ی نایقیمی برای بررسی و شناخت پروسه انقلابی و زندگی سیاسی جوشان
 و معاصر کشور ما است .

علی خاوری

عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

مجله «مسائل بین‌المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می‌یابد، به تشریح مسائل ثئوریک و سیاسی جنبش جهانی کمونیستی و کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه ثئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس‌کننده نظریات و اندیشه‌های آنانست، اشغاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره‌های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۸۲ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» بچاپ رسیده است.

PROBLEMS OF PEACE AND SOCIALISM

Theoretical and information journal of Communist
and Workers' Parties throughout the world

No 9 , 10 1982



انتشارات حزب توده ایران